



فردین لراسی

بیست سالگی دانشنامه جهان اسلام از نگاه صاحب‌نظران

هفته گذشته گزارشی از جشن بیست سالگی بنیاد دایره‌المعارف اسلامی که دانشنامه جهان اسلام را تدوین کند، خواهیم دید. در این شماره، دیدگاه‌های چند تن از صاحب‌نظران، اساتید و افاضی علمی می‌آید و درباره دانشنامه جهان اسلام جوینده ایم.

نگار دیلایی عضو هیأت علمی بنیاد دایرهٔ المعارف اسلامی و مسؤل شاخه تاریخ، نشکیلات و اصلاحات دیوانی دانشنامه جهان اسلام است. وی درباره ضرورت تدوین چنین دانشنامه‌ای می‌گوید: تدوین دانشنامه از یک نگاه کام علمی است در ارتفاع سطح علمی و فرهنگی جامعه و در آشنایی عمومی مردم (امم از افتخار تحصیل کرده و جز آن‌ها) تاریخ پرشکوهِ فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی که در وسعت بخشیدن به گسترد دانش عمومی، درباره ریشه‌های هويت ملی و فرهنگی تأثیر بسزایی دارد.

وی نگاه دیگری به این دایره‌المعارف (نگاه تخصصی ذکر کرده و می‌افزاید: در نگاه تخصصی دانشنامه مرجع قابل اعتمادی است برای جامعه علمی و دانشگاهی، در

برخی حوزه‌های مربوط به علوم انسانی و اسلامی، وی ویژگی مهم این اثر را چنین بیان می‌کند: به نظر من دانشنامه جهان اسلام باکیه بر رعایت روش‌های قدیم و شناخته‌شده تحقیق آکادمیک (برای نمونه مراجعه کردن به منابع دست اول از ریکسو و نیز مد نظر قرار دادن تحقیقات جدید و مقالات معتبر در سطح نشریات بین المللی) در حوزه مطالعات اسلامی از سوی دیگر و تقدیر، تصحیح مقالات دایره‌المعارفی دیگر به دور مقالات دایره‌المعارف اسلام کامی‌همی را در تکمیل و تصحیح آثار مشابه براننده است و هرچند این اثر نیز به خود محتاج تقدیر بررسی جامعه علمی است و طبعاً مشتاقانه با و روی نگاه نقد و نظرها و گوشه‌های عالمانه دانشمندان و فرهیختگان دارد جهت رفع نواقص و ارائه اثری با اشتیاهات و افراط کمتر را خواهد پذیرفت.

دیلایی درباره فراتراندن شدن مدت‌زمان تدوین دانشنامه می‌گوید: در ادامه آثار علمی دقیق طعنانی بران شباب و سرعت کار را به عنوان سببسی تاریخی درجه اول و مقدم بر معیارهای دیگر در برنامه‌ریزی و مدیریت کار لحاظ کرد. هرچند که در سال‌های اخیر در عین مقدم شدن حسیت و وقت بیشتر در انتشار، در مجموع نسبت به دهه نخست تأسیس بنیاد، کار شباب پیشتری گرفته و به حد معارفی رسیده است.

ابراهیم موسی پور عضو گروه فرهنگ و تمدن بنیاد دایرهٔ المعارف و سرپرست شاخه مردم‌شناسی فرهنگی جهان اسلام و از برندگان این مراسم ضرورت تدوین چنین دایرهٔ‌المعارفی را چنین می‌داند: «دانشنامه نوسبی در تمدن اسلامی، سنتی قدیمی و ریشه دار است و تداوم این سنت و بهبود و ارتقای مؤلفه‌های آن و روزآمد ساختن اطلاعات بنیادی متدرج در آن قبیل آثار، کار لازم و ارزشمندی است در پیرویهٔ آنکه وجود مرجع معتبر دانشنامه‌ای در زمینه‌های مختلف، گام پرزدهشی را برای سطوح مختلف محققان و دانشجویان هم از لحاظ فنی و هم از نظر سرعت تولید، تسبیح و تنهیل می‌کند و گاه مراجعه به یک مقاله جامع دانشمندی از خواننده را از مراجعه به انبوهی اثر آثار دیگر می‌نیز کند.

ابراهیم موسی پور در مورد نقاط قوت و ضعف این دانشنامه می‌افزاید: با آشنایی نسبتاً جامعی که با دانشنامه‌های مورد مراجعه به اجرات می‌توانم ادعا کنم که در حال حاضر این دانشنامه مستندترین نظام ارجاع را دارد و این قضیه هم در تعداد ارجاعات و هم از نظر صحت و وقت آنها مشهود است.

وی می‌افزاید: در این زمینه باید متذکر شوم که برخلاف برخی دیگر از آثار مشابه، در این مجموعه کار چند کردن درج‌ات را نه مستطاران و نگارآموزان، بلکه افاضی هیأت علمی انجام می‌دهند و در عین حال ارجاعات یکجک شده در یک نظام نظارتی حتمی به‌صورتی مکانیکی هم چک می‌شود تا خطاهای احتمالی

از ریزبان هم تصحیح شود و دیگر اینکه به دلیل جوان بودن اکثر افضیای دانشنامه، اطلاعات جدید و گاه زبان تازه‌ای در مقالات مختلف ارائه می‌شود که به نسبت به آثار مشابه دیگر بر این نسل جدید، ما بیشتر قابل استفاده است. روی ادامه می‌دهد: ترجیح می‌دهم بحث و بررسی نقاط ضعف این دایرهٔ‌المعارف را به فرصی دیگر واگذار کنم.

موسی پور ویژگی مهم این اثر را بی‌تعمسی و نگاه بی‌طرفانه آن دانسته و می‌گوید: بی‌تعمسی در به دست آوردن روایت ایرانی و بومی از همه موضوعات است چرا که در این دانشنامه نویسندگان آن در هر موضوعی که قاع شوند در داخل کشور نمی‌توانند مقاله‌مطلب را تولید کنند. آن را از دانشنامه‌های معتبر دیگر ترجمه می‌کنند و ترجمه برای ما تابع بیست یعنی در عین حال که بنای کار ما نسبتاً گنگ بر تألیف مقالات روزآمد است در حوزه‌های که آثار متخصصان ایرانی برای آنها وجود ندارد به آثار مؤلفان خارجی و آثار دیگر دانشنامه‌های موجود مراجعه می‌شود.

محسن معینی عضو گروه علوم قرآن و حدیث دانشنامه در مورد ضرورت تدوین چنین دانشنامه‌ای می‌گوید: آشنایی و اطلاع همگان از چگونده و عصاره معارف اسلامی از گذشته تا به حال با نگاهی جدید و امروزی از ضرورت‌های انتشار چنین دانشنامه‌ای است.

وی ویژگی مهم این اثر را علمی و دقیق بودن اطلاعات موجود در دایرهٔ‌المعارف، مناسب و یکسان بودن حجم مقالات، و به روز بودن مطالب مقالات ذکر می‌کند.



علی دهخانی

فرید قاسملو محقق و مؤلف با دانشنامه در حد استفاده از آن آشناست و ضرورت تدوین دایره‌المعارف را فوق‌العاده می‌داند و می‌گوید: به عنوان مرجع برای تحقیق و تدوین در موارد مورد نیاز محققان و مؤلفان می‌تواند بسیار مفید و کاربردی باشد. ویژگی مهم این اثر منحصر به فرد بودن آن در بسیاری موارد است و اینکه مطالب و مقالات آن مستند و مرجوح به مراجع علمی و ارزشمند است.

وی می‌گوید: دانشنامه جهان اسلام از جمله دایره‌المعارف‌های مهم در سطح جهان می‌باشد و ای‌دیورم این کار هر چه زودتر به سرانجام برسد و بدین ترتیب، برگ فرخنده‌ای به فرهنگ و ادب کشور اسلامی افزوده گردد.

سیدرضا هاشمی پژوهشگر و مؤلف و سرپرست گروه ققه و حقوق دایره‌المعارف و از برندگان اهدای جایزه به نقرات بر مقالات است. وی در مورد ضرورت تدوین چنین دایرهٔ‌المعارفی می‌گوید: با توجه به اینکه تاکنون در ایران و جهان اسلام کار جدی و اساسی برای تدوین دایره‌المعارف‌های جامع در عین حال تخصصی و تحقیقی صورت نگرفته است تمام صاحب‌نظران و محققان در مورد ضرورت تدوین چنین دایره‌المعارف‌های اتفاق نظر داشته و تدوین چنین آثاری هم در زمینه گسترش فرهنگ پژوهی و سامان دادن به تحقیقات علمی در کشور، تأثیر بسزا داشته و هم می‌تواند به عنوان آثار مرجع، اطلاعات نقشه و درست‌دراوا، آثار تخصصی و مفاهیم علمی محققین که در طول قرن‌ها اعضاء گذشته در جهان اسلام مطرح بوده در اختیار استفاده‌کنندگان قرار دهد.

وی می‌افزاید: در مورد ویژگی مهم این اثر باید یادآور شوم که گسترش دامنه پژوهش و تحقیق در دانشنامه جهان اسلام که حوزه‌های رسمی از حقوق و اصلاحات مربوط به علوم و فنون گوناگون، کتاب‌ها، آثار، اماکن، اشخاص و… را در بر می‌گیرد و نیز ابعاد و قوت مقالات آن از نظر محتوا، زبان، ساختار و استناد است.

هاشمی می‌افزاید: علاوه بر مباحث فوق، باید به این نکته اشاره کنم که دانشنامه جهان اسلام، به‌رغم کاستی‌ها و اشکالات اندک موجود در آن در حال حاضر از مهمترین آثار مرجع و منابع تحقیق در مورد معارف اسلامی و شناخت جهان اسلام به شمار می‌رود که

رفته‌رفته جای خود را در میان دانش پژوهان و جامع علمی باز کرده است و بی‌تردید با انتشار مجلدات بعدی آن و مترجمه آن به زبان‌های دیگر که در دست اقدام است، جایگاه آن پس رفیع‌تر خواهد شد. دکتر یاقق هاشمی مؤرخ و استاد دانشگاه ققم و تربیت موجود در بنیاد دایرهٔ‌المعارف را بسیار خوب می‌داند و می‌گوید: حدود ۱۷ سال پیش دایره‌المعارف آشناندم در آغاز محقق بودم و سلسله مقالاتی در شماره‌های پنج و شش به من ارجاع شد که متجاوز از ۵۰ مقاله در مورد تاریخ معاصر نوشت.

عقلی می‌افزاید: رسیدن به حرف «ته» در طول ۲۰ سال نسبتاً سرعت خوبی است ولیکن باید حادتر فرس.

همین مدت این دایرهٔ‌المعارف به دست مردم برسد. وی ویژگی مهم این اثر را مطالب جدیدتر، توجه



باقر عقلی

تانیدینش افشار

و وقت زیاد آن می‌داند و معتقد است که این اثر تقریباً بدون غلط است.

از نگاه دیگر صاحب‌نظران علمی دهخانی:

«علی دهخانی» مدیر مجله بخارا می‌گوید: جهان اسلام و تسبیح در حوزه زبان فارسی نیازمند یک چنین کار عظیمی بود. این نیاز البته، مختص به این زمان نمی‌شد و نیاز به آن از آغاز آشنایی شما با این دوره به این نیاز فرهنگی پاسخ داده شد و در ارزشمند بودن کار و مجموعه نهادهای که این دایرهٔ‌المعارف‌ها را منتشر می‌کنند تزییدی نیست.

دهخانی با انتقاد از عدم استقبال از این دایره‌المعارف‌ها می‌گوید: به قرار اطلاع در کشور ما تعداد بسیار زیادی مسجد وجود دارد که جا داشت یک دوره از این دایره‌المعارف‌ها در هر کدام از این مسجدها وجود داشته باشد مگر که این است که در این مساجد جوانان حضور دارند و این مساجد مراکز دینی ما محسوب می‌شوند.

وی می‌افزاید: شمارگان این دایره‌المعارف‌ها در یک کشور شیعه و مسلمان تأسیس‌انگیز است. اگر هر مسجد یا کانون دینی با علمی و کتابخانه یک دوره از این دایره‌المعارف‌ها و دوشمارگان این دایره‌المعارف‌ها همسایر بیشتر از شمارگان فعلی‌شان بود.

وی می‌افزاید: البته یکی از سببانی که این دایره‌المعارف‌ها با آن مواجه هستند فاصله زمانی نسبتاً زیاد بین زمان انتشار مجلدات مختلف آن است که اگر

انتشار این مجلدات با فواصل نزدیکتری صورت بگیرد عظمت انتشار این دایره‌المعارف یازاد جفی‌تری را در عرصه فرهنگی کشور خواهد داشت.

سیدحسین امین:

پروفیسر سید حسن امین سرپرست علمی دایرهٔ‌المعارف ایران هم با مثبت خواندن انتشار این دانشنامه می‌گوید: انتشار این دانشنامه بسیار خوب است و در واقع ادامه همان کاری است که قبل از انقلاب توسط آستان پارشاطر و دیگران توسط من شد که معروف بود به دایره‌المعارف اسلام و ایران که توسط بیگاه ترجمه و نشر کتاب در چندین مجلد، چاپ رسید.

وی می‌افزاید: در این دایرهٔ‌المعارف یکی از چپ‌های دایرهٔ‌المعارف اسلام که در غرب منتشر شده بود به فارسی ترجمه شده و مدخل‌هایی را که مربوط به ایران بود در آن جن مطلب اضافه و دو پیوسته محققان و نویسندگان سازمان ایرانی مجدداً نوشته شد.

وی می‌افزاید: در همه کشورهای جهان یک دایره‌المعارف وجود دارد که فرهنگ و تاریخ و تمدن آنها را ثبت می‌کند چیزی که ما تاکنون از آن محروم بودیم. مثلاً در انگلستان سال‌هاست که دایره‌المعارف بریتانیا منتشر می‌شود و آمریکا دایره‌المعارف آمریکا، در ایپا

دایره‌المعارفی که از حرف الفقه تا «ی» آن تکمیل شده دایره‌المعارف خاص کشور خود را در این دایره‌المعارف داشته ایم و تنها ما دایره‌المعارف مرحوم مصاحب دانشمند که آن هم بیشتر ترجمه‌ای از دایره‌المعارف وایکنگ بود و دیگری نوشته‌شده‌معدداً که هم با تعریف دایره‌المعارف که در وقت حلقه‌ای از اندام اطلاعات و علوم شرقی محسوب می‌شود هماهنگی ندارد.

وی می‌افزاید: در حالی که پیش از ظهور دبایب مقدس اسلام هم ایران و جهان وجود داشته است و تمدن‌های قلی از نظام فوقی و قضایی برخوردار بودند که بعد از اسلام هم شارع بر تعدادی از آنها صحه گذاشت و آنها را در واقع تأیید کرد چراکه معارفی با اسلام داشتند.

دکتر تانیدینش افشار:

دکتر تانیدینش افشار در این باره می‌گوید: اگر هر کدام از سه دایره‌المعارف بزرگ اسلامی دانشنامه جهان‌المعارف تسبیح و تحریف خود را در اطلاع‌رسانی موضوعات مربوط به می‌خواهند در چنان‌جا بیخ اسلام گسترش اسلام و حتی اسلام قرار بگیرند بسیار مفید خواهند بود.

وی می‌افزاید: تلاش دایره‌المعارف بزرگ اسلامی اسلام را از نظر پایش، تحولات تاریخی و گسترش آن بررسی می‌کند. دانشنامه جهان اسلام به موضوع جهان اسلام برورس و اینکه دانشنامه‌ها موجود در این کشور برای دایره‌المعارف ایران و کشورهای همسایر است و معرعی نخستین‌های بزرگ اسلامی این کشورها و دایره‌المعارف بزرگ‌تسبیح به موضوع تسبیح پیرزاد و برقراری فرهنگ‌ها و شیعت‌های فرقه‌های مختلف آن و معرعی بزرگان تسبیح می‌آید. قلم‌های متعدد، مثلاً یک مقاله مربوط به یک مسئله را اگر هر سه دایره‌المعارف از یک زاویه دیده یا هر سه را در واقع هر سه یک کار کرده‌اند، اما که در فرض همان سالهٔ تاریخ هر سه دایره‌المعارف کار بگیرد و هر کدام از آنها چیزی خود به آن درآورد آن وقت می‌توان گفت کار خوبی صورت گرفته است. دایره‌المعارف جامع اسلامی خواهم داشت. مثلاً اگر همین قضیه شامیه را دایره‌المعارف تسبیح از این منظر که نقلاتی بارقی دیگر ملاحظه می‌کنند، دایره‌المعارف جهان اسلام بر این منظر ملاحظه می‌کنند و موضوع یک‌زده خیلی بهتر می‌شود. در مورد مدت زمان طول کشیدن تحریران دایره‌المعارف می‌گوید: انتشار این دایره‌المعارف کند است، البته معمولاً در ایران کشور دایره‌المعارفی داریم که در حرف «ی» پایان می‌رسد. هرچند که دایره‌المعارف‌هایی مثل دایره‌المعارف بزرگ کلبادی و فرهنگ‌نامه کوکب و نوجوان از این قاعده مستثنی هستند.



کتابخانهٔ آیت‌الله العظمی خاتمی

که چاره اندیشیان و طیبیان اجتماعی در کلٔ مملکت و خصوصاً بخش آموزش جامعه باید به مذاورایش بپردازند. که قضیه باز هم بر می گردد به اهدام برنامه‌ریزان و مسوولان آموزش و پرورش که باید برای ایجاد شوق به مطالعه مجربتری فراهم آورند و چنین نگردوندند و همین است اگر اهل نظر داشته که آدمی از کودکی است که با مطالعه آمنت می‌شود. درحین اینکه می‌نماید تأثیر کاران در این برهه و بر این برهه از زندگی، بیاداندند و ماران‌اند، معلمان‌الله البته این صورت سه‌ساله است اما برای حل آن بیادآکتیبه پرفعال فروش راه

به راستی هم که چند پند مادر و معلم اهل مطالعه و کتابخوان در جامعه ۷۰ میلیون خود داریم که به جز کتاب‌های درسی، دو سراسر عمر، حداکثر ده عنوان کتاب - حتی ناملم - خریدند و آنها را خوانده‌اند؟ در بین روزنامه‌ها و مجله‌ها مطالعه و مطالعه و کتابخوانی در بین نوجوانان و جوانان اصولاً مقبول است و صاحبان کارنامه تا چه رسیده؟

قضیه «دست‌ی که «چنگه شده است
همی از دست نرود. جمله کوتاه و به هم ریخته‌ای هم از گفته‌های در شماره ۵۵۱ کتاب هفتده آمده درباره یک میز مالیتی - نه میزان - که از یک سو، عنوان کردن آن بدان صورت مقلوب و اصولاً شستی احساس از مراد و باحتی مناقشه‌ای با یک نفر، به دست و گروه و مجموعه‌های مصنفانه نیست، حتی اگر هم جمله اصلاح شود و «چنگ» جایش را به «دست» بدهد. و از طرف دیگر، دلچرکیتی حاصل از خرابی که سال‌ها است که بر جان نشسته نیز، با اشاره‌ای نامفهوم وافی به منظور نیست. این غصه، قصه‌ای در متن و بطن دارد که روایتش اگر چه به نظری کلامی می‌انجامد اما چه چاره، که بالاخره روز و روزگاری هستی از آن دست که سیدفرید قاسمی درآید باید کارساز شود و با همین عرصه‌خاطره‌ها و روایت‌ها و پالایش پیرایششان اخرجیتی کند و چهاردهوری نشر امروز ایران را بازنگاری و ترسیم و تصویر کند. خوانندگان هم بدان این حدیث را که بخشی از آن به حدیث نفس می‌ماند، برآزم خواهند بخشود.

یادی هم از زبان‌های سرخ و بیست‌هزی سبز
پیش از دومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران معلمان فرهنگ و وقت وزارت ارشاد در نشر پرواز خوست که در نمایشگاه شرکت کند که حضورناشر را منوط به انجام حرکتی فرهنگی دانستیم. همین اصرا بر فرهنگ‌یاد بوده پیش‌الطیاب و کار نشر و بایی که نشر پرواز حدود دو دهه پیش ازین در این زمینه گشوده، بعدها هم حرکتی برای شکل‌گیری انجمن فرهنگی ناشران انجامید. البته تعدادی از ناشرانی که به معرفی آقای سید رسول موسوی مدرتکل فرهنگی آن روز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سفیر کبیر بعدی ایران در تاجیکستان، بدان مجموعه راه یافته بودند، به اعتنای اینکه «نشر»

کاری اقتصادی است و نه فرهنگی» این باب را بستند و آن را کور کردند و تلاش سید هم در آن ایام به جایی نرسید. خوببختانه این شعله خفته، بعدها به مدد اتحادیه و ناشرانی علاقه‌مند و شخص آقای احمد مسجدجامعی روشن و مشتعل گردید و گسترش یافت که یکی از ثمراتش همین معایت مالیاتی برخی از مجموعه‌های فرهنگ و صنوف اعمار آن است.

به حجت مصاحبه‌های مطبوعاتی و تلویزیونی، تلگرام‌ها، نامه‌ها و صورتجلسه‌های به جا مانده، نشر پرواز در دو دهه پیش ازین، این چنین مالیاتی را به «مالیات بر فکر و اندیشه» مانند می‌کرد و مدعی بود که چنین مالیاتی در شان یک جامعه مدعی به دونداری از فرهنگ نیست و برعکس، شانه‌ای است از کج‌فهمی و تپیبی زهمی آن. این محرضه هم افزوده شود که به سبب چنین حرف‌زدن‌هایی و بیان صریح و فهرستانی زارنده یا تکتک جاتنه‌ای که قبل از برگزاری نخستین نمایشگاه بین‌المللی کتاب و در نزدیکی محل وزارتخانه «بیوقوفه بودم» در ایام نخستین نمایشگاه بستری و زیر سزم بود و صد البته هم که کتبخزندنگان مثل همیشه «فانویا» شناخته نشدند. آقای سیدمحمد خاتمی که در آن ایام وزیر همین وزارتخانه فرهنگ و ارشاد اسلامی بودند، نیز بخشی از دست‌اندرکاران نمایشگاه و نه فرهنگی وزارتخانه یادشده و همچنین چند تن از هنر کاتبیروشان و ناشران همکار بر این ماجرا اشراف دارند. دو پیی همین حدیث و بستری شدن طولاتی حاصل از آن بود که دو سفیر آقای سیدمحمد خاتمی (آقای علی تقفی) بعدها معاون بانک مرکزی ایران و آقای سید محمدجواد فریادزه، بعدها نخستین رئیس مرکز گفت‌وگوی تمدن‌ها) به خاتم ام و به عیادت آمدند با یک برگ چک که شکر کرد و چک را گرفتند و گفت: کمک کنید تا فرهنگمان از

آقای حسینعلی منتین رضاء، صحاف دست‌طلاتی معاصر، دربین‌الملل چهارم، کاری به نام طرح احترام» که آن نیز برای اولین بار و طی مراسمی به ۸ تن از مترجمان و نویسندگان زبده معاصر، روسی، آن هم با کتابی د تأیید و امضا، ۲۰ تن از معاریف طراز اول فرهنگی کشور چون حضرت شیخ‌العلماء، مرحوم دکتر عباس زریاب خونی اهدا گردید، به همراه برگزاری نخستین نمایشگاه از صنعت چاپ در ایران از خروفیجینی و چاپ دستی تا خروف‌نگاری کامپیوتری و چاپ مدرن (لیزری) و افزون بر آن هم نخستین نمایشگاه اطلاع‌رسانی - البته با مدد کتابخانه حسینیه تهران و آقای عازم و نیز دانشکده کتابداری دانشگاه تهران و کمک ارزنده خاتم دکتر نوش آفرین نصاری، که این همه در عرقه و سالن مخصوص پرواز شکل گرفته بود. و نیز در بین‌الملل پنجم، سویدی از کشوره زبان فارسی در جهان یا عنوان «فقره ابرویش» به همراه نشان دادن بخش دیگری از صنعت فرهنگی نشر (لیتوگرافی) - که برای همه این نعلیات‌ها، هر سال هم پوستری باطراحی آقای فادش‌ابریوزر و کشیده‌ای نیز در معرفی کارهای عرصه‌شده چاپ و منتشر شده است.

و در همین نمایشگاه بود که به سبب همزمانی آن با حکومت اولیه ناشر به «بلیش»، ۷۰۰۰فره شلاق و به دلیل ویرایش مقدمه کتابی - تکرار و تأکید می‌کنم، برای ویرایش و خصوصاً حذف جمله‌ای در تعریف از ناشر - که این حکم قریب بود با ایامی که راقم، یعنی مسئول نشر پرواز، دبیری جامعه اعلام موجودیت کرده ویراستاران ایران را هم برعهده داشت. که در حضور مقدم رهبری، آقای سیدمحمد خاتمی وزیروقت فرهنگ و ارشاد اسلامی، آقای احمد مسجدجامعی وزیر فعلی و شی چند از مسوولان وزارت ارشاد و مقامات نمایشگاه، در پاسخ به تمجید از کارهای مبتکرانه و فرهنگی پرواز در نمایشگاههای بین‌المللی

نمونه‌انظیر کتابدوستی جوان‌ها و نوجوان‌ها، حدوداً دو خرداد رخ می‌نماید که محصلان با انعام سال تحصیلی و پایان گرفتن امتحان آخر سال کتاب‌هایشان را برآید، هر یک باسلام در معابرهمی کندند و خوشحال و خندان ازعرب جرار کتاب می‌گرددند و نیزکتاب این همان نقطه دردی است که طیبیان اجتماعی بایدبیه مداورایش بپردازند و قضیه‌یازمی‌گرددبیه اعمال برنامه‌ریزان و مسوولان آموزش و پرورش که بایدبرای ایجادشوق به مطالعه، بوجوبانی فراهم می‌آورند آندوچون تکرید شد

موقعیت نشر، از وضع و جایگاه فرهنگ در جامعه و دیگر امور مملکت جدا نیست و این همه، منقل ظروفر مرتبط به هم اند که نمی‌توان مایع درون یکی از ظرف‌ها را بدون توجه و وابستگی به مایعی ظروفر، بالا یا پایین برد و سطح آن را سرحدنور و نظفر نقت داشت

این زورمداری‌ها و هتاک‌ها و بدکاری‌ها بر کنار و مضمون‌بندان و انصاف‌را که خوش‌خیالانه خوست و آرزویی بحال در سر داشتند، چرا که هر جا «خامه» هست، انگل و دیگر جانوران مزبور، نوری حضوری میهنیگی، حتی و نعل خوانند داشت - آیا کسی سراغ دارد که گل و شهد گل و گلستانی در جانی باشد و حشرها و «شهیدانسانی» در اطراف آن نباشند؟ که در خلقت هم، این دوا، انگار که لازم و ملزوم یکدیگرند - ماجرای اینها هم البته که حکایت و حکایت‌های دیگری دارد که فعلاً باید از آن درگذریم.

باری، خوست‌نشر پرواز، که یک حرکت فرهنگی را با حضور خود در نمایشگاه همراه کند پذیرفته شد - و البته که ترسیم فضای آن اید و حد و وضع برج‌های بلند و ستبر فرهنگ‌ها، درون‌فعل‌های که جامعه‌مان در آن جای و فرار داشت و درجیه‌هایی که نشر پرواز برای تیار داره که فعلاً از این هم می‌گذریم.

پرواز در دیواره‌هایش گشوده به روایت و مقال دیگری تیار داره که فعلاً از این هم می‌گذریم. در دومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، پرواز، سلسله و معرفی بهترین جلد کتاب با عنوان «هنروری جلد کتاب» و نمایشگاهی با موضوع «از دسترس تا انتشار» را برپا داشت. در بین‌المللی سوم، نمایشگاهی شکل گرفت با عنوان «یاد و تجلیل» که برای نخستین بار در ایران، بیشت مسحه کتاب، انگارش را آماده‌سازی و تولید و فهرست‌نویسی و کتابداری، نمایانده شده بود، البته ضمن معرفی اولین‌ها و سرشناس‌های آن عرصه و نیز نمودی از کار صحافی کتاب - با کمک

تسری مالیات برزینکار و افول تدریجی سرمایه‌ناشر و کتابفروش، اگر هم دلخراش و نباشد، ظلمی مسلم است که خوشبختانه این ظلم بالاخره برطرف شد

آیت‌الله العظمی خاتمی در نشست با مدیران نشر

شده، خوانده‌اند و می‌شناسند. و شاید هم که زیرکانه به آن مدیر مالیاتی تازه کار که مسئولاً اسم کوچکش چیزی شبیه به علام بود، قولنامه بودند که نشر پرواز یکی از طرفمعتزترین ترسات‌های اقتصادی معیشت زمین است. میز ساده‌نگار مدعی بود که موظف است از همه کارهای پشت پرده نشر پرواز آگاه شود تا خود را واقعی و میزان مالیات به حق بر این کارگرهای محرم‌زمن نیز مشخص کرده؟!

می‌گفتند: پدرآرم زبده‌ای‌می‌بینی که خرسه اقتصادی اندیشیدند و رفتار معقول انصافی، یعنی عقلاانه‌اندیشی و عقلاانه‌رفتاری هم تدابیر که لافال بر آن منوال دفتر و دستک و حساب و کتابی جور می‌گردید: مالیات‌ها را هم که علی‌الرأس می‌پردازیم، آن هم براساس شمارگان کتاب‌های منتشر شده و نه حتی کتاب‌های فروش رفته، دیگر چه می‌خواهی؟ یا چشم و نگاه‌ی که عقلاان در سقیه نظف می‌گذارد، نه؟

می‌گفتند: به‌قدر چهارنمایشگاه عظیم بین‌المللی کتاب

ناتشر اول و ممتاز شناخته‌شده‌ای و اسم نشر پرواز در روزنامه‌ها و عقلاان‌ها در سفر، معترضان شسته و رادیو و تلویزیون هم همین‌طور، مالیات این امتیاز و وضع ممتاز چه می‌شود؟ از حق بیت‌المال که نباید گذشت کرد.

می‌گفتند: فقط یک تبلیس و یک اعلام نام، حاصل

و امتیاز این ممتاز شدن است. می‌گفتند: تا پرواز آن قدر درآمد دارد که برای تحصیل این ممتاز شدن با خرج می‌کند و مسلماً

که ممتاز بودن و ممتاز شدن بر کات اقتصادی محرم‌زمن‌ها دارد، پس مالیات چنین ناشری می‌باید «ممتاز» باشد.

چونانکه، وظیفه مهم اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی و ملکتی خود می‌دانست که نه نوری قضایاراً درآورد و ناپیداها را پیدا کند و مهم بیت‌المال را از حلقوم کزچنگان درآورد، که در محل و محله کار و زندگی و سکونت، در خیابان، در نمایشگاه، در ورودی یک جلسه سخنرانی که مدعو آن بودم یادفرد جلور سیستانی که با خانواده قصد ورود به آن را داشتیم یا دو چشم عقین و ناباور زیر نظرمان گرفته بودو کار به جایی رسید که به جان رسید، از ایاد، و دیگری هایش رقم پیش آقای صلح رنگینه معانز و فرهنگ آن روز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاً سفیر ایران در کفرناش اسلامی و فعلاً هم مشاور رئیس قوه قضائیه و گفتند: دستور دیدار از پرل‌های که نشر پرواز پرداخته - البته به مدعو و طی آن سمیز - شدی پس بدهند تا بشود، مدعای

این همه را مدخل قرار دادیم تا جمله مغلوبی هم که به نقل از راقم، در شماره ۵۵۱ کتاب هفت نعل شده، درجیه شود و بگویم که خاطره‌ای باشد از یک میز داشته‌ام آن هم در چه حال و احوال و چه زبته‌ای و نه همه همیزان.

گفتند: نماد که دیگر میزبان و مسوولان امور و دفاتر مالیاتی، حتی میزبانی که وقتی آن علام، صاحب تجربه و دفری شده و زیرمشتن قرار داشتند، در کنار چشم - امیوزام - نام او همواره یاد و منت به پایت دارم.

باین همه، اگر دلی هم در این میان آورده شده، حتی آرزوگی دل خل غلام، که یوزش هم‌واری و حلاطتی هم به من بدهکار است، مطرعه‌ها، هستم، سر سرخ می‌سلامت، کشکد اگر سبوی»

و السلام

شماره ۱۶۸، فصلیه ۱، اسفند ۱۳۸۲

آیت‌الله العظمی خاتمی

آیت‌الله العظمی خاتمی

آیت‌الله العظمی خاتمی

آیت‌الله العظمی خاتمی

آیت‌الله العظمی خاتمی

آیت‌الله العظمی خاتمی

آیت‌الله العظمی خاتمی

آیت‌الله العظمی خاتمی

آیت‌الله العظمی خاتمی

آیت‌الله العظمی خاتمی

آیت‌الله العظمی خاتمی

آیت‌الله العظمی خاتمی

آیت‌الله العظمی خاتمی

آیت‌الله العظمی خاتمی

آیت‌الله العظمی خاتمی

آیت‌الله العظمی خاتمی

آیت‌الله العظمی خاتمی

آیت‌الله العظمی خاتمی

آیت‌الله العظمی خاتمی

آیت‌الله العظمی خاتمی



عباس عبدالله در اوجبال گرجستان به دنیا آمده و مدرک دکترای خود را از دانشگاه دولتی باکو گرفته است.
محل تمام شعران آذربایجان به زبان مادری عشق می‌روزد و لایایی مادران را.

گفت وگو با دکتر عباس عبدالله: شاعر و نویسنده آذربایجان

نقش ویژه مادران در انتقال ادبیات

می‌گویند شاه اسماعیل اشعارش را به زبان ترکی می‌نوشت و با دولت‌های خارجی به زبان ترکی دیپلماسی برقرار می‌کرد اما سلطان سلیم عثمانی به زبان فارسی شعر می‌گفت.

مشهدام در حال حاضر شمارگان **کتاب های شما معمولاً ۵ هزار است که گاه به ۱۰ هزار هم می‌رسد اما می‌خواهم پرسیم که آیا تمام این ۱۰هزار جلد مخاطب دارد و یا به عبارتی تمام کتاب‌ها خواننده می‌شود؟**

در شرایط کنونی، کمی اوضاع به هم ریخته. به علت اینکه درآمد عمومی پایین آمده و مشکلاتی از این دست که پس از استقلال بروز پیدا کرده و



نویاند ادبیات در خدمت سیاست و منافع سیاسی باشد

امیدوارم به امید خدا مزیع شود اما به هر حال خوانده می‌شود.

در این که مردم آذربایجان علاقه شدیدی نسبت به شعر نویسندگان دارند، شک نکنید. الان بنده ۶۵سال سن دارم و در تمام این مدت در هر کجای آذربایجان که بودم انگار در خانه خود بوده‌ام.

همه می‌گویند این عباس عبدالله شاعر ماست. این میل آنقدر قوی است که همان طور که عرض کردم، مادران ما هم در انتقال ادبیات ماقش ویژه‌ای بر عهده دارند. من باکو، شیروان و شکی را ندیده بودم که مادرم در گرجستان می‌گفت:

ایا کویم گریه می‌کند! شیروان و شکی‌ام گریه می‌کنند! تو مری من گریه کردم. امن بیمرم با کویم گریه می‌کنند.

من این فضاها را از شعرهای مادرم حس می‌کردم. مادری که خواندن و نوشتن نمی‌دانست. اصلاً لایایی مادران ما عامل اصلی پیدار شدن میل

هنری و ادبی در ما هستند. در جمهوری آذربایجان، شعر زیاد خوانده می‌شود یا

داستان؟
می‌توانم بگویم تمایل نسبت به شعر بیشتر است.

از تکنیک‌های رمان و داستان در جمهوری

آذربایجان چگونه.

من رمان نوشته‌ام اما نویسنده‌های توانمندی مثل آناتر سایف»امی‌توانم نام ببرم که در نتیج کمونیسم، رمان‌های زیادی دارند. آن زمان روزنامه‌ها و او را می‌گویند حزب همه جلودش را می‌گرفت. صابر احمد را هم می‌توانم مثال بزنم که یک‌جنبش وضعیتی داشت. اما در کل تاریخ تئورسی در آذربایجان چندان قدمت ندارد و یا میرزا فتحعلی اخوندزاده شروع می‌شود که در

همیشه جلسات رسمی، آفتی بزرگ برای خورگاران محسوب می‌شود. هر چند این جلسه، دیدار با شعران و نویسندگان جمهوری آذربایجان در سدیکای باکو باشد و سخنران، «ناتر سایف»ه رئیس سدیکا و برجسته‌ترین رمان‌نویسی که به نمدای از مبارزه با کمونیزم تبدیل شده است. از «ماتیل اوغدنلو» خبرنگار روزنامه فرهنگی پیش می‌خواهم که مطرح‌ترین شاعر حاضر در سالن را نشنام دهد. دکتر عباس عبدالله را معرفی می‌کنند کسی که آتاریش حداقل به ۲۰۰ زبان برگردانده شده است. بیرون می‌آیم و در یکی از اتاق‌های مشرف به میدان «سرباز کتنام» به گفت‌وگو می‌نشینیم. سربازی که به شکلی نمداین فرخ خود را مثل یک سینی پر از گل به عیاران تقدیم می‌کند.

عباس

چرا تا این اندازه به مادران علاقه مند هستید، آیا تمام شعران آذربایجان چنین خصیصی دارند؟

بله همین طور است. یادم می‌آید بچه بودم و هیچ نمی‌دانستم تیریز کجاست، اصلاً تصویری از آذربایجان نداشتم. چون در گرجستان، تاریخ آذربایجان را تدریس نمی‌کردند. آن زمان مادرم دینی‌های عامیانه‌ای (بابائی) برایم زمزمه می‌کرد که آرام آرام این تصویر را شکل می‌داد. یکی بابائی مشهور است که می‌گوید:

مشتر سفیدراست راست راه می‌رود، پارش از تیریز می‌رود. مادرم این بابائی را طور دیگری تعریف می‌کرد:

مشتر سفیدراست راست راه می‌رود، پارش از نفلیس می‌رود. وقتی تیریز خسته می‌ماند، درماتلش از ما می‌رود.

شش یا هفت سالم بود که این بابائی مادرم آتش اشتیاق نسبت به تیریز را در دلم شعله‌ور کرد. می‌پریدم! آی مادر این تیریز کجاست؟ می‌گفت آی پرسم هر کجا باشد از ما دور نیست. مادرم خواندند و نوشتن بلد نبود، جنوب و شمال را تشخیص نمی‌داد اما تاریخ و فولکلور ما را خوب می‌دانست.

سال‌ها گذشت، تا اینکه بعد از تمام دانشگاه، شاید ۲۵سال پیش بود که جوان ۲۰یا ۲۱ساله بودم و روزی راهم به ساحل رود ارس افتاد. ارس در دو قدمی من بود اما عقول‌های عشارار و سربازان روس که حتی نمی‌گذاشتند به آن سوی آب نگاه می‌کنی. در دو متری ارس ایستاده‌ای اما نمی‌توانی دستنی به آب بزنی. آن زمان شعری نوشته‌م که بد نیست برایتان بخوانم:

«تو به من نزدیکتر ارس آی ارس/ در قلبم می‌خواهی مثل یک پره‌تو از من دوری ارس آی ارس/ می‌رمی از من مثل یک آرزو/ تو به من نزدیکتر ارس آی ارس/ مثل کسی که در آتش جدایی می‌سوزد/ تو از من دوری ارس آی ارس/ مثل هوای ممه‌آلود/ تو زخم منی ارس آی ارس/ این همه، با نین زخمی می‌توان جاری شد؟»

حالا که به حمد خدا دیوارها فرو ریخته و مرزها با شده است، برادر می‌تواند به خانه برادر برود. استاد به کتاب هایمان اشاره کنید.

حدود ۱۰ کتاب شعر دارم که فکر می‌کنم به ۲۰ زبان ترجمه شده‌اند. داستان‌های زیادی هم نوشته‌ام و همین‌طور شعرهای تیریزی.

به نام کتاب هایمان هم اشاره کنید و اگر آثار علمی یا تحقیقی دارید.

بله، «سرم‌زمین پداری»، «کجا می رود این کاروان»، «راهی که مردم رفته‌اند»، «ناسروده‌هایم» و «رو به قبله» که این مجموعه را در دوره کمونیزم با نام «رو به ناد» چاپ کردم و…

ادبیات تطبیقی آذربایجان واکر این» هم یکی از آثار پژوهشی بنده است.

گویا هسناکجان ما، بهتر از خود ما، ما را می‌شناسند. ما می‌گویم، ادبیات آذری یا آذربایجانی، اما فارسی‌ها به ادبیات ما می‌گویند ادبیات ترکی. ادبیات ترکی به معنای ادبیات ترکیه‌ای نیست. اینها با هم فرق می‌کنند. ما ترکیب نام و وطن هم آذربایجان است. همان طور که نمی‌شود گفت ادبیات ایرانی، اطلاق ادبیات آذری هم به ادبیات ما حفظ است.

سال‌های ۹۰۰آثار دراماتیک زیبایی آفرید. چقدر رمان‌ها و داستان‌های شما تحت تأثیر روسه و غرب است؟

نویسندگان ما بیشتر از تاریخ ملت خودمان تأثیر و الهام می‌گیرند. به همین دلیل هم رمان‌های تاریخی، جایگاه خاصی در ادبیات ما دارند. در حال حاضر هم بیشتر تمایل نشان می‌دهند که از ماجراهای دوران کمونیسم بویسند و اینکه در طول این ۷۰سال چه بر سر مردم آمد.

این رویکرد در شعر هم وجود دارد؟
در شعر احساسات وطن‌دوستی و وطن‌پروری بسیار شدید است. شعران بسیاری داریم که فقط در مورد جدایی آذربایجان از ایران شعر می‌گویند و از رود ارس می‌نالند. این حس در دوره کمونیزم بسیار شدیدتر بود. در آن دوران سیه، همه شعران ما ظاهرًا کمونیست بودند اما روحاً تمایلات شدید وطن‌دوستی و وطن‌خواهی داشتند. آزادی و استقلال را تبلیغ می‌کردند و… خدا رحمت کند سلیمان رستم را که به او شاعر کمونیست می‌گفتند. اما سلیمان رستم شعرهای خوبی (ایران) بسیار زیبایی دارد و شعرهای خوبی‌اش طعم خاصی دارد. او روی خود را به طرف کسانی می‌گرفت که نابودی زبان و ادبیات را می‌خواستند و می‌گفت:

«من به زبان تو کاری ندارم جلاد! تو هم با

زبان مادری‌ام کاری نداشته باش.» می‌خواهم بگویم اگر او کمونیست هم باشد، در نوشته‌هایش ملی‌خواهی را پیدار می‌کند.

قالب و تکنیک‌های شعری چگونه؟ بیشتر از چه

سیک‌ها و قالب‌هایی بپروی می‌کنید؟

به طور کلی در شعر ادبیات ماسه قالب عمده وجود دارد. اول قالب مازده یا قالب «بدره» که شما هم به آن غزل می‌گویید. مثل اشعار استاد «واحد» واکثر اشعار خوبی سلیمان رستم، دوم شعرهایی وبعد هم شعر سرست (تو! البته شعر سرست ما یا شعر سرستی اروپایی تفاوت‌هایی دارد. به این معنی که ریتم و آهنگ در آن عظیم می‌شود.

در کل اساس شعر ما از شعرهایی تشکیل می‌دهد و بعد اندکی غزل که در حال حاضر، شعران در این قالب هم کار می‌کنند. اگرچه زیاد نیستند و در نهایت شعر سرست.

فکر می‌کنم منظور شما از سرست همان سر است که ما بدان نیلیمی می‌گوییم که وزن و قافیه در آن حفظ می‌شود اما مصرع‌ها کوتاه هستند ولی ما جلوتر رفتیم و به شعر موزون هم رسیدیم که در آن از وزن عروضی چیزی نیست.

بله ما هم این قالب را داریم که بیشتر جوان‌ها در آن قالب کار می‌کنند. همان‌طور که شما هم اشاره کردید، ما هم بدان شعر «شتر» می‌گوییم. یعنی شعری که از قانون معینی تبعیت نمی‌کند. البته در شعرهایی هم، شعرانی داریم که شعرشان بدون قافیه است.

اگرچه، این رویکرد چندان قوی نیست. اما در مورد شعر سرست چیز ناآنجایی که به یاد دارم و همنشلی‌های خود را که به دهه ۶۰م معروفند، می‌شناسم. این جوانان چندان از قدرت بالایی برخوردار نیستند اما در همان نسل خودمان درسول رضا» را می‌توانم مثال بزنم که تفکر و حال و هوای تازه‌ای به شعر سرست داده‌اند.

پس شعر سرست یا همان شعر نیلیمی ما، اینجا مخاطبان زیادی دارد

بله طبیعتاً مخاطبان زیادی دارد. خود من بهترین شعرهایم را در قالب مازده و سرست گنهام. با شعران ایران چقدر آشنا هستید؟ منظوم شعران فارسی زبان ایرانی است و گرنه می‌دانم خصیصت‌هایی مثل شهیار را بهتر از ما می‌شناسد چند ماه پیش در قیرس بودم که یک کتاب به من هدیه دادند. دولت قیرس این کتاب را در مورد شعران ایران چاپ کرده که هم از شعران فارسی زبان و هم ترک‌زبان. در آن آثار وجود دارد. تقریباً کتاب قطوری است. منسب ناوداگاه ساعت چهار صبح از خواب پریدم و حسن کردم باید این کتاب را برای یک چاپ یک ساعت پیش فهمیدم که باید با شعران ایران در سدیکا دیدار داشته باشم. حسن عجبی است. صمیمانه می‌گویم که حالا از خودم می‌پرسم چرا باید اشب این اتفاق می‌افتاد؟ چه چیزی باعث شد که من پیدار شوم و این کتاب را ورق بزنم؟

اما در مورد سؤال شما باید بگویم، ادبیات نوعی اومانیزم و انسان‌شناسی است. خود من معتقد دارم نباید ادبیات در خدمت سیاست و منافع سیاسی باشد. بلکه باید از درعا و آلام انسانی بگوید. در دین ما هم برتری زبانی وجود ندارد. به این معنا خود من بسیار علاقه مند کم برادران خوبی من هم مسلمان بودن خودشان را فراموش نکنند. اصلاً به همین دلیل در دین ما اجازه ترجمه قرآن داده شده تا همه مردم بفهمند. حالا خداوند مرآت‌ک آفریده و شما را فارس. اگر مصلحت بود که اتفاق دیگری بیفتد حتماً همین طور می‌شد.

اما متأسفانه در ادبیات شما مسأله «ایران» و «توران» یا شاهنامه بروز پیدا می‌کند. در حالی که اگر در شما از نشنام و شما من را، جای آسف دارد.

پسرم، نور چشم من! ما باید در دعا را در روی هم باز کنیم. مهمان خانه‌های من شویم. شکر خدا که با از بین رفتن کمونیزم مرزها باز شده و حالا همه سیاست‌ها هر چقدر بزروار باشند، باز رفت و آمدی وجود دارد.

اگر قرار باشد روزی یکی از شعرهای شما به فارسی ترجمه شود، دوست دارید کدام شعرتان باشد؟

شما حتماً مرا بازمی‌بینی. همین الان شعری

به یادم آمد که مدت‌ها پیش سروده‌ام.

«تمام مادران روی زمین را دوست دارم و تمام زبان‌های مادری را. مادر مثل خویش و زبان مادری خویش» فارسی را دوست دارم. فارسی

را از اینی، چینی، آلمانی و عربی را»

من به تمام زبان‌های مادری احترام می‌گذارم. همچنان که به تمام مادران. به این معنای من زبان فارسی محبت بزرگی دارم و بسیار عشق می‌ورزم. اما فارسی‌ها هم رحمت بکشند و زبان مرا غریبه ندانند. تاریخ ما به هم گره خورده. بنابراین نمی‌توانم بگویم ای کشای بگم شعرم به فارسی ترجمه می‌شود. ای کشای هنوز هم تمام ادبیات ما، ادبیات شما بود و تمام ادبیات شما، ادبیات ما.

سخنی از پدران به جامه‌است که می‌گوید:

«اگر همسایه‌ات بد است کوچ کن و عودت نهار و تیریز از ما خوششان نیاید. کجا می‌توانند کوچ کنند؟ پس ما کسی قدر نابینا حق همسایگی را به جای تیریزیم و حق که همسایه را بد نمی‌خواهد، خوشد هم بد نمی‌شود.

همایش کاربرد آمار و علم‌سنجی در مدیریت کتابخانه‌ها در سال دهمشور، دانشگاه علم دانشگاه تهران برگزار شد. این همایش یک‌روزه به نقش روش‌های نوین علمی‌سنجی و آمار در بهبود روند کار کتابخانه‌های تخصصی پرداخت.

این همایش از طرف انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی کشور و موسسهٔ آواز دانشگاه علوم دانشگاه تهران به مدت ۲ ساعت برگزار شد که در این میان حضور تعداد محدودی کتابداران، اساتدان و دانشجوگان کتابداری و اطلاع‌رسانی قابل تأمل بود.

دکتر فریده عصاره، اسناد کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه شهید چمران آواز اولین سخنران این همایش درباره موضوع همایش گفت، در قرن بیستم بعد از جنگ جهانی دوم، حجم انتشار کتاب‌ها و مجلات فزونی یافت، تا آنجا که ارزیابی کتاب از میان آهوه کتاب‌ها و محیط‌طور گزروهایی علمی-آموزشی دانشگاه‌ها به سختی فراهم می‌شد. برای همین بسیاری از کارشناسان بر آن شدند تا با روش‌های آماریه به اطلاع‌سنجی، علم‌سنجی و کتاب‌سنجی بپردازند. اما به‌طور خلاصه کتاب‌سنجی در مساحت کتابخانه و کتابداری به کار برده نمی‌شود. علم‌سنجی به مطالعه علم علمی می‌پردازد که در سیاست‌های علمی کاربردی و اطلاع‌سنجی بر مطالعه و

گزارش خبری

آمار و علم‌سنجی در کتابخانه



دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

ساختار ویژگی‌های علم اطلاعات استوار است. دکتر عصاره با این توضیح یکی از روش‌های علم‌سنجی را تحقیق استادی ذکر کرد و گفت: تحلیل استادی یکی از تحقیقات تحقیق استادی است که در آن می‌توان با شمارش تعداد استادهای متعلق به آنها مدارک را برانداخته و همچنین نویسندهٔ گان کلیدی و مجلات هنر را شناسایی و معرفی کرد.

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

پژوهشنامه

دکتر ششم پژوهشنامه (مجموعه مقالات پژوهشی آواره کل میراث فرهنگی استان تهران) با تاریخ انتشار ۱۳۸۲ منتشر شد. گزارش اجمالی مرتب یافته سکتیه بنابر اوزانیم) استان تهران در سفرنامه‌ها با پژوهش مردم‌شناسی، می‌پوزیولی افسانه‌نامه پیشگویی، در استان تهران، مقدمه‌ای بر مطالعات انجمناسی - فرهنگی عصر آهن و... در جمله مقالات این دفتر از پژوهشنامه است.

صند و شصتین هشتمین شماره

مجله گلستان قرآن منتشر شد

در شماره ۱۷۸ این نشریه که به نیمه اول بهمن ماه اختصاص دارد، این مطالب دیده می‌شود:

قرآن و نقش تربیتی خانواده، راز جودها کلامی قرآن، مفهوم معنات و شفقت از نظر قرآن، آموزه‌های اقتصادی قرآن کریم، مسأله‌های هر با دین و قرآن، نشست‌های دبیرخانه قرآن‌پژوهی، تقدیر از محققان و معرفی آثار برتر داخل و خارج.

کتاب و کتابخانه

آشنایی با پیدایش کتاب و کتابخانه (از نحوه انتشار، کاربرد در کتابخانه‌های مدارس، مؤلف، محمدعلی نشاطپور، مؤلف، همکار: حسن جوادمتن، مؤسسه انتشاراتی مکتوبی، قرافی، چاپ اول، ۱۳۸۲، ۱۲۸ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، ۱۸۰۰ تومان.

کتاب آشنایی با پیدایش کتاب و کتابخانه با هدف ارائه کلیه اطلاعات لازم در زمینه پیدایش و شکل‌گیری کتاب از گذشته تاکنون تألیف شده است. در سیزده فصل به مسائل مهمی نظیر: حفظ، تلفظ، چاپ، کتاب، کتابخانه، آموزشگاهها... و غیره پرداخته گردیده است. تأیاد اختیار فرارداختن اطلاعات اولیای در زمینه کتاب کتابداری و کتابخانه، مخاطبان را در آداره کتابخانه‌های مدارس بااری رسانند.

گفت‌وگو با کتایون کیایی و سکویی، داستان نویس

بالاخره باید از جایی شروع کرد

کردم و از ذهنیتی که برای آینده تصور کرده بود، حیرت کردم، چون خودم فکر می‌کردم که نقاش می‌شوم؟ کاری که تا امروز، هیچ وقت بچشم پیدا نکرده است.

پس چطور شد که به جای کلاس‌های نقاشی، در کلاس‌های داستان‌نویسی شرکت کردید؟

روسیه‌اش تویتر بود.

آیا کلاس‌های داستان‌نویسی را برای پرورش قدرت خلاقیت مؤثر می‌دانید؟

کلاس‌های داستان‌نویسی کسی را نویسنده نمی‌کند چون برای نوشتن به شرط لازم سه اندیشه، علاقه، تجل و توانایی تبدیل فحسیت به نوشتن است. ما با هم، آموزش کلاس در کسی ایجاد نمی‌کند. اما نمی‌شود انکار کرد که اینکه کلاس‌ها، آغاز مؤثری برای یک نویسنده هستند.

که بالاخره باید از جایی شروع کند و همچنین در بالاردن آگاهی ادبی جوانان علاقه‌مند هم بسیار مؤثرند، اگرچه تا حدود زیادی به نویسنده‌گان جوان اجازه نمی‌دهند که سانس‌بستگ شوند.

یا وجوه این همه علاقه و فعالیت، چاپ فقط یک کتاب از شما عجب است. یک چور کم‌کاری!

در زمینه نوشتن کم‌کاری نداشته‌ام. به طویل مدتی که به طویل جدی کار نویسنده‌گی را شروع کرده‌ام، به غیر از داستان‌های پراکنده، نزدیک به ده دوره داستان سریالی با موضوعات متنقل، در دوره نمایشنامه و حدود صد مقاله داستان‌گونه داشته‌ام که با نام خودم یا با نام مستعار چاپ شده‌اند و اینها جدا از فعالیت من در ادبیات است و تعداد

● به‌مناسبت ولادت باسعادت علی‌بن موسی الرضا(ع) به ۲۲ نفر از اعضای نمونه کتابخانه وابسته آستان قدس رضوی جوایز اعلا شد.

● سازمان فرهنگی آواز قرآن فرهنگ و ارشاد اسلامی مرزگان در براسم افتتاح یک کتابخانه عمومی در چپرده شد. گفتگ با پاپان امسال ۲۲ هزار جلد کتاب بین کتابخانه‌های عمومی استان مرزگان توزیع می‌شود و از این تعداد ۱۸ هزار جلد آن به کتابخانه‌های شهرستان ششم تحویل می‌شود.

● کارگاه کتابخانه‌های عمومی کشور از کتابخانه‌های پاکدشت و پرژه‌های در دست اجرایی این شهرستان بازدید کردند. در این بازدید مشکلات کتابخانه‌های عمومی پاکدشت مورد بررسی قرار گرفت.

● نخستین جشنواره شعر و داستان نثر داستیروان کشور در روزهای ۱۷ و ۱۸ اردیبهشت ماه سال آینده و همایش برگزار می‌شود. این جشنواره ازکاوان شعر و ادب و سخنرمان معانیت فرهنگی - دانشجویی دانشگاه امیرکبیر برگزار می‌کند.

● همزمان با دهه مبارک فبر حیرت‌پذیر از برگزیدگان جشنواره فرهنگی هنری نمایشگر در رشته‌های مختلف از جمله شعر با حضور مسئولان محلی، فرهنگیان و مردم در سال

اجتماعات فرهنگی در کلاس‌های نمایشگر برگزار شد.

● همایش‌های عنوان سبزه‌ها همکاران مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی از سوی فرهنگسرای انقلاب برگزار شد.



دکتر فریده عصاره

دکتر فریده عصاره

هستند که حس نوشتن را درک می‌کنند و آن درک را هم انتقال می‌دهند. کم‌کاری از خودم بوده است. وقتی در بهار ۱۳۷۷ این کتاب به چاپ رسید، قصد داشتم خیلی زود دوباره جلد بعدی آن و همچنین دو مجموعه داستانی دیگر را در نمایشگاه چاپخانه را منتشر آداه کنم ولی در اوبال تابستان ۱۳۷۶ وقت پدیدار نشد و به‌وجوش شروع اشتیاق من و خانواده‌ام در اتفاقات ناخوشه‌یگری اگرچه کم پیش آمد، نگذرد تمام حرکت‌ها را از من گرفت. اگرچه اوج مسکازاری ما را وقتی در همین سال‌ها بود و همچنان در مجلات رشد فعالیت می‌کردم ولی فقط کارگاهی‌ای‌ا که به من سرده می‌شد انجام می‌دادم و تمام برنامه‌ریزیهایی را که برای چاپ کتاب و علاقت خودم داشتم، فراموش کردم.

علاطم روحیه اشتباه، تعهداتی ام می‌پذیرفم تا از فضای خلق کردن دور شوم، با خود فکر کرده بودم ولی نمی‌خواستم با نوشتن هم فکر کنم.

حالا با خودان آشنی کرده‌اید؟

فکرمی‌کنم که به امید خدا، سرانلای‌های زندگی را پشت سر گذاشته‌ام و برای شروع هم می‌خواهم مجموعه قصه‌های قاضی‌حسن ارا که با یادو به‌نام خود نوشته‌ام، آماده چاپ کنم. مجموعه قاضی‌حسن چند دوره در فرند موزیو چاپ شده و قصه ماجراهای عجیبی است که برای قاضی‌حسن، قاضی عادل دهریزدان، که شهری است در دامنه کوه قاضی‌پیش می‌آید.

● نمایشنامه‌ها و داستان‌هایی که برای رایت نوشته‌ام، اصلاً در خاطرم نیست و کم‌کم کاری که آشاده گردید، در زمینه چاپ کتاب بوده که مسافله می‌پذیرم.

نقلم



دکتر فریده عصاره

نقلم

کتابون کیایی و سکویی از ۱۰۰سال پیش کار روزنامه‌نگاری را با نشریات رشد برای مؤسسه سنی مختلف (کودک، نوجوان و خردسال) شروع کرده است. تا به حال پیش از صدها مقاله، پژوهشی و قصه از وی در این نشریات به چاپ رسیده است. وی همچنین در چند برنامه رادیویی کار نویسندگی، انجام می‌دهد. اولین کتابش با عنوان بهترین سفر دنیا به چاپ رسیده است. وی در حال حاضر با اکثر نشریات ادبی همکاری دارد همچنین چندین کتاب در انتشاراتی‌های مختلف زیر چاپ دارد. برای آشنایی بیشتر با این شهروند فعال در عرصه ادبیات، گفت‌وگویی انجام داده‌ام.

چطور شد که مجموعه توانایی‌هایان در داستان‌نویسی شدید؟

به این سؤال شما، یک جواب گزرازی می‌دهم، کلاس‌های ادبیات و شادابی در دبیرستان و در محیط نوع دروس دبیرستان، مرصه مناسبی برای شناخت توانایی‌هاست.

یعنی این افتقاد را داشته‌ید که در آینده به نویسنده‌گی رو می‌آوردید؟

می‌دانستم که نوشتن آن‌کار نمی‌گذارم ولی نه به این شکل مستحکم روزی که یکی از دوستانم در دفترچه خاطرم که از دبستگی‌های دخترهای دبیرستانی است، نوشت روزی که نویسنده‌امی، مرا فراموش نکن! تعجب



نکوداشت استاد مرقضی ممیز

نمایشگاه طراحان گرافیک ۳ قاره

مرقضی ممیز مولد چهارم شهریور ۱۳۱۵ فارغ‌المحصل رشته نقاشی دانشکده هنرهای زیبای تهران، مدیر هنری و طراح گرافیک نشریات ایران، کارش، نگین، فرهنگ خاورمیانه، گفت‌وگو، پیام امروز – بوده است.

وی در کارنامه خود تألیف کتاب‌های، طراحی و نقاشی (۳ جلد)، Graphic art in Iran، طرح و تزئین و نقشه‌کشی، نشانه‌ها، طراحی افلاک، تصویر و تصور، طراحی روی جلد، طراحی افلاک جلد ۱، طراحی نشانه جلد ۲، حرف‌های تجربه (مجموعه مقالات) را – نیز دارد. مراسم نکوداشت مرقضی ممیز پدید گرافیک نوین ایران در حاشیه نمایشگاه طراحان گرافیک ۳ قاره به پاس بیش از سه دهه فعالیت هنری او در حوزه هنرهای معاصر برگزار شد. در دومین روز از این مراسم مرقضی ممیز ضمن سخنانی به سؤالات حاضران نیز پاسخ گفت.

مرقضی ممیز در ابتدا با زبانی ساده به موضوع انسان و روحیه زیبای او پرداخت و گفت: یکی از زسمت‌های انسان باید این باشد که چطور روحیه زیبایی خود را حفظ کند و سادگی و صداقت خود را از دست ندهد. ذهن شفاف داشته باشد که این ذهن شفاف انسان را

از بدی مصون می‌دارد.

مرقضی ممیز با اشاره به همکاری اش با شاملو در عرصه نشریات گفت: مرحوم حیدریان حق بزرگی به کردن من دارد. بعدها من تمام دقت‌هایم در کار را از توج تعلیم مرحوم حیدریان که از توج آکادمیک پارسی بود امیختم. او به من خوب دیدن و دقت کردن را یاد داد و شاملو به من جهان‌رسانی داد و ایمی بود که من هرگز با او اشتکار نداشته‌ی. در ادامه راجع به تکنیک‌های کاری خود در آن زمان توضیح داد، با اینکه به من می‌گفتند در هنر به جایی نمی‌رسم اما من با مطالعه کتاب موجه شده‌م. تعلیمات تکنیک‌هایی را که در کتاب‌ها آمده است باید در زندگی روزانه پیاده کرد و در نهایت تعلیمات تکنیکی نوسنده با تکنیک اصول از صواب است. سلسلته اغلب تصویرگرا تکنیک شخصی خود را در کار نمایش می‌دهند، نه تطابق و هماهنگی با تکنیک فضای نوسنده. من به جنبه روش‌شناسانه فرم و رنگ توجه کردم و به دنبال کارهای طراحان بزرگ بودم که آنها با چه تکنیکی این کار را انجام می‌دهند و چه بیانی به کار می‌گیرند. استاد میوزر از تعلیم در کار هنری و تأثیر آن فرود، عده‌ای عادت دارند موبلتاری را درحقی رارو بپوری خود فرار دهند و از آن کپی کنند. من نیز گاهی در کارم از آثار بزرگان تقلید کرده‌ام تا سیر کار آنها را دریابم و حدیثی از روی شناسگی آنها را چابب می‌گیرم اما این تقلید نوعی سر کار آنها نیست. هرچه‌طوری در ذهن‌های من شده که مسیر کارم به سمت جدایی‌ها برآید کند.

ممیز از هنر به عنوان یک جریان نام برد که در مسیر پخته‌شدن و فرقیخته شدن انسان است.

گفت وگو با محمدقصدی روغنی‌ها

این کتاب گزارش می دهد

گزارش، بیان عینی، تشریح و توصیف یک رویداد و واقعیت است که به چرایی و چگونگی یک رویداد و جستجوی تکاملی مخاطبان پیرامون آن پاسخ می‌گوید. گزارش با تصویر و

گزارش
و ادامه داد: هیچ‌گاه انسان یک‌سویه نهمان با پهرالمعلوم نمی‌شود. بلکه انسان با کند و کار ذهنی به نتیجه می‌رسد که این نتیجه بر اثر تلاش حاصل می‌شود. به‌عبارتی هرگز نمی‌شود فی‌البداهه فهمید شد بلکه ابتدا باید فکر کرد و باید گفت.

او از اهمیت فکر کردن به‌عنوان سیستم پژوهشی که باید تعلیم داده شود نام برد و گفت: در جوامع جهان سوم کسی سیستم‌ایک فکر کردن را یاد نمی‌گیرد و چون در سیستم‌ایک فکر نمی‌کنیم فاقدآتا به جایی هم نمی‌رسیم. در جوامع غربی به نشان‌ها فکر کردن را آموزش می‌دهند ما باید گرفته‌ایم از هر چیزی قضیوری داشته باشیم و چون بلد نیستیم فکر کنیم، به انحراف کشیده می‌شویم.

ما در ابتدا باید فکر کردن را بیاموزیم. بعد نصراست کردن که لازمه آن خوب دیدن است. سیستم‌های ما من آموزش فکر کردن به دانشجویان است. اما سلسلته این طرز فکر را در جامعه خود نمی‌بینیم زیرا هیچ به سادگی آگارش نگفت. ساده دیدن و ساده ادبیتشان تا معلومی در کیفیت

تربیتی آدم مربوط است. من سعی می‌کنم لب

مطلب را با یکرم و وقیه تلاشم از صرف پوشش

ذهنی موضوع کنم استاد ممیز در رابطه با تأثیر

رابطه قلبی و فیزیو در کار بیان کرد. از نظر من

رابطه قلبی، رابطه مستقیم با موضوع و فرار کردن است تا یک رابطه پیچیده وقتی با یک موضوع

جذاب رابطه قلبی (استیمپا) پیدا می‌کنید، تمام توجه شما متمرکز آن می‌شود و با همه حواس

خود به موضوع می‌رسید.

وی در ادامه راجع به مهارت‌های آدمی

در دنیای امروز عنوان کرد. در جامعه امروزه – آه آن نیست که چه مهارتی داریم بلکه سسآله این است که چه مهارتی داریم. تکریم هر لحظه باید بر اطلاعات و آگاهی‌هایمان افزوده شود. ما در سلسله‌های شرکت می‌کنیم که نباید در آن یک

لحظه تقلت کرد.

رونگاری این‌ها سچا پهرالمعلوم بود. اما این

امروزه هر سچا سکت است. نباید گذاشت، ذهن به دنبال چیزهای ثابت باشد چراکه فکر انسان می‌بندد.

کتاب وگو

گزارش، بیان عینی، تشریح و توصیف یک رویداد و واقعیت است که به چرایی و چگونگی یک رویداد و جستجوی تکاملی مخاطبان پیرامون آن پاسخ می‌گوید. گزارش با تصویر و توضیح جامعی که از رویداد می‌دهد، جایگاه برجسته و مهمی در رسانه‌ها دارد و گزارش‌نویسی از تخصصی‌ترین و مؤثرترین کارهای روزنامه‌نگاری و خبرنگاری است. «گزارشگری کاربردی برای رسانه‌های جمعی» نوشته محمدقصدی روغنی‌ها بناز یکی توسط مؤسسه ایران منتشر شده است. روغنی‌ها با هدف آموزش گزارشگری به دانشجویان و خبرنگاران سعی کرده نقلیتی از تئوری و عمل را با مخاطبان ارائه کند. و به این منظور به تفصیل درباره گزارش، انواع و شیوه نگارش آن – پرداخته است. روغنی‌ها دارای درجه کارشناسی هوشمند سازی و کارشناسی ارشد ارتباطات است و پیش از ۲۰ سال است که در بخش‌های مختلف خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌کند. وی در مجال حاضر مشاور روزنو فرهنگ و ارشاد اسلامی، در امور رسانه‌ای، معاون فرهنگی – آموزشی مؤسسه ایران و مدیرمسئول روزنامه IRAN DALY است و در دانشکده غیر تدریس می‌کند. به بهانه انتشار کتاب «گزارشگری کاربردی برای رسانه‌های جمعی» با وی گفت‌وگو کردیم.

وید، و کتاب‌هایی که در زمینه ارتباطات منتشر می‌شوند، به آموزش هم پرداخته شود تا نوجویی به وجود آید و ترکیب آموزش علمی و تجربی، کار روزنامه‌نگاری را متحول‌تر کند. شاید علت اصلی اینکه گزارش‌های بدون رعایت اصول و قواعد گزارش‌نویسی در رسانه‌ها به چشم می‌خورد، این است که افرادی با بر مقصبات مختلف جذب خرجه رسانه‌ای شده‌اند، البته فقط تحصیل در رشته روزنامه‌نگاری و خبرنگاری هم مؤثر نیست. بلکه در کنار روزنامه‌نگاری علاوه آموزش و تمرین باید در کنار هم باشند.

آیا بخشی که به گزارشگری رایجی تلویزیونی اختصاص دارد، می‌تواند نیازهای علاقه‌مندان به این رشته را برطرف کند؟

گزارشگری رایجی تلویزیون تاکنون در جایی بیان نشده است. چون احصار کار رایجی تلویزیونی در اختیار صدا و سیماست و افراد خارج از این مجموعه نسبت به یادگیری آن کار احساس نیاز نمی‌کنند و حتی در تدوین و انتشار کتاب هم بر این زمینه حساسیت ندارند. البته خود صدا و سیما به آموزش خبرنگاران می‌پردازد و انتشارات هم در این زمینه دارت. اما از آنجا که بعضی از افرادی که در دانشگاهها و مراکز مختلف آموزش خبرنگاری، و روزنامه‌نگاری می‌بینند، کار رایجی تلویزیونی می‌خوانند، مطالبی را در این کتاب جهت آشنایی اجمالی آنها با گزارشگری رایجی تلویزیونی آورده‌ام که قطعاً نیازهای مخاطبان را به طول کامل برطرف نم‌کند. البته نگارش این گزارشگری با گزارش چاپی تفاوت چندش ندارد و تفاوت آنها بیشتر در نحوه ارائه، تصویر و صوت است که نیازمند کار بیشتری است.

با توجه به رونق روزنامه‌نگاری الکترونیکی، بحث گزارشگری اینترنتی هم مطرح می‌شود که در این اثر به آن پرداخته نشده است.

همانطور که خبرنویسی اینترنتی با خبرنگاری برای

رسانه های مکتوب تفاوت دارد، طبیعی است که

گزارش نویسی الکترونیکی هم تفاوت‌هایی داشته باشد.

البته اصول، چارچوب و کلیت گزارش نویسی برای

رسانه های مختلف، تفاوت چندانی با هم ندارند. در

روزنامه‌نگاری الکترونیکی هم به لحاظ سلیق و نیازهای

مخاطبان تفاوت‌هایی در شیوه ارائه گزارش بروز می‌کند و

گردان‌نگار رسانه های الکترونیکی می‌توانند اساس

تجزیات خود در شکل کار متناسب با نوع مخاطبان خود تغییر دهند.

آیا آثار دیگری در زمینه آموزش سایر بخش‌های

دارد، می‌تواند نیازهای علاقه‌مندان به این رشته را برطرف کند؟

گزارشگری رایجی تلویزیون تاکنون در جایی بیان نشده

است. چون احصار کار رایجی تلویزیونی در اختیار صدا و

سیماست و افراد خارج از این مجموعه نسبت به یادگیری

آن کار احساس نیاز نمی‌کنند و حتی در تدوین و انتشار

کتاب هم بر این زمینه حساسیت ندارند. البته خود صدا و

سیما به آموزش خبرنگاران می‌پردازد و انتشارات هم در

این زمینه دارت. اما از آنجا که بعضی از افرادی که در

دانشگاهها و مراکز مختلف آموزش خبرنگاری، و

روزنامه‌نگاری می‌بینند، کار رایجی تلویزیونی می‌خوانند،

مطالبی را در این کتاب جهت آشنایی اجمالی آنها با

گزارشگری رایجی تلویزیونی آورده‌ام که قطعاً نیازهای

مخاطبان را به طول کامل برطرف نم‌کند. البته نگارش

این گزارشگری با گزارش چاپی تفاوت چندش ندارد و

تفاوت آنها بیشتر در نحوه ارائه، تصویر و صوت است که

نیازمند کار بیشتری است.

با توجه به رونق روزنامه‌نگاری الکترونیکی، بحث

گزارشگری اینترنتی هم مطرح می‌شود که در این اثر به

آن پرداخته نشده است.

با توجه به اینکه پیش از این در کتاب‌های حوزه روزنامه‌نگاری بحث گزارش‌نویسی هم بیان شده است، «نگارش گزارشگری کاربردی برای رسانه‌های جمعی» چه ضروری دانسته است؟

تاکنون جزوه‌هایی درباره گزارش‌نویسی تهیه شده و در کتاب‌های خبرنویسی و روزنامه‌نگاری هم فصل مجزایی به گزارشگری اختصاص یافته است. اما با توجه به اهمیت و اثرگذاری کار گزارش در مطبوعات و اینکه گزارش یکی از کارآمدترین کارهای روزنامه‌نگاری است. در کتاب مستقل درباره آن وجود نداشت تا اینکه کتابی با عنوان گزارش مطبوعاتی منتشر شد. من در سال ۱۳۷۳ جزوه گزارش‌نویسی در رسانه‌های جمعی را با هدف آموزش خبرنگاران خبرگزاری نوشتم. در طول این سال‌ها با توجه به اهمیت گزارش، افزایش روزنامه‌ها در سال‌های اخیر و از سوی دیگر ضعف‌ها در گزارش‌های روزنامه‌ها دیده می‌شود. تصمیم گرفتم با تکمیل آن جزوه و تقسیم‌بندی موضوعی گزارش‌ها با ارائه شیوه گردآوری اطلاعات و تدوین آنها به‌طور جداگانه و ارائه مثال‌هایی برای هر کدام، راهنمایی عملی برای دانشجویان و افرادی که وارد کار روزنامه‌نگاری می‌شوند، تهیه کنم. بیشتر افرادی که در روزنامه‌نگاری می‌خوانند، این جزوه را به صورت تجربی آموخته‌اند، بنابراین گزارشگری کاربردی برای رسانه‌های جمعی، با هدف آموزش با زبانی ساده نوشته شد تا شناسایی کلی از چارچوب گزارش شیوه گردآوری اطلاعات، تدوین و نگارش آن به افراد بدهد.

در کتاب‌های دیگر روزنامه‌نگاری به گزارش خیلی گریزه و مختصر اشاره شده و تقسیم‌بندی‌هایی هم که درباره گزارش انجام شده است. از این گزارش‌هایی که در روزنامه‌های ما به کار می‌رود، متناسب نیست و بعضی عده آن به دیگرها (Feature) و گزارش‌های تحقیقی که در نشریات خارجی استفاده می‌شود، مربوط است. در حالی



اجازه بدهید برای آشنایی بیشتر از موضوع همیشگی شروع کنیم. اولاً، ساده‌های اولیه زندگی، مشاغل و سیرحقی زندگی آنان؟

من در سال ۱۹۶۲ در رشت به دنیا آمدم. دوره ابتدایی و متوسطه را در همین شهر گذراندم و جزیره اولین دیدنامه گیلان بودم. بعد به دانشسرای عالی رشت و درشته علوم طبیعی و تربیتی درس خواندم. در دوره حلی کل کردم. چون برنامه اولی تدریس می‌کردم، این آنجا فارسی‌بودند. یک استاد زمین‌شناسی بوده به نام دکتر زیوریه که خیلی موردعشق قرار گرفته و مرا به عنوان کارگردان آزمایشگاه زمین‌شناسی انتخاب کرده‌بعد از لیسانس نوبت نظام رسید. چون جا نداشتند نمی‌خواستند ما بایرنند. ما پنج نفر بودیم. نامه‌ای به رضا شام‌نوشتم. این مضمون که با ما ماکار بدهید. ما مارا به نظام ببرید. بعد به موقوفه‌ای در ستان رشت که از آنجا حقوق می‌گرفته و بعد هم یک سال به نظام و نظمه رشت. در مدرسه‌ای که از موقوفه اداره می‌شد. کارشما چه بود؟ درس می‌دادیم. در تها کلاسش که کلاس هفتم بود. همه درس‌های جزعیی ما من بود. بعد از خدمت نظام و نظمه به کرمانشاه رتم و ۵سال آنجا بودم. که با آمدن متفقین به ایران، به رشت منتقل شدم. سه سال هم رشت بودم (۱۳۳۲-۱۳۳۱) که طی آنسالها اقامت در رشت فرصت زیادی برای مطالعه داشته‌ام. کتاب داروین چه می‌گوید؟ (۱۳۳۲) را نوشته و کتاب اراز و رشت، اثر آن روستان را ترجمه کردم (۱۳۳۳). در رشت فیزیولوژی تدریس می‌کردم. بعد به تهران رفتم. آن موقع دکتر مجتهدی رئیس البرز بود. با تقاضاکاتش زایدی در اختیار گذاشت تا به کمک قلم و آزمایشگاه عملی، مسطح کفیی داشم آموزان را افزایش دهم. او عاشق کارش بود و آنچه که از دستش می‌آمد، کتاهای نمی‌کرد. از صبح که می‌زفتم به‌ش می‌دش با اشتیاق رتم صرف تدریس و کار آزمایشگاهی می‌شد. سپس از انتقال به تهران -سال ۲۲- در دانشسرای داروسازی اتم نوشتم. چون به یوشی کازبریکه اداره‌دهنده درس حلال علاقه به دکتر مجتهدی داشت. بعد که یک دوره چهارساله معاشات ایشان را مطالعه پیشتر. اول در تهیه کتاب‌های درسی و نوشتن و مطالعه پیشتر. اول در تهیه کتاب‌های درسی و بعد هم کتاب‌های کمک‌درسی فعالیت کردم. آن موقع کتاب درسی به مفهوم می‌بود. وجود آمدن دانشمند. با آنچه زمین‌شناسی خود می‌نوشتم، عکس‌ها با نقشه‌ها را با دست می‌کشیدم و بعد باقی کپی و کتکن می‌کردم. بعداً با کمک دکتر علی زرگری و دکتر صادق مبین یک دوره کتاب درسی برای اولان در آراس متوسطه تنظیم کردم. دکتر صادق مبین اولان در آمریکا زندگی می‌کند و دکتر زرگری هم بازنشسته شده و در حال حاضر در زمینه داروهای گیاهی با شرکت دینه ایران کار می‌کند و بسیار موفق است.

در همین دوران آقای احمدپورشک که از دوستان من بود در گروه فرهنگی هدف باو کار می‌کردم. مرا در انتشارات فرهنگین معرفی کرد. در آنجا آقای صنعتی‌زاده، رئیس فرهنگین، هر چه را که می‌خواستم برام فراهم می‌کردند و کار من و استازی مؤسسه شد. آنجا مرتباً به ترجمه و ویرایش می‌پرداختم. کلاً همکاران مؤسسه فرهنگین، همکاران خوبی بودند.

دکتر محمود بهزاد در عرصه دانش این مرز و بوم چه‌وای آشاست. پیش از شصت سال فعالیت می‌وقفه در عرصه تدریس، تألیف و تدوین کتاب‌های درسی ابتدایی و دبیرستانی و دانشگاهی از یک سوء و ترجمه و نگارش ۸۰ عنوان کتاب علمی از سوی دیگر به همراه بیش از ۳۰۰ مورد مقاله و سخنرانی، بیوه در رشته‌های وابسته به زیست‌شناسی، پزشکی و داروسازی، از ایشان چه‌رهای کنونیتر و ماندگار به جا گذاشته است.

بیوهی محوری ایشان چه در آثار و چه در رفتار و فعالیت‌های روزمره اجتماعی و بیوه در سخن گفتنشان، ساده است. ساده دیدن، ساده گفتن و در یک کلام، ساده‌زستین طرح پیچیده‌ترین مطالب علمی به زبان ساده و برای همگان، از یک باور ریشه‌دار سرچشمه می‌گیرد. ایشان معتقدند، علم باید ظرفیت همه‌گیر شدن را داشته باشد، در غیر این صورت چگونه می‌تواند به تغییری مثبت در زندگی منجر شود؟
اشتهار استاد به عاوبینی چون ابهر زیست‌شناسی نوین ایران یا «اسیوف ایران»، نه حکایت تعارف و مهر دانشمویان نسبت به دوست و نه افرادی از آن دست که «به‌رهای ایرانی» در سفره استادان، مصلحتان و نوسیدگان می‌گذارد، بلکه ریشه در واقعیت زندگی و آثار ایشان دارد.

رشته‌های مختلفی که ایشان به آن پرداخته‌اند، از تکامل، ژنتیک و بیولوگیک تا بیوشیمی، فیزیولوژی، داروسازی و مسائل زیست‌شیمیایی، همه مستقیماً به زیست‌شناسی جدید مربوطند. و این نوده جز به سبب شغفی که به این زمینه داشته‌اند، نه به عنوان یک رشته علمی، بلکه به عنوان درجه‌ای که می‌توان از آن دست‌تر، صنوبرتر و دقیق‌تر به زندگی برگشت و به مدد آن طبیعتی تر و انسانی‌تر زیست‌شناسی غیر از سال‌ها تدریس در دبیرستانها و دانشگاهها و مدارس - از جمله دبیرستان فارسی‌زبان زاری - «و نیز فعالیت ویراستاری و ترجمه و نگارش در مؤسسه فرهنگین، چندسال نیز در مدرسه عالی آراغی بوده‌اند. از سال ۲۰ با راه‌اندازی سازمان کتاب‌های درسی و سال ۶۱ که در هر دوره نیز یاتی تحیرات مثبت بسیاری در نظام درسی کشور، بوده‌اند. ایشان پس از انقلاب ضمن فعالیت در زمینه داروسازی و همکاری با انجمن داروسازان گیلان و تهریه منظم آثار آن که اکنون به نام «حکمت» منتشر می‌شود، دهها مقاله و سخنرانی در مورد مسائل پزشکی و داروسازی داشته‌اند که زمینه غالب فعالیت‌هایشان را تشکیل داده است. دکتر بهزاد پدر ۴ فرزند هستند، که در اولاد دی ماه «دکتر فرامرز بهزاد» استاد دانشگاه «پاسرگ» المان با نوشته‌ها و ترجمه‌های بسیاری که در مورد آثار کافکا و نبرشت داشته‌اند، در ایران کاملاً شناخته‌شده‌اند.

استاد در ۸۶ سالگی همچنان فعال، پرشور و پر تلاش مشغول فعالیت هستند و بیوهی چاپ دوم کتاب «شور هستی» که مربوط به زندگی دوران آیین، از ایشان منتشر خواهد شد. گفت‌گویی که در زیر می‌آید، در اوایل دی ماه گذشته طی چند نشست، توسط آقایان دکتر عباس افراه و سعید صدیق در رشت، زادگاه و محل اقامت فعلی استاد انجام شده است که می‌خوانید.

◆ ۵۵ سال در زمینه‌های مختلف زیست‌شناسی فیزیولوژی ژنتیک و غیره تدریس کردم

در تهران بود. من ویراستار از شد. بودم و کتاب‌هایی که با کمک استادان دیگر تهیه می‌کردیم. برای این مراکز می‌فرستادیم. در سال ۶۸ کتاب روانشناسی فیزیولوژیک را - که کتاب درسی دبیرستان روانشناسی ایران شد - ترجمه کردم و به این ترتیب حیات استادان دانشگاه مرا به عنوان استاد شناختند. ضمناً همان زمان در مدرسه عالی دختران هم درس می‌دادم.

بعد از انقلاب، مدتی دانشگاه تعطیل شد. پسرمد دارالترجمه داشتند، مدتی با او کار کردم. دیدم به مردم نمی‌خورند. دکتر ترجمه‌ها یا پزشکی بود یا تجاری. بنا به پیشنهاد یکی از دوستان که به من گفت: شما دکترای داروسازی دارید، چرا از آن استفاده نمی‌کنید؟ مسریم عووظی شد و به رشت کوچ کردم و از آن موقع هم در داروخانه کار می‌کنم و هم در انجمن داروسازان اینجا. برای گروه پزشکی مقاله می‌نویسم و ترجمه می‌کنم که این کار اول به شکل بلکی کپی بود و بعد هم شکل جمله گرفت. تا الان که به اسم حکمت درمی‌آید. جلسات سخنرانی می‌بود که خودم و گاهی استادان نام تهران برای پزشکان و داروسازان سخنرانی می‌کردیم که هنوز هم ادامه دارد.

در واقع اگر بخواهیم دوربینی کنیم، دوره اول تا سال ۱۳۳۲ دوره دوم تا سال ۱۳۳۸، دوره سوم از ۵۷ تا ۵۹ دوره آخر هم از انقلاب به بعد بود که تغییر و تحولات بعد از انقلاب باعث شد که کشا به طرف داروسازی و این رشته بروید و پیش از انقلاب بیشتر یادگفت معلم و استاد و تویسده بودید. راستی رابطه شما با شاگردان مطهر بود؟
من ۵۵سال در زمینه‌های مختلف زیست‌شناسی، فیزیولوژی ژنتیک و غیره تدریس می‌کردم. شاگردان زیادی داشتم که کار با معمولاً با کلاس تمام نمی‌شد و شاگردان

دکتر محمود بهزاد در عرصه دانش این مرز و بوم چه‌وای آشاست. پیش از شصت سال فعالیت می‌وقفه در عرصه تدریس، تألیف و تدوین کتاب‌های درسی ابتدایی و دبیرستانی و دانشگاهی از یک سوء و ترجمه و نگارش ۸۰ عنوان کتاب علمی از سوی دیگر به همراه بیش از ۳۰۰ مورد مقاله و سخنرانی، بیوه در رشته‌های وابسته به زیست‌شناسی، پزشکی و داروسازی، از ایشان چه‌رهای کنونیتر و ماندگار به جا گذاشته است.

بیوهی محوری ایشان چه در آثار و چه در رفتار و فعالیت‌های روزمره اجتماعی و بیوه در سخن گفتنشان، ساده است. ساده دیدن، ساده گفتن و در یک کلام، ساده‌زستین طرح پیچیده‌ترین مطالب علمی به زبان ساده و برای همگان، از یک باور ریشه‌دار سرچشمه می‌گیرد. ایشان معتقدند، علم باید ظرفیت همه‌گیر شدن را داشته باشد، در غیر این صورت چگونه می‌تواند به تغییری مثبت در زندگی منجر شود؟
اشتهار استاد به عاوبینی چون ابهر زیست‌شناسی نوین ایران یا «اسیوف ایران»، نه حکایت تعارف و مهر دانشمویان نسبت به دوست و نه افرادی از آن دست که «به‌رهای ایرانی» در سفره استادان، مصلحتان و نوسیدگان می‌گذارد، بلکه ریشه در واقعیت زندگی و آثار ایشان دارد.

رشته‌های مختلفی که ایشان به آن پرداخته‌اند، از تکامل، ژنتیک و بیولوگیک تا بیوشیمی، فیزیولوژی، داروسازی و مسائل زیست‌شیمیایی، همه مستقیماً به زیست‌شناسی جدید مربوطند. و این نوده جز به سبب شغفی که به این زمینه داشته‌اند، نه به عنوان یک رشته علمی، بلکه به عنوان درجه‌ای که می‌توان از آن دست‌تر، صنوبرتر و دقیق‌تر به زندگی برگشت و به مدد آن طبیعتی تر و انسانی‌تر زیست‌شناسی غیر از سال‌ها تدریس در دبیرستانها و دانشگاهها و مدارس - از جمله دبیرستان فارسی‌زبان آراغی بوده‌اند. از سال ۲۰ با راه‌اندازی سازمان کتاب‌های درسی و سال ۶۱ که در هر دوره نیز یاتی تحیرات مثبت بسیاری در نظام درسی کشور، بوده‌اند. ایشان پس از انقلاب ضمن فعالیت در زمینه داروسازی و همکاری با انجمن داروسازان گیلان و تهریه منظم آثار آن که اکنون به نام «حکمت» منتشر می‌شود، دهها مقاله و سخنرانی در مورد مسائل پزشکی و داروسازی داشته‌اند که زمینه غالب فعالیت‌هایشان را تشکیل داده است. دکتر بهزاد پدر ۴ فرزند هستند، که در اولاد دی ماه «دکتر فرامرز بهزاد» استاد دانشگاه «پاسرگ» المان با نوشته‌ها و ترجمه‌های بسیاری که در مورد آثار کافکا و نبرشت داشته‌اند، در ایران کاملاً شناخته‌شده‌اند.

استاد در ۸۶ سالگی همچنان فعال، پرشور و پر تلاش مشغول فعالیت هستند و بیوهی چاپ دوم کتاب «شور هستی» که مربوط به زندگی دوران آیین، از ایشان منتشر خواهد شد. گفت‌گویی که در زیر می‌آید، در اوایل دی ماه گذشته طی چند نشست، توسط آقایان دکتر عباس افراه و سعید صدیق در رشت، زادگاه و محل اقامت فعلی استاد انجام شده است که می‌خوانید.

گفت و گو با دکتر محمود بهزاد

شیفته علم ؛ ۸۰ ترجمه و تألیف

در محیط بیرون از کلاس هم‌با من بودند. سعی می‌کردم این رابطه یک رابطه کامل باشد و همه شان را دوست داشتم. بسیاری از آنها در نقاط مختلف دنیا هستند. وقتی هم‌دیگر را می‌بینیم، خوشحال می‌شویم و معمولاً گفتشات شامل حال من می‌شود یا روی گذشته و تجدید خاطرات خوش با هم‌دیگر روی‌رو می‌شویم. بعضی از آنها هم امروز چه‌رهای مشهور جهانی هستند. مثل دکتر هشتاد و در دیداری که از فرانسه داشتم، خیلی هم مورد گفتش که نیم جراحی در فرانسه دارد و سرشناسی لطیف ایشان واقع شده.

شیفته شما به علم و این گرایش به ساده کردن آن، از جا به وجود آمد؟



گفت‌شد عرفانه بودن پدر، تأثیر عمیقی در همه و از جمله من به جا گذاشت. از طرف دیگر آشنایی من با معلمان فرانسوی و فرهنگ آنها باعث آشنایی و دروغ گفتن من به علم شد. همیشه نظرات‌هایی که در اطراف می‌دیدم - که عده‌ای جطور در دیگر حرفات بودند و علم داشت به کجا می‌رفت. باعث می‌شد که تمام تریزیم صرف اشاعه و همه‌گیر شدن علم بشود. من مشتاق کتاب تألیف و ترجمه دارم که عمدتاً بیل این افراد عادی جامعه و دانشمندانند. می‌خواستم مردم ما هم به طرف علم بیایند.

یک خاطره خوب از دکتر عبدالعلی طاعنی برایتان بگویم که به او بسیار می‌دویم. ساده‌نویسی را او به من آموخت. هم نویسنده خوبی بود. هم شاعر خوبی. کتاب داروین چه می‌گوید؟ را که نوشته و آماده‌چاپ شد. به او دادم که نگاه کنی. بعد از خواندن پاراگراف اول، نگاه می‌به من کرد و دوباره خواند. برای دیگر گاهی به من کرد و گفت: چه می‌خواهی بگویم؟ به او گفتف. گفت: همین را بنویس. نوشتف. بعد گفت: حالا همین را لفظ قلم بنویس. نوشتف. گفت: حالا مقایسه کن. دیدم نظرات و مشتقانی داد. دیدم حال کشیدم و درس برگ زندگی‌ام را یاد گرفتم. گفتف: هر وقت می‌خواهی بنویسی، فکر کن کسی جلوی توست. داری یا لایحرف می‌زنی. در واقع این درس هم کمک بزرگی به من کرد. هم‌به من کمک آن خیلی بار آوریدند. کردم. معمولاً آنچه نوشته‌ها را اخیراً بیل فهم می‌کند. اظهار نظرش نویسنده است.

شما در سال ۶۱ ویش سازمان کتاب‌های درسی بودید. جطور شد. کار اجرایی را قبول کردید؟

دکتر محمود بهزاد در عرصه دانش این مرز و بوم چه‌وای آشاست. پیش از شصت سال فعالیت می‌وقفه در عرصه تدریس، تألیف و تدوین کتاب‌های درسی ابتدایی و دبیرستانی و دانشگاهی از یک سوء و ترجمه و نگارش ۸۰ عنوان کتاب علمی از سوی دیگر به همراه بیش از ۳۰۰ مورد مقاله و سخنرانی، بیوه در رشته‌های وابسته به زیست‌شناسی، پزشکی و داروسازی، از ایشان چه‌رهای کنونیتر و ماندگار به جا گذاشته است.

بیوهی محوری ایشان چه در آثار و چه در رفتار و فعالیت‌های روزمره اجتماعی و بیوه در سخن گفتنشان، ساده است. ساده دیدن، ساده گفتن و در یک کلام، ساده‌زستین طرح پیچیده‌ترین مطالب علمی به زبان ساده و برای همگان، از یک باور ریشه‌دار سرچشمه می‌گیرد. ایشان معتقدند، علم باید ظرفیت همه‌گیر شدن را داشته باشد، در غیر این صورت چگونه می‌تواند به تغییری مثبت در زندگی منجر شود؟
اشتهار استاد به عاوبینی چون ابهر زیست‌شناسی نوین ایران یا «اسیوف ایران»، نه حکایت تعارف و مهر دانشمویان نسبت به دوست و نه افرادی از آن دست که «به‌رهای ایرانی» در سفره استادان، مصلحتان و نوسیدگان می‌گذارد، بلکه ریشه در واقعیت زندگی و آثار ایشان دارد.

رشته‌های مختلفی که ایشان به آن پرداخته‌اند، از تکامل، ژنتیک و بیولوگیک تا بیوشیمی، فیزیولوژی، داروسازی و مسائل زیست‌شیمیایی، همه مستقیماً به زیست‌شناسی جدید مربوطند. و این نوده جز به سبب شغفی که به این زمینه داشته‌اند، نه به عنوان یک رشته علمی، بلکه به عنوان درجه‌ای که می‌توان از آن دست‌تر، صنوبرتر و دقیق‌تر به زندگی برگشت و به مدد آن طبیعتی تر و انسانی‌تر زیست‌شناسی غیر از سال‌ها تدریس در دبیرستانها و دانشگاهها و مدارس - از جمله دبیرستان فارسی‌زبان آراغی بوده‌اند. از سال ۲۰ با راه‌اندازی سازمان کتاب‌های درسی و سال ۶۱ که در هر دوره نیز یاتی تحیرات مثبت بسیاری در نظام درسی کشور، بوده‌اند. ایشان پس از انقلاب ضمن فعالیت در زمینه داروسازی و همکاری با انجمن داروسازان گیلان و تهریه منظم آثار آن که اکنون به نام «حکمت» منتشر می‌شود، دهها مقاله و سخنرانی در مورد مسائل پزشکی و داروسازی داشته‌اند که زمینه غالب فعالیت‌هایشان را تشکیل داده است. دکتر بهزاد پدر ۴ فرزند هستند، که در اولاد دی ماه «دکتر فرامرز بهزاد» استاد دانشگاه «پاسرگ» المان با نوشته‌ها و ترجمه‌های بسیاری که در مورد آثار کافکا و نبرشت داشته‌اند، در ایران کاملاً شناخته‌شده‌اند.

استاد در ۸۶ سالگی همچنان فعال، پرشور و پر تلاش مشغول فعالیت هستند و بیوهی چاپ دوم کتاب «شور هستی» که مربوط به زندگی دوران آیین، از ایشان منتشر خواهد شد. گفت‌گویی که در زیر می‌آید، در اوایل دی ماه گذشته طی چند نشست، توسط آقایان دکتر عباس افراه و سعید صدیق در رشت، زادگاه و محل اقامت فعلی استاد انجام شده است که می‌خوانید.

سال ۶۱. بعد از اینکه ۲ سال از بازگشتی‌ام می‌گذشت، دکتر خانلاری با حکم اجأت وزارت اربا معاون ریاست سازمان کتاب‌های درسی استخدام کرد. قرار شد ۱۳۲ کتاب درسی را از نظط پاک و رسم انحط پاکست و واحدی را اجزا کنیم و سپس کتاید فیزیولوژیم که منظر دکتر خانلاری بود. به هم سری کتاب را امم از ریاضی، عربی، علوم و به متخصصان و معلمان که اشتداد داشتف می‌دادم و کتاب‌هایی را که پس می‌دادف مجدداً زیر نظر حیاتی که به سازمان آورنده بودم و برای چاپ بازبینی می‌شد. در شهر یوزیه هم ماه کتاب‌ها آماده شد.

در این جریان ۹۹ هزار تومان خرج اضافی شد. از جمله توسط مصححان کتاب‌های تقنی‌هایی شده بود. جوری که متلاطم‌شود. دیدم کتاب‌ها سه‌تایی رسی را به کالی کار گذاردیم و اشتباهات یکم هم پیش‌آه که همه اصلاح کردیم. آقای دکتر جیشادعی وزیر آموزش و پرورش وقت بود. رفتف گزارش دادم و گفتف: این مقدار هم البته خرج شده است. گفتف: جطور؟ جریان را گفتف و اضافه‌کردف: پیشنهاد دارم. اول اینکه از حقوق من که کتید تا تمام شود. گفتف: اینکه نمی‌شود. باید دید مقورشش کیست. گفتف: بالاخره من سرپرستان بودم و مسئولیتش با من است اما مردم پیشنهاد این بود که به قیمت کتاب‌های خجاری و تاریخ پنج و شصت و ابتدایی که قبل از تصحیح ما ۷۵۰۰۰ ریال فروش می‌رفت و بعد از تصحیح بیست آن ۳۸۰۰۰ ریال شده بود. یک ریال اضافه کنیم که طبق حساب ما درست می‌شد. ۹۹ هزار تومان از این پیشنهاد استقبال و آن را قبول کرد و به این ترتیب زیان وارد جریان شد.

این هم بادم آمده که این مصفرهایی که اکنون به صورت دایره‌های نواحی می‌بیاید آن موقع بجایش قطعه می‌گذاشتند که با رسم انحطش را من عوض کردم. البته آن موقع هر چیزی با دست بود.

در همان سال‌ها چلو‌واهی هم برای ترجمه سرگشتف زمین راگایوف گرفتف. این طوی نیست؟

بله. این جاپزه - که مبلغ آن ۶۰۰۰۰ تومان بود - در سال ۶۳ و مربوط به ترجمه سلیس و روان همین کتابی بود که خرج تحصیل و اعزام فرزندم (منوچهر) به آلمان شد.

زخرا حاج بهمندی



واقعیت این است که گرایش به صنعت نشر در کشور ما روزبه‌روز در حال افزایش است. روزبه‌روز اینکه چرا تعداد ناشران در حال افزایش است و اماز آنها روزبه‌روز بیشتر و بیشتر می‌شود، سؤالی است که خود ناشران باید به‌دقتشکوی آن باشند، آن هم در شرایطی که صنعت نشر کشور وضعیت خوبی ندارد. به نظر می‌رسد

هر یک از ناشران برای ورود به این حرفه پیش‌فرض‌هایی دارند که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت. از مشخصات نشر در کشور ما این است که هر کس با حداقل ۵ میلیون تومان تا ۵ میلیارد تومان می‌تواند خود را ناشر می‌تواند از سالی ۴ کتاب تولید کند تا سال ۲۰۰ کتاب. می‌تواند ۱۰ سال بر روی یک دایرالمعارف سرمایه‌گذاری کند یا در هر ضح ۵۰۰۰ کتاب منتشر کند. کتاب‌های بیشتر، کتاب‌های خوب‌تر!

اغلب ناشران علت ورود به دنیای نشر را انجام کار فرهنگی به علاوه اندکی عشق به علاوه اندکی سرمایه می‌دانند.

به نظر می‌رسد عناصر دیگری هم باید دخیل باشد که احیاناً تا نمی‌دانیم از جمله اینکه شغل نشر در کشور ما پرستیژ دارد. این شغل ده‌سال پیش چنین شای نشانی‌ناشد. در نهایت جمع بندی این گرایش به چند فاکتور می‌رسیم؛ یکبارگی سرمایه‌ها و در علاوه عدم امنیت شغلی، قضایی، مالی و علمی علاوه بر عدم گرایش به کارهای به‌علاوه اشتغالی به‌علاوه نوسانات مالی بالای آن در سرمایه‌گذاری، به‌علاوه خالصت‌های فردی، به‌علاوه داشتن تخصصی که جامعه به آن نیاز دارد، به‌علاوه تقصیر نشر آثارش، امروز بسیاری از ناشران خود مؤلف هستند و برخی ناشران به‌ناز یکی به سفارش گروهی از مؤلفان متولد می‌شوند یعنی اول محتوای کتابی شکل می‌گیرد و بعد نشری، به‌وجود می‌آید که در برخی موارد

نازنین نیکبخت



داستان دوست من، قصه بومی است که سال‌ها زبانی را در خانه و دوشی و فلتوری طی کرده، با این همه، مردم آبدان است و به ظاهر خودمیت افرازم می‌دهد.

سه فصل از هم مجزا روایت کرده است. «کتاب»، «بهر بیابان‌گرد» اتفاق جدیدی در قصه همین.

قصه از انجایی شروع می‌شود که دکتربل، به شسته و کشتی پینار به یک روستا می‌رسد او در شهرها و روستاهای زیادی دوست و رفیق دارد و هیچ وقت بی سرپناه نمی‌ماند. کتاب به خانه دوست، پیرسنگار به‌خوب می‌رود. دوستش با آغوش باز او را پناهنی می‌کند و مرد قلندر، شب را همان‌جا می‌ماند. روز بعد، کتاب به‌دست‌روز و دوست‌ها می‌رود. این‌گونه برای مردی که یک جا آرام نمی‌گیرد و مدام فر گشت و گذار است، کنی عجیب می‌شاید. وقتی کتاب، دوستش در دستش دراز کشیده، همسر دستنگار سوپ می‌آورد. او از شب قبل به این برد خانه و دوش احساس علاقه پیدا کرده است. چرا که اوقات‌های رفتاری کتاب، دل هرنی را به گریزه درمی‌آورد. زن به‌دقت صورت قلندر را نگاه می‌کند و محووش می‌شود.

از طرف دیگر کتاب، به دفتر مستگاری که در خانه روزبه‌روز زندگی می‌کند، علاقه‌مند شده است. روز بعد، وقتی جلوی ایزدخانه آن خانه می‌رود، با خبر فر می‌گردد، که همان شب‌ها را دوست پیرسنگار می‌خواهد که جای قلندر خانه را به او نشان دهد تا او وقت برگشتن در صورت، موضوعی برای افراد خانه ایجاد کند. زن پیرسنگار مرد قلندر را به دست مجلی کلمه کلید می‌دهد و می‌گوید: آن را به میمان نشان می‌دهد. در همین وقت، زن به کتاب، اظهار علاقه می‌کند. اما مرد هیچ علاقه‌ای برای فراری این رابطه ندارد.

شب وقتی کتاب از قدم زدن با دختر دستنگار حسایی برمی‌گردد، کلید را بر می‌دارد و از پله‌ها بالا می‌رود، اما می‌داند بر می‌گردد و روستا را ترک می‌کند. بر دستم دوم کتاب، به دوران زندگی کتاب در سال‌های کودکی و نوجوانی این برودخته می‌شود. او در سن بلوغ، عشق می‌شود که چند سال از خودش بزرگتر است. دختر از کتاب که به‌سری در دستگاران است، خوشش نمی‌آید و به همین علت فهان نامه، مدرسه لایبی را بر ما می‌کند و به یک مدرسه عمومی می‌رود. اما کسی بعد، کتاب او را با جوان دیگری می‌بیند و سرخورد می‌شود.

کلید از همین جا بود که سرشکتاب کتاب عوض می‌شود او که می‌توانست با استمداد و خوش‌سرابی که داشت، آدم مهم و متنشخص شود، خانه به‌دوشی را پیش می‌گیرد. با این همه،

تجربه گرام هم هستند. از همین روست که با پدیده جدیدی در حوزه نشر یعنی ناشر-مؤلف روبه‌رو هستیم. با این وجود تعداد ناشران میزان آنها را به رقمی چند برابر و برترین فروش رسانده است و این یعنی حبس سرمایه‌ها.

اینجا یک سؤال مهمتر مطرح می‌شود و آن عبارت از حق حیات برای ناشران کوچک است. ناشرانی را در نظر بگیریم که فاکتورهای طرح‌شده در پاسخ شما را داشته‌اند، یعنی خلاصیت، تجربه گرابی و بسیاری فاکتورهای دیگر. اما آنها در کنار امپراتوری‌های بزرگ نشر چگونه امکان رشد و بقا پیدا می‌کنند؟ در بسیاری موارد به نظر می‌رسد امپراتوری‌های بزرگ نشر کوچک را در خود می‌بلعد و اینها بی‌اینکه فرصت حیات پیدا کنند، برچیده می‌شوند. پس باید پرسید آیا ناشر کوچک حق حیات دارد؟

بهبتر این است که نگوییم ناشر کوچک، بگوییم سازمان‌های نشر کوچک. اما باید دید ملاک کوچک بودن چیست و چرا این سازمان‌ها کوچک هستند. آیا تولید کتابشان کم است، در حالی که باید کیلویی کتاب منتشر کنند. چاپ اول ملاک است یا چاپ‌های بعدی؟ در واقع وضعیت ناشر کوچک در معادلی از تعداد عناوین چاپ اول، قدرت بخش، سبقت، میزان آثار تحقیقی یا سفارش نوستاره‌اند با واقعیت‌های جامعه برنام‌ه‌ریزی نمایند، حمایت‌کنند. ناشر اعداداز آمده است تا کار اقتصادی و فرهنگی انجام دهد. اما چون فرم جامعه را نشناخته و روشکست شده است. لذا باید از همان ابتدا بین ناشران کوچک و ضعیف تفاوت قائل شد.

چرا و چگونه، چرا امپراتوری‌های بزرگ نشر باید به تعامل با ناشران کوچک بپردازند؟ آنها اثر است چه نفعی از این ناشران دارند؟
به این دلیل که نشر شغلی ایستا است. مثل سینما دنیامیک نیست. نشر با دنیای تحرک سر و کار ندارد. نشر در ارتباط با افراد شکل نمی‌گیرد. او همان نقطه آغاز یعنی

تکاهی به کتاب «داستان دوست من» نوشته هرمان هسه

قلندری که دوستش می‌داریم

مهاوت او در آواز خواندن، شعر خواندن، رقصيد، تعریف قصه و آداب‌هایی‌اش، سبب می‌شود که افراد زیادی خودش جمع شوند و دوستش داشته باشند. در بخش سوم داستان دوست من، هرمان هسه به روزهای آخر زندگی کتاب می‌پردازد.

او سل گرفتار است و اوضاع جسمی خوبی ندارد. در یکی از روزها، با یکی از دوستان دوران مدرسه‌اش روبه‌رو می‌شود که اکنون پزشکی صاحب‌نام است. دکتر او را به خانه می‌برد و سعی از این‌ها می‌کند و به‌دعا، به‌ششاه خود کتاب، او را به بیمارستان روانکاه می‌برد. در وقتش از بیمارستان می‌گریزد و خودش را فرقی در دنیای کوه‌گرا می‌کشد. او بر سر قلندر از هرمان هسه این قصه را بر اساس رسوم شخص نوشته است که گاه به راوی «دانه‌ای کل» بپلور می‌زند. اما چند نکته در کار هسه، این قصه را جذاب و خواندنی می‌کند. نکته اول انتخاب شخصیت «کتاب» به عنوان هرمان روایت است. شخصیت مثل کتاب، با آن آزادی و قلندری‌اش به‌داحت می‌تواند خواننده را با خود همراه کند. دوم اینکه، هسه شیوه‌های خیلی خوبی را برای ایجاد ابلاغت به خواننده روز می‌کند او با استفاده از روایت و مردل آن، بدون آنکه هیچ تلاقی در روایت به‌وجود آید، پیشترین ابلاغات را به خواننده ارائه می‌کند.

دیگر اینکه، هسه بسیار مجرب و در عین حال کامل می‌تواند اثر او سبقت اثر او سبقت بخورد و سرراست است. او هیچ‌گاه به پیروگی نمی‌افتد. هیچگاه کم کم می‌گذارد به اندازه می‌گیرد و توضیح می‌دهد.

هرمان هسه با دو کار دیگر، بازی هم سبب می‌شود که بیشتر دوستش داشته باشیم. او قلندر خوب و هر زمانه‌ها با لایه‌های پنهان شخصیت کتاب، فر می‌رود که هیچگاه سعی این سفر را نمی‌تقصیم، فقط از خوشی ستر لذت می‌بریم. از طرف دیگر، مطلق و روایت در کارهای او سرراست هرمان هسه بلد است. چطور قصه بگوید و خواننده و همراه خودش داشته باشد. او در این کار آفتاب استاد است که اگر ضعیف‌هایی هم داشته باشد، به چشم خواننده می‌آید. به طور مثال، هسه در توصیف، به اندازه دیگر ضعیف‌هاست. نچر ندارد. هر چند توصیف‌های او روایت، اما هرگز به قدرت توصیف او اثر دیگر نوشته‌هاکل بزرگ دنیا نمی‌رسد.

داستان دوست من، واری همه کسانی که در حال تجربه نهایی هستند. آن را تجربه می‌کنیم حرف‌های چاپ و خوبی دارد و مگر کسی هم بچود دارد که در این دنیای مدرن، در این دنیای رشدن امن و فرلاده، نهایی را حق نکرده باشد؟



نشر شغلی ایستا است مثل سنینما دنیامیک نیست. نشر با دنیای تحرک سر و کار ندارد

دیگر آنکه بسیاری از ناشران کوچک با سازمان‌های کوچک شروع می‌کنند و بزرگ‌تر می‌شوند. این نباید با پیشانی از ناشران ضعیف اشتباه گرفته شود. اگر در یک محیط ملاک خاطر قرار گرفتن در معرض روشکستگی باشد، دولت وظیفه ندارد که کسانیکه که ششایش از بازار ندارند، نوستاره‌اند با واقعیت‌های جامعه برنام‌ه‌ریزی نمایند، حمایت‌کنند. ناشر اعداداز آمده است تا کار اقتصادی و فرهنگی انجام دهد. اما چون فرم جامعه را نشناخته و روشکست شده است. لذا باید از همان ابتدا بین ناشران کوچک و ضعیف تفاوت قائل شد.

چرا و چگونه، چرا امپراتوری‌های بزرگ نشر باید به تعامل با ناشران کوچک بپردازند؟ آنها اثر است چه نفعی از این ناشران دارند؟

به این دلیل که نشر شغلی ایستا است. مثل سینما دنیامیک نیست. نشر با دنیای تحرک سر و کار ندارد. نشر در ارتباط با افراد شکل نمی‌گیرد. او همان نقطه آغاز یعنی

شکل گرفتن فکر تولید تا تولید و بخش نشر ایستا است. از نیازمات ناشر هم محدود است. یک خانواده نشر از همکاری پرسنل خود شکل می‌گیرد. پس از انتشار هم خوانندگان، آثار را در سکوت می‌خوانند. به همین دلیل سازمان‌های بزرگ نشر خطر مبرایی را پیش روی دارند. تکنیکی، ایستایی و مرگ همواره در تعقیب ناشران بزرگ است. آنان هر لحظه می‌توانند از رونق‌شان رویه‌نویس شدن جامعه عقب بمانند. آنان همواره با همان تفکرات قدیمی پیش می‌روند. منتظر می‌مانند یک مؤلف به دستویس بیاید، کتاب‌ها منتشر شود و وارد عرصه بخش شود. بعد هم اتمام پورسه. ما نمی‌توانیم فراموش کنیم که در عصر اطلاع‌رسانی زندگی کنیم و سازمان‌های نشر به این علت که با یک‌گانه‌های فکری جملعه‌هستند، باید روزبه‌روز شوند. سرعت، رقابت و اطلاعات سه مشخصه عصر امروز است.

در چنین شرایطی، ناشران بزرگ و امپراتوری‌های نشر در غرب با کمک گرفتن از مشاوران روزبیده، فکرها مدون را وارد کار خود می‌کنند. آنها به ناشران کوچک‌ها حلاق پول می‌دهند و آنها را می‌خرند و ناشران آفتاری به‌وجود می‌آورند. از ایده و فکر ناشران کوچک استفاده می‌کنند تا به نشر خود سر سامان دهند و عوض به آنها به حوزه نشر کمک می‌کنند. اما ایران را به دلیل نبود امنیت شغلی، فکرها محسوس می‌مانند. اینجا همان نقطه تعامل ناشران کوچک با ناشران بزرگ است چون ناشران بزرگ نتوانه شدن خود را در تعامل با ناشران کوچک می‌بینند و ناشران کوچک بقای خود را در تعامل با ناشران بزرگ و به این ترتیب منفعت هر دو تضمین می‌شود.

گیریم این اتفاق بیفتد و این تعامل شکل بگیرد یا حتی نه ناشران کوچک چگونه و چطور باید در صحنه باقی بمانند و چگونه به بقا ادامه یابند یا باید شرایط آرزمانی را کنار بگیریم و داشته‌هایمان را نگاه کنیم
ملاع اصلی ناشران کوچک، ناشران بزرگ نیستند بلکه ناشران دولتی هستند. حضور دولت در بخش‌هایی از نشر که نیاز نیست، همیشه به نشر ضرر زده است. مشکل دیگر ناشران کوچک، بخش است. می‌توان به ناشران کوچک گفت شماره تعامل با ناشران بزرگ را پیدا کنید تا آنها هم راه حضور شما در بخش را هموار کنند. ما می‌دانیم که ناشران کوچک محدودت‌ها مشکل بخش دارند. اما از طرفی ناشری که سال‌ها خون دل خورده است، تحقیر کتاب را تحمل کرده است

او وقت یک‌باره همه این خون‌دل‌ها را در اختیار ناشران کوچک قرار دهد، به نظر عادلانه نیست. ضمن اینکه در پایان راه این مشتری است که تقصیر می‌گیرد چه کتابی را بخرد و چه کتابی را نه. بهتر است ناشران کوچک به یک سؤال در همین جا پاسخ دهند. آیا ناشر حاضر بودند در مشاوره با ناشران بزرگ از حقوق خود بگذرانند؟ حتماً نه. پس چگونه انتظار دارند که حقوق طرف مقابل را نادیده بگیرند؟ پس ناشران بزرگ مباحث ناشران کوچک نیستند بلکه عدم توان آنها در تعامل با یکدیگر این فاصله‌ها را به‌وجود آورد است. امروز در یک جامعه توزیع طلب زندگی می‌کنیم. در نهایت جامعه از توزع در عناوین ارتباط داشته باشد که توزیع تولید داشته باشد. اما زمانی پیروز هستیم که بین اقتصاد و فرهنگ آشتی به‌وجود آوریم. جریان فرهنگی باید در دسترس اقتصاد شکل بگیرد.

همین امر به ریشه‌ها نشان این تعامل نیاز دارد. جامعه امروز نیاز به کتاب‌هایی دارد که دارای ویژگی‌های تخصصی، اختصاصی، نیازسنجی شده بر جایبده باشد. اگر آثار نشر کوچک بتوانند این ویژگی‌ها را سر سامان دهند، قطعاً موفق هستند و قطعاً بخش هم سراغ آنها می‌رود در غیر این صورت خودشان باید کمک سیستم بخش را بینندازد که کتاب‌های تخصصی است. امروز برای ماندن در حوزه نشر باید حرف بزنید. در غیر این صورت هر حرکتی محکوم به شکست است.

داستان دوست من، ترجمه سرورحسین حبیب، ایران: اولاد انتشارات نشر، ۱۳۸۳.



دانش آموز سال های دور

مریم جیاری

در خاتمه‌ای به نسبتاً برهه با استادار و سال های نیمه ۲۰ و ۳۰ در ایران پایه به مرخصه ورود به دبستان گذاردم. کلمه سال‌های تحصیل دبستان و دبیرستان را در مدرسه دبیرالسادات یا مدیریت خانم دکتر صفای و نظامت خانم حساری گذراندم.

هرگز وحشت روز اول مدرسه و فراموش نمی‌کنم ولی از همان روز ورود مدرسه فهمیدم که اهل «چالش» هستم. هنوز ۶ سال نداشتم. خواهرم مرا به دست مدیر و ناظم و اولیا می‌بردند. مدرسه سپردم و من تنها ماندم و کلاس درس. ساعتی که من درس و اشروغ کردم ساعت قرآن بود. کلاس اولی‌ها که هنوز نه خوانند بلد بودند و نه نوشتن کتاب‌های قرآن خود را گشودند و خانم سستی که بعدها فهمیدم مادر معلم مدرسه هستنند و ما ایشان را به نام خانم «سیمه‌ی امی» خواندیم. متعلق خواندن قرآن کار نداشت. خانم سیمی چندی پیش یکی قرآن مخصوص مدارس که با کافز کاهی چاپ شده بودم فقط چند سوره از قرآن در آن بود از جلوه‌ی من گذارند من که دیدم هیچ نمی‌فهمم و احساسی نمی‌کنم. همه همین طری هستند. گفتیم من اصلاً نمی‌دانم نشی چا هم می‌خواندیم. بی بی خاتم شهبان گفتند: «شکالی ندارد فقط گوش کنید تا گوش‌هایمان به کلام خدا آشنا شود.» رنگ بعد نمایان فارسی دانشم. باید از زوری کتاب فارسی درخواهی می‌گرم و یک کتاب فارسی هم به من دادند.

کلاس اول را سه هفته دیرتر از شاگردان دیگر شروع کردم. مردم بدلال‌ها به سرعت گذشتند. احساس می‌کردم مدرسه ما مانگین مدارس شرقی را زده‌همه معلوما بود. بعدا دیدران از بهترین فرهنگیان آن زمان بودند. بعدها دیدم دبستان‌ها در اغلب دبستان‌ها دانشکده تهران بودند. به سرعت به ادبیات و انشائوسیم. و بعد به زبان های انگلیسی و عربی علاقه مند شدم. در دبیرستان رشته ادبی را انتخاب کردم و دبیران من اغلب نویسندگان ناشی امی معرفی بودند. مرحوم نظام وفا که از ادبیات فارسی را

تدریس می کردند، دکتر محمود پورشالچی، خانم دکتر الفحیحی، خانم دکتر اعصاب که زبان و ادبیات انگلیسی را تدریس می کردند و نوبه اعصاب الملک بودند. ایشان از همان سال‌ها به من گفتند که استعداد فراگیری زبان در توفری است و تکالیف بیشتری به من می‌دادند.

ولی کسی که از همان کودکی بیشترین تأثیر را بر رویم گذارده پدرم بود. انسانی قاضل، وارسته، آزاپخواه، زحمتکش و به دور از دنیا، چالپوسان و فرصت طلبی که به دنبال دریافت دکتر از دانشگاه تهران بودند که حتی به آنان هم برای رسیدن به هدفشان کمک می کرد.

از میان دبیران از خانم دکتر الفحیحی، از خانم دکتر اعصاب و البته استاد نظام وفا بیشترین ها را یاد کردم و همیشه و هم‌ا زمان آنان همیشه استاد نظام وفا درستان و گنستان سعدی را با دفتر حیرت‌انگیز به مادر می داد. خانم دکتر اعصاب که خود فرای تحصیل دانشگاه آکسفورد انگلیسی بودند، پایه گذار تدریس زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم در ایران بودند و خانم دکتر الفحیحی مدرس درخ و جغرافیا را چنان شیرین تدریس می کردند که شاگردان بدون کسالت به کلاس های ایشان قدم می گذارند. به وبالبال به عنوان دانش آموز از کلاس هفتم علاقه مند شدم و تا کلاس دوازده می ورش را به صورت جدی دنبال کردم و هنوز هم از نتایجی مسابقات و لیالال لذت می برم.

از کلاس سوم ابتدایی به بعد سعی می‌کردم کم و بیش روزانه‌ها را بخوانم و برخی از کتابی را که نمی‌دانستم یاد می‌کردم یا مردم می‌توانند آن کتابی که برای خواندن آنها یاد می‌کردم مدرسه ما مانگین مدارس شرقی را زده‌همه مردمسین دبیریار کم و حتی کمتر از پزشکان بود و بعد هم دفتر استاد رسمی بود که آن دو کلمه را نمی‌دانستم که باید با هم بخوانم و بلاخره از پدر پرسیدم.

در حال از کلاس سوم به چهارم که رسیدم بگزاره احساس کردم می‌توانم بخوانم. کتاب‌های خانه‌داری

ریشه ها

www. Write101. com

شخصیت پردازی در آثار موفق

همان‌طوری که می‌دانید به‌طور کلی تعداد داستان‌هایی که بر پایه طرحی شده و تصافی دل‌نگین و خوشحال کننده نگاشته شده بسیار کمتر از آنهایی است که به بیان شخصیات، ناغموری‌ها، حوادث و رویدادهای ناگوار زندگی می‌پردازند. پس چگونه شخصیت‌هایی که توسط همین حوادث ناگوار و ناخوشایلی می‌گردند قادر خوانند بود که به خلق یک اثر کم‌زنی درام، رمانتیک، اسرارآمیز و یا واقع انگیزه تا آن گروه بپردازند؟
حلقه آنکه اغلب بدون وجود همین تناقضات مذکور یک داستان هیچ حرفی برای گفتن نخواهد داشت. چراکه این موارد توسط هیجان و به اصطلاح شوخی که به مخاطب وارد می‌شود، بسبب پیشتر قضا خواهد شد.

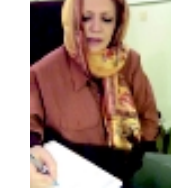
در اینجا به بررسی نمونه‌ای از انواع تناقضات می‌پردازیم:

۱) رویدادهای ناگوار فیزیکی (لبه) که برای نمونه می‌توان مرگ، آوارگی آسیب‌ها و

شکست‌های جسمی، بیماری‌ها و… را نام برد چنین رویدادهایی عموماً در شرایط معیاری با آنچه که خواننده انتظار دارده واقع می‌شوند. مانند مرگ یک نفر از خوشبختان یا از بدبختان بسیار نزدیک فهومان قضا که هرگز تصویر نمی‌رسد و رفت چنین حادثه‌ای به واقع بسببند لیکن مغلوبه هم‌گانه‌ی یک تصویر ترین مژدی است که در شرایط خاص همواره به کار نویسنده می‌آید. تا تاریخ به کارگیری آن به ابتدایی ترین و ذهنی ترین داستان‌هایی که تاکنون تألیف شده‌اند، بازمی‌گردد، برای نمونه می‌توان افسانه گیل گمش و «پلداد» را نام برد که استفاده از چنین تکنیک‌هایی برای به هیجان آوردن مخاطب در آنها به وضوح دیده می‌شود.۲) جابه‌جایی (جانشین‌سازی) یکی دیگر از تناقضات عمومی که شخصیت داستان با آن روبه‌رو می‌شود، جابه‌جایی مکانی وی در طول داستان است. این مسأله زمانی روی می‌دهد که فهومان با هدفمانان قضا وارد محیط و شرایطی می‌شوند که در آن احساس ناخوشی کرده و در فضای جدید و طریقی قرار می‌گیرند. برای نمونه می‌توان به داستان «تألیف ژورنالیسم» علیه‌الشره کرد.

۳) امیال و آرزوها هر شخصیتی همواره یک سیری از خواهش‌ها و امیالاجابت غیر قابل اجابت را داراست که این آرزوها کاهی توسط وی بیان می‌شوند و کاهی حیر، به عنوان مثال در نمونه‌ای از این سنه مکتوبات دیده می‌شود که بیشتر شخصیت‌های قضا در جهت برآورده ساختن همین امیال و آرزوهای مایوسی خویش از بین می‌روند و این

یکباره احساس کردم می توانم کتاب بخوانم



نورالهدی منگه و سیمه رحمان‌های خواندنش آگسار دوام، البته با ترجمه مرحوم قاجار و کم‌کم کتب سنگین تر و غیردست‌یافتی به خواندن نشأت و هفته‌نامه‌ها موجب علاقه مند بودم ولی ارضای من نبودم. در روزنامه پند ترجمه جنگ نفت در خورانیو را خواندم که به صورت پاروکی چاپ می‌شد و ژانری بسیاری بر من گذارده. آیاقت این قدر اهمیت دارد که مثنی را برای سیمایی به منابع آن به بند کشند؟ خواندن کتاب «جنگ نفت در خورانیو» اولین تجربه را در مغز من راجع به «سیاست» روشن ساخت و

شاید برای من به منزله بنیادری سیاسی بود. خانه شامی بود و از کودکی با بهیبه‌های سیاسی مشهور آن دوران آشنا شدم. مرحوم علی‌اشرف حکمت، مه‌ران، مرحوم دکتر صلیبی، حسین مکی و بعد روزنامه پند که می‌نرم تعداد بیشتری از سبایسوز روز می‌دیدم. از روزگار غنه معاذرین، فرهنگیان، دانشگاهیان و یالخره روزنامه‌نگاران همه از علی‌هاشمی‌ها تیر درخواستی داشتند. جو در یکی و مورد به یادندام که او از دیگران خرداستی‌کنند.

دانش آموز سال‌های دور این هفته ما
عرصه روزنامه‌نگاری است که
چندین کتاب هم در حوزه‌های
مختلف این دانش و نیز
جامعه‌شناسی سیاسی ترجمه کرده
است.

برخلاف شماره‌های گذشته، خانم جیاری متن سوالات را گرفتند و خود بر روی دوران دانش‌آموزیمان شدند.

یاد باید در کلاس نهم درس می‌خواندم و پس از غارت روزنامه طالع توسط شعبان معجری معروف به بی‌مع، قدری برای روزنامه در خیابان آستان‌گشودند. یک روز بعد از مدرسه به روزنامه پند رفتم تا شب پدرم به منزل برویم. در آنجا بود که پدرم بکسری از کتاب‌های بنگاه ترجمه و نشر کتاب را نشانم دادند که به رسم هدیه برای ایشان فرستاده بودند. از آن میان «جمهوری افلاطون» با ترجمه مرحوم فردا و روحانی که اخیراً در لندن را گذشت و تها ایرانی که جرات ترجمه «جمهوری افلاطون» را به خود داده بود، وجود داشتند. مر سخته از کتاب برایم همچون دانه به جهان دیگر بود که گذشته می‌شد. در همان زمان با خود عهد کردم تا زوری من راجع به فلسفه یونان و روان‌شناسی، «جمهوری باجهوریت افلاطون» به رنگی روح و روان‌مراقبت ساختن و چون مرحوم روحانی راجع به لفظ «زیباییک» به توضیحاتی در آثار کتاب داده، بر آن شدم تا با خانم دکتر اعصاب راجع و بلاه زیباییک» صحبت کنم. هدف اصلی کتاب بحث بر سر مذهب فاضله است. ساعت‌ها با پدرم که علاقه مند به فلسفه بود رفتم به این موضوع بحث کردیم و بهجوریت افلاطون در قلب منابع اطلاعاتی بسیار معتبر بود. پدرم پیشنهاد کردند که فقط دوری «صحنه» از کتاب افلاطون را ترجمان و وبقه داستانی را که اختصاصی به خواندن می‌تواند ترجمه داستانهای ادبی و ادبیات کلاسیک بچشم بچند.

کلمه خود تپ و با لقب هیرت بچرا سوامه، همراه با سپهرهای روزهای سیاهوستان در آمریکا کلمه به در می‌آمد و همین موجب شد تا در دوران تحصیل در آمریکا را به کلاسی که در آنجا فراهم بود، در پیش‌های شبشاری برده زندگی سیاهوستان آمریکایی انجام دهم. تاریخ آمریکا را به نقد خواندم و تخت تأثیر انقلاب آمریکا اثر کردیم. به نظر رسید آمریکا سرزمین آزادی است. ضمناً مطالعه آثار تفسیری و تارخ مهم درباره مطالعه من بوده به زبان انگلیسی سخت علاقه داشتم و هنوز هم تارخ و علم و فنر کشور هم

می‌گردد، بلکه کتب بسیاری در اختیارم قرار می‌داند که با کتاب درسی‌مان یعنی «انشتیله» که همان (Essence)است متفاوت بود. خانم دکتر اعصاب از هم می‌توانم یکی از شخصیت‌هایی بدانم که بر روی کار و درس و طرز آموختن زبان انگلیسی به من نقطه عطفی بودند.

کتاب‌ها پس از اتمام کارهای مدرسه فقط کتاب می‌خواندم و اغلب از خورند شام سر می‌زدم تا آنکه شبی پدرم رسماً از من خواستند که حاضر می‌شدم مژدم حاضر شوم.

رساله آزادی جهان استوارت مل، اوخامده، جوادشبح اسلامی آن را ترجمه کرده بود. دبیرستان پدرم و ولی خود پارلی داد. فلسفه مبل، ادرک نمی‌کردم و نیاز هم پدرم را با داد. مکالمات کفوسیبسی با ترجمه کافزاد و آشتیشر و بالاخره به «روسو» کفوسیبسی و متفکران گذنک این کتاب‌ها را می‌خواندم و دور و بر اقلیم به غیر از کتابخانه و چنگ خودم بر از کتاب بود. آدم می‌توانم بی‌مژدم روایت و پاشن بزار. کلیه آثار عشق را خواندم. آثار تری دارد سبب سبب و بسیار منقارت با دیگر نویسندگان مثنی حافظ، سوری در دیوان شمس، جاقفی شامی در آشتیشر، سیمه و هم‌ها اینها مطالعه مقرر کنسوز آثار سیدعسیمی دکتر شعرازمه شفق، پرویز تاقی «خانقاری»، دهره اخقاری، حمده، مویس گشادنی، احمد آرا، دکتر علی‌اشرف سیاسی و بسیاری دیگر را هم می‌خواندم. اولین بار با نامه‌های استامبوری و علامعلی حدادعلی در کتاب فیحیجان است که به آن اشتهاد دکتر مجوده‌علی از مقالات فیحیجان است که در مقدمه دکتر سیدجعفر شهیدی و محمدرضا حکیمی در سال ۱۳۵۲ در ۲۰۰۰ هزار نسخه توسط شرکت سهامی انتشار و چاپ اقتست منتشر شد. تاریخ بیغی را در پایه خودنر، ترشیغی قابل توجه است.

خلاصه زمان گرفتن دیلم از دبیرستان فارسیه و ما هم دیلمه شدیم.

کتابخانه شماره ۱۶۸، نشینیه ۱ اسفند ۱۳۸۲ ۱۳

یادداشت

سازمان اقتصادی

دو عالم:

سینما و داستان



تصویر در آید. این یک تصویر کَشته‌ای از آفتابنی سینمای است که معمولاً هم نتیجهٔ خبری می‌دهد.عالم سینما یا عَلم داستان، سیار متفاوت است.

این هنر سادسی حق دارد از فیلم گاوخونی‌سانحه بهروز اَخمی دفاع وفاداری کارگردان را به متن اصلی تأیید کند. زیرا که نود و پنج صحنه کتاب، بدون جابه‌جایی حتی یک هوا برای نشانگر فراتم می‌شود. این برای نویسنده اثر معقول است اما برای مخاطبان نه‌وقت دربارهٔ فیلم داستانی صحبت می‌کنیم، آنهاست. این تعریف کلاسیکی است برای هر نوع فیلم داستانی در هر ژانری و در هر زمانی. گاوخونی فراتر است. فیلمی داستانی باشد. نشانگر اَظفار کشش و واکنش بازیگران را دارد. به تعریف (روایت) امجازاً و زبان بازیگر (زبانی که تا آن‌هایی فیلم حتی چهره‌اش را نمی‌بیند و معهود است) پیش از یک ساعت و چرخ‌های لالایی‌وار او گوش کنید. بدون اینکه تصویری داستانی مربوط به آنچه می‌شود ببینید. این موضوع خصوصاً برای آن‌ها که خود کتاب را خوانده‌اند و منتقدند که باید شدت تصویری است و هم‌زمان با خواندن آن، جزوه جزوه صحنه‌ها در ذهن شکل می‌دهد. کسی نراحت نشده است.

برای شرح بیشتر این نکته فیلم هامون (داریوش مهرجویی) را یادآوری می‌کنم. فیلمی است که همانند گاوخونی همواره در گذر میان حال و گذشته و واقعیت و روایت، در سکانس ابتدایی فیلم هامون، خوابی که سیدهامون (احمدحسین‌پاشا) آبکش گذشته دیده است از زبان او، هم شنیده و هم تصاویر آن دیده می‌شود. امسلاً مهرجویی در این فیلم علاوه بر تریبون تصاویر مازوسا را به بلندبند نشان می‌دهد. برای همین مخاطب از نشانهای فیلم هامون لذت می‌برد. داستان با آن هم‌راه می‌شود و شک ندارد فیلمی داستانی دیده است. این دقیقاً برعکس آن رویه‌ای است که اَخمی در گاوخونی پیش گرفته.

داستان گاوخونی نیز با خوابی که شخصیت اصلی (پهروم ارادان) دیده است، آغاز می‌شود. اما این بار به جای به تصویر کشیدن خواب و دیدن داستان، خیابان‌های امسلفان و رودخانه زاینده‌رود روی پرده سینما نقش می‌بندد. در گذر میان حال و گذشته، نیز مهرجویی از تلاش یک که روشی معمول برای نمایش گذشته است، استفاده کرده اما در فیلم اَخمی استفاده از تلاش یک بسیار آشفته است.

فراوانی بودمانند فیلم هامون، خواب را تصویر کند. دیگر سبک او با سبک مهرجویی و دیدگاهش با دیدگاه او تفاوتی نداشت. که اگر این کار را می‌کرد شاید همین تبدیل هم به او رده می‌شد. پس اَخمی فرد معمول برای ساخت اینگونه فیلم‌ها را شکسته و کار خودش را کرده است. او آنچه در ذهن داشته تصویر کرده است. اما ذهنیت اَخمی برای کارگردانی فیلم، از نظر من بیننده جذاب و دلنشین نیست. نکته هم در اینجاست که چطور فیلمی مثل هامون که از روش‌های معمول برای نمایش داستان استفاده کرده آشفته‌جذاب به نظر می‌رسد و گاوخونی که روی کرده فرمی جدید را به مخاطب عرضه کند، دلنشین نیست. شاید به این دلیل که از این شیوه در فیلم‌های ایرانی کمتر استفاده می‌شود، برای ذهن و چشم تماشاگر ناآشناست و شاید اَخمی که اولین تجربه‌ها را در این زمینه طی می‌کند، چندان بخته، کار نکند است. به هر حال هر دو ممکن وجود دارد. ضمن اینکه نباید فراموش کرد از این شیوه جدید برای فیلم داستانی، تعریف کلاسیک اینگونه فیلم‌ها را می‌شنکند و صد در صد شیوه‌ای معمول در سینمای مستند است.

با این حساب واصله دیگری به اَخمی می‌چسبد که همان برقراری رابطه و ایجاد پلی میان فیلم مستند و داستانی است. داستان اینکه اَخمی با قصد و نیت سعی در برقراری این پلی کرده است یا نه، موقوف می‌شود به صحبت از خود او دربارهٔ این موضوع. از این نظر دیگر نمی‌توان گاوخونی را فیلم داستانی صرف دانست و اَخمی را مهمان به روایت اصول ثابت فیلم داستانی کرد. چندی پیش (نوردهنده‌ام) سینما گفت‌وگو با برنامه‌ای با عنوان چشم انداز سینمای مستند فرانسه برگزار شد که از مارگریت دوراس، نویسنده نام‌آشنا فرانسوی در ایران نیز فیلمی مستند به نمایش در آمد.

با نشانهای فیلم گاوخونی یاد فیلم دوراس افتادم. این دو فیلم (یکی داستانی دیگری مستند) شدت شبیه یکدیگر دارند. دوربین در فیلم دوراس روی روزه‌خانه شهری می‌گردد و تصاویری که در لحظه ایجاد می‌شود ثابت می‌کند. تریشبی نیز روی این تصاویر گذاشته شده اما از آنجا که فیلم به زبان فرانسه است، چنان چه به این زبان تسلط نداشته باشی، حتی یک کلمه از فیلم را هم نمی‌فهمی. امیدوارم این اتفاق برای فیلم گاوخونی که در بخش بی‌سابقه جشنواره فجر ۱۳۸۲ روایت و نشانگرانی که زبان فارسی آشنایی دارد، بدین‌تنه تبدیل‌شود. آیا فیلم هم مثل یک کلمه از فیلم را نخواهد فهمید. این دو فیلمی که براساس یکی از مؤلفه‌ترین کتاب‌های ایرانی ساخته شده و جمله به جمله دو پنج صفحه کتاب در ذهن علاقه‌مندان به آن ثبت شده است.

زبون و زوا
نازنین جهرمی

رمز آلود، مثل سرزمین هند

درباره سینمای هند منتشر شده که تألیف همکاران آفتابی بیژن اشتری است. نقدقبضوت دربارهٔ آن کتاب را اندام ام‌به‌نظم بیشتر شبیه سالن‌شمار سینمای هنداست. مثلاً سال نولید هر فیلم را نوشته است و شبیه تحلیلی ندارد. یعنی مسائل مختلفی از جمله قومیت، مذهب، زن و… در هر دو بعد سینمای فرایگر و هنری بررسی نشده است. البته این مشکل فقط مربوط به سینمای هند نیست. این مشکل کلاً در بخش ترجمه کتاب‌های سینمای ایران وجود دارد.د شاید دلیل دیگری که دروسان دربارهٔ سینمای هند دست به تألیف و ترجمه نوده‌اند، به خاطر تعریف آن در ایران است.

شاید تصور کرده باشند فیلم‌هایی مثل سطنحی و غیر روشنفکر آه است. اما من قضیه امسلاً از این زاویه نگاه نکردم. بعد از مطالعه کتاب احساس کردم سینمای هند تاوجمرانه این لقب را گرفته است. اماکنه جالب اینجاست که تشریبات و خصوصاً مقالات تخصصی سینما، کم به سینمای هند می‌پردازند.

بله. این تالیفاتی است که من را هم متعجب می‌کند. مثلاً ماهنامه سینمایی فیلم که یکی از مجلات معتبر است، هر شماره درباره سینمای هند مطلب دارد و همین‌طور مجلات دیگر. این تالیفاتی است که نمی‌توانم چطور می‌شود آن را توضیح داد و نکته جالبی است. من هم شنیده‌ام که علاقه‌مندان به سینمای هند، من مسأله آن را بیشتر از طریق نشريات بی‌گدی می‌کنند. این کتاب همین جابه‌جابه اشاره کنم که مخاطبان این کتاب طیف علاقه‌مندان جدی کتاب‌های سینمایی است تا بتوانند توضیح صحیح‌تری دربارهٔ فیلم‌های هندی به دست آورند.

بله. این رسد سینمای هند هم مثل آن سرزمین روزافزود است.

بله. قیقا همون طوری است و من امیدوارم خون‌انده، کتاب را رمزآلود نیابند. چون من سعی کردم توضیح ساده و روانی ارائه دهم و منتظر اظهار نظر منتقدان ادبی هستم.

کیااوس زیاری، نویسنده و منتقد سینمایی، چندی پیش کتابی را با عنوان سینمای فرایگر هنده ترجمه و منتشر کرده است. همان‌طور که از نام کتاب برمی‌آید، دربارهٔ سینمای هند و مسائل آن تألیف شده است و زیاری سعی کرده ترجمه روانی را به مخاطبان ارائه دهد. به همین بهانه با او به گفت‌وگو نشستیم.



در سینمای هند دنیا چه مانند

سینمایهای دیگر دنیا دو نوع فیلم وجود دارد

مشکلات مردم به صورت رئالیستی بررسی عمیق می‌شود و این فیلم مابین طیف روشنفکر و در جستجوها هر طرفه‌افران زیادی دارد. اما در کشور خوششان فروش چندانی ندارند. (ما در ایران هم چنین تقسیم‌بندی را داریم، به غیر از استثنای فیلم ملین قلیم‌سنگ‌کشی استادیسیالی که پر فروش‌ترین فیلم سال سینمای ایران شد.) این کتاب هر دو نوع سینما را بررسی کرده است و نویسنده‌گان سعی کرده‌اند با نگامی واقع‌گرا و بی‌طرفی از این سینما اشاره شده است که چندان هم برای مخاطبان معمول آشنا نیست. قیقا…من به عنوان یک علاقه‌مند به سینما و کسی که مترجم متون سینمایی است، به حد توان فیلم‌های کشورهای مختلف را می‌بینم. تعریفی که از سینمای هند میان‌عامه وجود دارد، مربوط به فیلم‌های میندل و بی‌ارزش است. اما آنجا که حافظه من یاری می‌کند فقط یک کتاب

یادداشت

اثرامه القیدی

تسوچی و هزار و یک شب

هزار و یک شب نخستین اثر ترجمه‌شده فارسی در ایران در اواخر قرن نوزدهم است که تاریخ ترجمه به معنای مدرن، با آن آغاز می‌شود. تسوچی ترجمه آلف لیله و لیله وارد سال ۱۲۷۰شمسی (حدود۱۸۷۲ م) آغاز کرد و سه سال بعد،عزیز نخستین کتاب‌های چاپی فارسی در طبعه‌ای در تبریز چاپ سنگی شد. سپس حسین علی خان معیرالممالک به فرمان ناصرالدین شاه آقا میرزا محمدحسین وزیر رامانور نوشتن (کتابت) هزار و یک‌شب کرد و ابراهیم‌الحسن قناری (صنع الملک) آن را تالیف و تذهیب‌بندی آن را تاجبیح کرد.

هزار و یک شب به ترجمه تسوچی را در حقیقت باید تلاطم یک نهفت ادبی در فرهنگ ایرانی و هم ظهور زبانی نو در تاریخ نثر فارسی شمرد. زیرا این اثر از یک سو ترجمه کتابی نیمه کلاسیک بود که در جهان نام و آوازه‌ای روزافزون یافته بود و فرهیجانگاران ایرانی پیش از آن، آن را نمی‌شناختند و از سوی دیگر هزار و یک‌شب ویژگی‌های یک اثر کلاسیک را داشتند زیرا با معیارهای آشنای آثار کلاسیک ادبی متنور ایرانی از قبیل تاریخ بیخعی، گلستان و…بیگانه بود. این کتاب، آذرنامه، زبان و سبک و سیاقی کاملاً متفاوت از آثار ادبی مثلاً جوامع الحکایات عوفی دارد و داستان‌های آن ضمن اسفندار، در پیوستار یا چارچوبی قرار گرفته‌اند که یک راوی (شهرزاد) آن را احکایت می‌کند و همین داستان اصلی است که

هند اشاره می‌کند و حتی حادثه‌ای را که من از آن به‌عنوان سینمای فرایگر یاد کرده‌ام، قبل بحث و بررسی می‌داند. چون در سینمای هند هم مانند سینمایهای دیگر ریشه‌ادبی و فیلم وجود دارد. یکی فیلم‌های عامه‌پسندی است که برای سرگرمی ساخته می‌شوند و در جدول فروش هنفکی هم جزو فیلم‌های پر فروش هستند. در ع دیگر، امسلاً فیلم‌های تریته، روشنفکرانه و جشنواره‌ای است. در این نوع فیلم‌ها، مسائل و

^[1]

نگار پدرام



شکوه قاسمی‌نا متولد ۱۳۳۴ در تهران است. وی در سال ۵۸ پس از تأسیس یک مهد کودک با به عرصه ادبیات کودک و نوجوان گذاشت. قاسمی‌نا از سال ۱۳۶۰ فعالیت در نشریه کیهان بچه‌ها را آغاز کرد. اولین کتاب این نویسنده با عنوان «روپوه مرغ ندیده» در سال ۱۳۶۲ توسط ناهد هنر و ادبیات منتشر شد. قاسمی‌نا اسامی برای نگارش کتاب «هلی سلفی در سرزمین غول‌ها» جایزه سال بخش داستانی ادبیات کودک و نوجوان را از آن خود کرد. وی پیش از این نیز برای کتاب «گلنگ بچه مهربان است» به طور مشترک و همراه با کتاب «سیرت فراتر» نوشته فریا کایهر جایزه کتاب سال را به دست آورده بود. با وی گفت‌وگو کردیم که می‌خوانید.

موضوع کتاب «هلی سلفی در سرزمین غول‌ها چیست؟

این کتاب درباره دختر ریزشکی به نام هلی است. هلی همراه خاله پیرش که خاله واقعی او نیست، زندگی می‌کند. این خاله موجود خیال‌پردازی است. هلی تحت تأثیر تخیل خاله، خیالیاتی می‌کند. در مجموعه فضایی داستان فانتزی «تخیلی است و واقعیت و رویاها به هم گره می‌خورند. در واقع هلی کودکی‌اش را با تخیلات پیرزن تجربه می‌کند. این کتاب برای کدام گروه سنی نوشته شده است؟ من این کتاب را برای گروه سنی «ب» نوشتم. ولی نثر خاص کتاب و حجم زیاد داستان، خواندن آن را برای این گروه سنی آید.مجموعات ساده و کوتاه و صریح باشد. اما در این کتاب من نثر گفتاری و نوشتاری را با هم به کار برده‌ام. در مقدمه کتاب هم توضیح دادم که ممکن است خوانند کتاب برای بچه‌های گروه سنی «ب» در ابتدا سخت باشد، اما من از روی عهد این نثر می‌نویسم. این کتاب در طرفی جنبه زیادی که دارد(محدود ۱۰صفحه)، برای بچه‌های گروه سنی «ج» نیز مناسب است.

بیان

سیدابوالحسن علوی رضوی (سینا علوی)، آبان سال ۱۳۳۳ در مشهد متولد شد. وی در نوجوانی با نام مستعار ابرج مردانج شعر و مطالب ادبی و مقالات اجتماعی می‌نوشت. در سال ۵۵ هجری قمری و در رشته علوم سیاسی به تحصیل پرداخت. وی پس از انقلاب به ایران بازگشت و در سال ۵۷ هجری قمری شهید جواد سرفراز از تنم‌ان اسلامی دانشجوین شه‌قادر هند را تأسیس کرد.

از فعالیت‌های علوی می‌توان به اجرای تئاتر دانشجویی، نگارش چند فیلم‌نامه و چند مقاله سینمایی اشاره کرد. این نویسنده همچنین دستاثر امیر قویلد در فیلم گالا و مشاور احمد رضا درویش برای فیلم کیمیا بود.

علوی همچنین چند مجموعه شعر در کارنامه خود دارد که عبارتند از: اما را بر صلیب رنج خویش، مسک‌ها و آدم‌ها، موربانه ترس،، روز خشم، «تشیخ با هستی» و «بیا به پای پیامبر» (که چاپ نشده است).

اسامی کتاب دروز خشم و وی در حوزه ادبیات کودکان و نوجوانان، برنده جایزه کتاب سال شد. این نویسنده و شاعر از دیدبشت اسامی پس از یک کتاب به دلیل حجم زیاد نوشت. سبک سلیت مهر

به نظر شما کتاب «هلی سلفی در سرزمین غول‌ها» چه ویژگی‌هایی داشت که به عنوان کتاب سال انتخاب شد؟ فکر می‌کنم تخیلی بودن کار و فضاسازی‌های ماجراجویانه یکی از ویژگی‌های این کتاب بود که مورد توجه داروان قرار گرفت. از طرفی حجم زیاد کتاب نیز می‌تواند یکی از دلایل انتخاب آن به عنوان کتاب سال باشد. البته تمام این‌ها به سلیقهٔ داروان برمی‌گردد.

اما من اگر قرار بود نظر کارشناسی دربارهٔ این



کتاب بدهم. به این مسائل توجه می‌کردم. یعنی به نظر شما حجم زیاد کتاب یکی از ویژگی‌های آن محسوب می‌شود؟

من وقتی داستان پینوکیو را خواندم، به این سאלه فکر کردم که یک داستان بلند برای کودکان نویسم. البته ادعا ندارم که کتاب من مانند داستان پینوکیو جذاب است. ولی به هر حال دوست داشتم چنین داستانی بنویسم.

مظنوم از بلند بودن این داستان، نبودن کتاب در زمینه تألیف داستان برای کودکان است. ما در تألیف داستان برای بچه‌ها زمان یا داستان بلند تقریباً نداریم. همچنین من در این کتاب نثر گفتاری و نوشتاری را تلفیق کردم ولی سعی کردم ویژگی یک کار ادبی ازین نثرود. چون بچه‌ها نثر گفتاری یا همان شیرداری را بیشتر می‌پسندند. به این دلیل که به زبان محاوره نزدیک است. نظر شما دربارهٔ دآوری کتاب سال چیست؟

گفت وگو با شکوه قاسم نیا، نویسنده و شاعر

تلفیق نثر گفتاری و شنیداری

طبیعی است که به نظر من خوب است. ولی فکر می‌کنم، دآوری کتاب‌های خردسالان، کودکان و نوجوانان، از یکدیگر جدا شود. چون معیارهایی که برای یک گروه ارزشمند است، شاید برای گروه دیگر ناکافی ارزش باشد. یعنی ممکن است آنچه که برای کتاب خردسالان، امتیاز محسوب می‌شود، برای نوجوانان ویژگی مثبت تلقی نشود. و به همین دلیل، کتاب‌های خردسالان، با توجه به تعداد زیاد کتاب‌های خردسالان، کودکان و نوجوانان، فکر نمی‌کنم، تفکیک این سه گروه دآوری از یکدیگر، مانعی داشته باشد.

لطفا دربارهٔ کتاب‌هایی که در دست‌نگارش یا زیر چاپ

دارید توضیح دهید.

کتاب‌های زیادی در دست‌دارم که هیچ‌کدام را به پایان نرسانده‌ام. دو رمان کوتاه، به نام‌های «اماسی خنده خریده» و «بستنی جادویی» برای کودکان می‌نویسم. یک رمان هم برای نوجوانان نوشته‌ام که هنوز اسم ندارد.

مجموعه شعری برای خردسالان دارم که قرار است بزودی برای چاپ آماده شود. اولین جلد این مجموعه «موش کوچولو شام» نام دارد. اما شاید اسم آن تغییر کند. این کتاب در نشر کتاب‌های فرغانی منتشر می‌شود.

زندگی‌نامه امام رضا(ع) را در نشر مدرسه و مجموعه قصه‌های کوچک برای بچه‌های کوچک، را در نشر فدایی، زیر چاپ دارم.

از طرفی در مراسم امامی جایزه کتاب سال، از چهره آقای خاتمی برای نگارش یک رمان کودکانه تأثیر گرفتم. نام این کتاب احتمالاً «چشم، رئیس جمهوری» خواهد بود. و دربارهٔ کودکی از دست رفته آقای خاتمی به دور از حال و هوای سیاسی این شخصیت است.

همانطور که می‌دانید، حدود ۴۰۰ ترانه نیز سروده‌ام که بیشتر آنها به شکل بارش متشخص است. تصمیم دارم این ترانه‌ها را در یک کتاب گردآوری کنم.

یکی از همین روزها

مؤسسه انتشارات قدیباتی کتاب‌های زیر را منتشر می‌کند:

«چین باستان»، «یونان باستان»، «شهرهای مدفون شده»، «از پرچم تا فرش» و «دیشمی»، از مجموعه کتاب‌های علمی - آموزشی اجرا و چگونه «امن و باایام»، «امن و مامانم»، نویسنده و تصویرگر: استوارت همبل، مترجم: شهرام رجب‌زاده
«چشم جهانی در جادوی»؛ نویسنده: داوود امیریان
«کار و کسب کتاب»؛ نویسنده: جیسن اسپتاین، مترجم: نازنین قائم‌مقام فرحانی
«طراح جلد: مهنوش مشیری

خبر

شباوین ناشر نمونه بولونیا

انتشارات شباوین جایزه افتخ‌های تازه نمایشگاه بولونیا را از آن خود کرد.

به گزارش سرواژان نمایشگاه، این جایزه به دلیل نقش استثنایی شباوین در نشر درسه فرهنگی کتاب‌های کودکان و نوجوانان در جهان، به این ناشر ابرنی اعطا شده است.نمایشگاه جهانی بولونیا یکی از مهم‌ترین و معتبرترین نمایشگاه‌های تصویرگری کتاب در جهان است. همچنین در کاتالگ تصویرگری بولونیا اسامی اثر یک هنرمند ابرانی دیده می‌شود. این کتاب «هیرین تر و عمل تام داره و طبلر گلگوزیان آن را تصویرگری کرده است. نویسنده کتاب دکتر فریده خضری و ناشر آن، شباوین است. گلگوزیان ماه گذشته نیز موفق به دریافت قلم زرین نمایشگاه تصویرگری بلگارد شده بود.

کتاب

من یادبادکم

من یادبادکم، هادی خورشاهیان، تصویرگر؛ یا جمیله برجسته، شباوین، آذر ۱۳۸۲، ۱۶ صفحه، ۵۰۰۰ریال
این کتاب داستان یادبادگی است که به مرور از یک برگ کاغذ به یک یادبادگ تبدیل می‌شود. راوی داستان خود یادبادگ است و با شخصیتی که در داستان حضور ندارد، سخن می‌گوید.

یک خبرخوش!

در بیست و یکمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران که در دهه فجر سال جاری برگزار شد، بخش کودک و نوجوان با غرور و افتخار یک پله بالاتر از سال‌های پیش ایستاد و باعث خشنودی اهالی این حوزه شد.

داششایی با صنعت چاپ، اسماعیل دمیرچی، «روز خشم» سینا علوی، «هلی سلفی در سرزمین غول‌ها»، شکوه قاسمی‌نا و «گره پشنتی ات کجاست؟» عرفان نظر آهاری، چهار کتابی بودند که در حوزه کودکان و نوجوانان موفق به دریافت جایزه شدند و این در حالی بود که علی‌رغم برگزاری چند جایزه در حوزه شعر و داستان بزرگسال، در جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، مکان و مرتبه‌ای اختصاص داده نشده بود.

کتاب و ادبیات کودک و نوجوان از نظر آماری نیز، پس از کتاب‌های دینی رتبه دوم را از نظر تعداد عناوین چاپ شده در طول سال به خود اختصاص داده است و این آمار کمی نشانگر فعالیت رو به رشد نویسندگان و ناشران این حوزه است.

از نظر کیفی نیز، با توجه به محدود بودن نشریات کودک و نوجوان و آثار می‌پردازند؛ که به طور جدی به نقد این گروه از آثار می‌پردازند؛ دریافت چهار جایزه ازین جوایز کتاب سال ۱۳۸۲، نشان می‌دهد که اگر دیگران ادبیات کودک و نوجوان را چندان جدی نمی‌گیرند، نویسندگان کودک و نوجوان خود، کار خود را بسیار جدی گرفته‌اند.

توجه موضوعی برگزیدگان این دوره که در حوزه کلیات، دین، نثر معاصر و شعر معاصر برگزیده شدند، دلیل دیگری است بر اینکه کتاب کودک و نوجوان حرکتی جدی و رو به جلو دارد و نه در حوزه‌ای خاص که در زمینه‌های مختلف تازه نفس و جدی جلو می‌رود.

کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲

کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲

کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲

داستان سیستان»؛ نویسنده: رضا امیرخانی، طراح جلد: حمید عجمی
«مجموعه سلفی‌ها»؛ جلدهای ۱ تا ۱۰؛ نویسنده: نرین گراس، مترجم: سترالیانی
«امن نیوادم»؛ بیضخیده، «باشه، الجاش می‌دم»؛ من چه، «من نویسنده»؛ پرایان موزس، مترجم: قاسم کریمی، تصویرگر: مایک گوردن

مجموعه ۶ جلدی «نخودی‌ها به نام‌های»؛ امن بلدم سلام کنم»؛ امن بلدم حجام کنم»؛ امن بلدم ساز بزنم»؛ امن بلدم رنگ بزنم»؛ امن بلدم لالا»؛ شاعر: شکوه قاسمی‌نا، بر اساس کتابی از آرا هونلز.



ندا عظیمی
ندا عظیمی کتاب فرشته‌ای متولد می‌شود می‌شود نوشته مرجان گلشوری آزاد را در دست تصویرگری دارد. این کتاب توسط نشر شباوین منتشر می‌شود.

وی همچنین کتاب «دو گیترو» را در دست تصویرسازی دارد. این کتاب را انتشارات مدرسه چاپ خواهد کرد.عظیمی کتابی به نام «پیشواش پریشانکاران» را برای نشر مدرسه تصویرسازی می‌کند. این کتاب داستان زندگی امام سجاده(ع) است.

آخرین کتاب عظیمی با نام «وجه من گوه» توسط نشر مدرسه منتشر شده که این کتاب را معصفتی رحماندوست نوشته است. این تصویرگری پیشی برای تصویرگری کتاب «درش کابول» یکی از جوایز پانچ بلگارد را از آن خود کرد.

کتاب سال ۱۳۸۲ شماره ۱۶، شنبه ۲۸ اسفند ۱۳۸۲ ۱۵

کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲

کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲

کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲

کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲

کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲

کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲

کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲

کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲

کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲

کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲

کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲

کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲

کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲

کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲

کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲

کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲



محمدعلی باقری

یک اتفاق، حادثه‌ای برای همیشه، غافلگیری یکبار، بارز نگردد. یک «رستخیز ناگهان». یک «حمت بی‌منتهی». خود

مولانا، حضرت جلال‌الدین طلیبده بود، می‌خواهم قبل و بعد سفر را بگذارم برای یک نوبت دیگر، در هشت روز یا دینی‌ها بسیار. اینها را بعداً می‌گویم. کی ده‌تج کرد و کی و کی رفتیم و کجا رفتیم و چه کردیم. اول، از سومین روز سفر می‌گویم. از قوتیه، فکرنمی‌کردم بعد از زیارت کعبه با آن عظمت جادوانه، یکبار زیارتی دیگر این همه تکان دهنده باشد. حضرت جلال‌الدین طلیبده بود، از میزبانانهم

که از نشانی‌ها و مهربانی‌هایشان در آینده خواهم گفت - خواسته بودم، که زیارت قوتیه را هم در سفر منظور کنم. من ۲۲ ساعت بعد از حضورم در تهران، پس از سفر حج، راهی ترکیه می‌شوم. تا آنجا می‌روم مولانا ششم، آقای خلیج منفر، ازین فرهنگ‌های ایران در آنکارا - مردی سرشار از مهربانی و شوق و شور و دوستی - ما نشینی فرستاده هتل، راهی قوتیه، ساعت ۷ صبح، من و دوست شاعر ناصر فیض، و دکتر سیمیلی قادری، استاد دانشگاه تربیت مدرس، و آرتینا همدانی، دانشجوی دوره دکتری و همکار دوستم اصغر محمدعزایی در شورای کنشرش زبان و ادبیات فارسی، و سلجوق، راننده ترک، که گاه تا سرعت دوست یکمتر در ساعت، در جاده می‌راند. و اعتراض ما که او را به آرام‌تر رفتن، دعوت می‌کردیم.

در فاصله حدوداً دو سبت و پنجاه کیلومتری بین آنکارا و قوتیه، به آنچه در طول این یکسال از محمدرضا عبدالملکیان و ساعد باقری و اسماعیل امینی، درباره

قوتیه شنیده بودم، فکر می‌کردم، و اینکه جنس تربت مولانا، از جنس دیگر است. از جنس توپ که قوت جان حضرتش بوده، من تو خرم که قوت جان جان حضرتش بودم. سراسر حافظ و سعدی و فردوسی را تجربه کرده بودم. و آرامگاه حکیم نظامی را در همین پنج ماه پیش، و فکر می‌کردم این هم چیزی است از همان جنس و نوع، حال و هوا، و ساعد باقری چند شب پیش از تهران، تلفظی گفته بود، سهیل اثرت مولانا، زوله در جانت پدید می‌آورد، سرسری نگیرش، مواظب باش!

و نفهیدم بودم که چه می‌گوید. در هوایی زمستانی و سرد که آفتاب و ابر و برقی ترمز می‌بام و تلاقی می‌کردند، رسیدیم به قوتیه، جذبه‌ای آنده بود و بر این دل سایه انداخته بود. دلشوره‌ای از پیدا - ناپیدایی ابر و مه، به حسرت و سکوت فرامی‌خواند. در خیابان‌های قوتیه که از سنن پره‌های در شور داشت، پله بودیم. و حیران و گنگ، و خاموش، که سلجوق جایی ایستاد، گفت: اینجا مزار شمس تبریزی است. دل‌نایم پیاده شوم. شروع کردم به نق زدن. که اول، مزار مولانا، و سلجوق بود که می‌خواست به زیارت ترکی چیزی نفهمم کند که شمس استاد مولانا بوده، و اینچور حرف‌های کلاس اولی، ناپدیدم. جمیع را هم مقاعد کردم که اول مولانا، و به طنز با دوستانم گفت، شمس هم در اینجا به دنبال مولانا آمده، پس ما هم…

از مائین که پیاده شدم، کبچ بودم، من می‌گویم و تو می‌شوی، بزرگ و لایوسف، سرمای هوا، کاریم نداشت. نفهیدم این سرمای گزنده را فقط دیدم که دکان‌ها و مغازه‌ها و در و دیوار شهر، همه نشانه‌ای از مولانا دارند. اصلاً شهر حضورش، به مولانا متصل بود. اگر مولانا نبود این شهر چه می‌کرده؟ اگر مولانا نبود این شهر کجا بود؟ اگر مولانا نبود، اصلاً این شهر بود؟

اما اینها نشانه‌ها نبودند. از ظاهر در دیوار و شبیه و نایل مغازه‌ها که عبور می‌کردی. مولانا را می‌دید. مولانا حضور داشت. این تجربه را فقط در قوتیه می‌توانی ادراک کنی. نه در شیراز، نه در توس،

نه در کنجه، نه در نیشابور، در قوتیه فقط. فکر نکن افراق می‌کنم. من گنگ خواب دیده و عالم تمام کر.

وضوئی گرفتم و رفتم. کجا؟ به حضور حضرت مولانا، نه. بعد حاضر بود، از همان ابتدا که وارد شهر شدم. مولانا حاضر بود، من می‌گویم، تو می‌شوی. مولانا، دست دل زارترش را می‌گرد و می‌بردش. چیزی که در جای دیگر، تجربه‌اش نکرده‌ای. وارد صحن تربت که شدم، فضای صحن و گنبد سبز مخروطی را اصلاً ندیدم. فقط دری را دیدم، که به تربت می‌رسید. و بر بالای این در، به خط نستعلیق دلبرانه‌ای نوشته بود:

کعبه العشق باشد این مقام

هر که ناقص آمد اینجا شد تمام و زیزش هم آمده بود، الحقر بسیاری زاده، مصطفی عزت نظر لها. ۱۳۳۳ [که البته این توضیح را چند ساعتی بعد دیدم و یادداشت کردم.]

وارد خرم که شدم، هر چه سبز بود، مرا کشید و با خود برد. آن هم با نوابی نابی زخمی، نی، ترکی، با صدایی متفاوت از صدایی نی هفت‌پندم. اما به همان اندازه، وحشی و زخمی و پدوی و رام نشدنی. در تاریک - روشن آن فضای که هر چیز و همه چیز در



ذهن من سبز بود، رقص جلو، اصلاً بی‌اراده، خود مولانا دست دلت را گرفته بود، حضور داشت. با تو بود، همانجا، پیدایی‌های ما را نادیده گرفته بود، آمده بود و بی‌رودت و راهبیت کند در دریای موج، سایه مه آلود بهت، بر شاهانه‌ها سنگینی می‌کرد. حیرتی تجربه نداشتی، و فتنم بی‌هوای اجتماع آن توربست‌ها و رهگذران و نظرگان، زانو زدم در برابر حضرتش، که ما زانو بودیم، پر توربست بودیم، با ناصر فیض دوتایی زانو زدم، و مانده بودیم که چه، آرتینا همدانی هم کمی آن سوئر ایستاده بود، بهت ما به انفجار رسید و یکباره بغضی وحشی شگفت، زمین زیر گریه و آواز، گفت که دیوانه‌اش نشی لایق این خانه نشی

رقم و دیوانه شدم، سلسله بندنده شدم و بعد از این غزل، غزل دیگر، و باز هم، و مثنوی،

و باز غزل، و بعد رباعی:

زاهد بودم ترانه گویم کردی

سر حلقه بزم و یاده گویم کردی سجاده نشین با وفاری بودم

باز بچه کودکان گویم کردی

و باز غزل، و باز مثنوی، و باز رباعی، ساعت چند است؟ چند ساعت گذشته که من و ناصر بی‌هوای هر کس و هر چیزی در سماع خوشیم، در باران و موج و راهیم، و این انبوه چشمهای ما نشان، نظرگان ما، از ما چه می‌گویند یا خود؟ و باز خواندیم:

عشق تو آورد قلمج، پر زبانی دل من گفتمت، می، می نخورم، گفت: برای دل من عشق چو خونخواره شود، رستم بیچاره شود

کوه احد پاره شود، وای چه جای دل من

سورتی شستم، و خودم را رها کردم در بعد از ظهر این صحن و سرای از جنس آسمان به یاد اضباب دکتر اسلامی ندرش بودم. که بیست سال پیش، شرح سفرش را به این سرزمین آسمانی خوانده بودم، و به یاد آوازی‌های سرشار از شوریدگی ساعد باقری عزیزم، که با رها از تجربه‌اش در این لحظات گفته بود، و من همینطور گوش داده بودم، و چیزی

زاهد بودم ترانه گویم کردی

نفهیدم بودم، و حالا، می‌فهمم که شرح و توضیح و حرف‌های من هم برای تو بیبوده است. من چه می‌گویم؟ و تو با این کلمات چه در می‌یابی؟ فقط آنکه بوده و دیده، می‌داند که متاع ما کجایی است. راستی، شهریار و نیما آمده‌اند به اینجا؟ اخوان و بهار چطور؟ زربین کوب و همایی و فرزانق؟ شفیع کدکنی و پورنامداریان و سایه و فیروز امین پور هم؟ اینجا کدام آمده‌اند؟ سپهری و فروغ چی؟ دلم می‌سوزد برای کسانی که هنوز به این صحن و سرا، شرف پیدا نکرده‌اند، و رشک می‌برم بر همه کسانی که پیش از من، این تربت را بو سیده‌اند. دوستان من کجا هستند؟

شبیستان مجاور را مرور می‌کردم، نقل است که محل عبادت حضرتش بوده و خاندان و اصحابش، همان‌ها که الان همچوار اویند، و در کنارش آرمیده‌اند. بر دیواره‌های شبیستان، به کتیبه‌ها چشم دوختم، زمین آب و خط طلائی، و امام نمانان شیمه زینت بخش، فضا، و منعلق به قضا قرن پیش؟ شما پیش از دوستی سال است، که فضا همینطور مانده، شاید بازسازی و ترمیمی، اما اصل، کهن تر از اینهاست، فضای حوزه‌ای روان‌های اطراف را هم دیدم. نسخه‌های خطی از دوره تیموریان به بعد، نمونه‌های نظامی، حقیقه سنایی، دیوان حافظ، حتی هفت اورنگ نظامی، همه به خط کتکسته و یا نستعلیق، و توضیحات حاشیه نسخه خطی، به خط لایینی - ترکی، و سخت نجیب و در تضادی مشخص.

هر چیزی در فضا، طرحی از سماع دارد. گاه طبیعی، مثل هندسه خرم، و مقبره، و حتی سایه - روشن فضا، و گاه قدری غیرطبیعی، ما نشاء، موهنم که موزه‌ای به آنها پرداخته شده، و این هم نجیب که می‌فهمی، این اعتراض‌ها چقدر فاصله دارند با آن «جوهره ناب، یعنی گاه ادا و اطواری است و توربست‌پسند، و این وصله شده به حال و هوا و فضای شگفت حیرم جلال‌الدین، اما خود مزارها و مقبره‌ها، تجسم بیپوشی بعد از سماعند، و همه مدهوشان دور هم، جمعی سرخوشان که قرن‌هاست دست در دست هم، پله شده‌اند در لاینتاشی، اجتماعی از شوریدگان سماعی که از اول تا اید ندادم داشته. پس غذای عاشقان آمد سماع

کاندلر او باشد خیال اجتماع

بارها، به دوستان و عزیزانم گفته بودم، هر مسلمانی که از تو حد می‌میزد، اگر از تو فزید در یک کنار کعبه نفس زده باشد، زیان کرده، دلم برایش می‌سوزد... اگر چه مستغرق بحر وحدت باشد، باید در ریختمند باشد که از تجربه تو حوید، در مسجدالحرام و لحظه‌های طواف کعبه، بی‌نصب مانده...

و حالا می‌گویم، هر که به شعر می‌اندیشد، هر که شعر می‌گوید، «هر آنکه فارسی شناسد و بهای او، هر که به فارسی تکلم می‌کند و با این زبان کعبه عشق را تجربه کرده، اگر گوئی مولوی را ندیده، زیان کرده، مگر می‌شود فارسی آدرس شبانه و آورد مسرجه‌ها، تو باشد، و از تجربه نفس زدن در تربت عارف رومی، بی‌پهره باشی؟ این زیان است و القوس، درخ است و اندوه.

راحت بگیریم، من از روزی که به زیارت تربت ملای روم، مشرف شدم، شعر، حضور، نور و زیان فارسی و آنچه شعر فارسی است برایم معنای دیگری پیدا کرده، حالا می‌فهمم که چرا هم او، از زبان خودش، از زیان انسان کامل، از زیان اخویش، «مارا دعوت کرده و فرخوانده که

نگفتمت مرو آنجا، که آشنات من!

با علی

ما را دریابید



محمدعلی باقری

روزهای پایانی سال است و همه دست بگیر دارنده و باید دوست به صبح شده و شور و سات نشد، بعد را فراموش آورد تا لایم عذبه کم باشد.

عبارات تقدی و روشی و د مورد شکل با چندان صدقایی ندارد و برای آماده سازی کاتبه ای صیغه و عقدی، همه چیز دست به هدای از ابتدا تا انتهای کار است. کافه نقد، مقوا و گانگرو تقریباً نقد، چاپ را سه چهار ماهه باید چک داد، فیلم و رنگ به همین طریق، اما اصول، اگر یک ساله، آن هم نیمه از شمارگان هراز و پانصد نسخه‌ای باشد، باید «کلاه را به آسمان برت کنی» تا از خود صحنی سکنه کنی.

کلا از آن ماست، اما دیگران آن را بیست تری می‌کنند و تولیدکننده باید پنج پانصد و هفتاد به فرمای. به یک مؤسسه معتبر برای برگزاری نمایشگاه کتاب، باید کتاب تخفیف بخوره آنها یعنی و سرراست طبق قرارداد منتظر دریافت پول باشی، یک ماهی از ضربت لاجل نشدنی عید از جانب خود آنها می‌گذردو خبری نیست، تناس می‌گیری، می‌گویی، فلاان آقا نیست تا فلاان جسته و قدری خبر کنیدی.

این قدری خبر کنیدی، یک ماه دیگر زمان می‌طلد، مطابقت طاق می‌شود، باید ماه رنگ می‌زنی، خبری نیست که بیست و جلاصه با سه ماه و اندی

تا خبری، پولت را می‌دهند و وقتی دو تا چهار تاه می‌کنی، بیش از یک سال است کتاب را داده‌ای و باید خدا را شکر کنی که «آقا کُرم کرده، دستش زوم کرده تا پول‌ها را بشوره و چک توشت و حساب را صفر کرد و می‌توانی دوسه طلبکار را از دم در برانی از آن بدتر، یک مؤسسه فرهنگی هری، ویسته می‌دارد، کتابت می‌خواهد و بان هم با شرطه‌ها و شرطه‌ها هم با تخفیف را خود اعلام می‌دارند، صد البته گزیش کتاب.

یک خراب کتاب می‌بری، دو سه کتاب بر می‌گیرند، بیست و هفت منتهی اشق بقرت تعجب می‌کنی، و چشم به راه تا رنگ زنده و رنگند پول آمده است و خدا پدرشان را بیامرزد که شب عید دعوت را داشته‌اند، و دوسه طلبکار دیگر را از دختان و محل کتب و کتابت برده‌اند.

از خریدن کتابتت هم خبری نیست و مدت هجدهت فهرست و لیست خرید، املا می‌شود و اگر دلت خوش بود که می‌شود نسخه‌ای به فلاان کتابخانه فروخته، آن هم سال‌ها رفت از یاده و خرید بی‌خود تازه آن را که در سال‌های گذشته خریدند، تخفیف جعل فرم‌دهو و دو تومانی اگر ندی، با انبار بر و طلبکار بر در ایستاده چه باید کنی؟

در کنار آگهی آن مؤسسه هنگی و هنری، چندین و چند آگهی چشم‌نوازی می‌کند. سفرهای آگهی پیش فروش «مائین - بخشه فارسی را باسی بدارم، خودو - را نمی‌توانی بشماری و سرت کبچ

می‌دود، هرزویل می‌گیرند، سال دیگر تحویل می‌دهند اما امروز پول می‌گیرند، باید بر روی رخ بشوریم، مگر سال آینده تحویل بگیري، تازه اگر چک‌های در دست برگشت نخرند.

قانون چکم که تغییر کرده و دوستی که من ندارد، با یکن، و طلب بی‌طلب، باید با یکی بکوب و تفریب‌دهی، شاید بتوانی توفیق اموال بگیري، توفیق فرد که نعل امکان ندارد و جایز نیست.

آقا کجایی است این بازار کتابفروشی و از آنجا که سعادی، و زرگان، هنوز نشسته بر نش، بدون نیمی‌کردن، الا به زرگان، سخت به بلای ماست، باید الا را بر داریم و به جایش اختیار را بگیریم، مگر می‌شود با نقد خرید و تقیض رفتار کرد و کتاب را به این صفت فروخت و الا را بر داشت، نه حتماً بعضی درست است؟ کار فرهنگی است و باید دیوان عشقی را داد!

به هر روز تمامی بدحکاران اسم از دولتی و ملتئ استفاده دارد در این صبح عید، ناشر و کتابفروش جداافتاد و در پینده که موضوع عشقی کتبش است

و نمی‌شود در امان خدا، لایق را طری کرد و احاطه روحانی، پول می‌خواهد، و جلاصه شرح داریم، ما را دریابید.

^[1] شماره ۱۶۸، شنبه ۱۳۸۲، اسفند ۱۳۸۲

^[2] شماره ۱۶۸، شنبه ۱۳۸۲، اسفند ۱۳۸۲

خداوند را چنان که سزاوار است نشاختند و ارج نهادند آن گاه که گفتند: «خداوند بر هیچ آدمی هیچ چیز نفرستاده است.» یکی «بچه کسی آن کتاب را که موسی آورد برای مردم روشناسی و رهنمونی بود فرستاد؟»
قرآن کریم، سوره نجم (۶۱)، بخشی از آیه ۹۱

خداوند سبحان، قدرت خویش را در کتابش نمایان ساخت و بدین سان خویشتن را به بندگانش نشان داد
می آنکه او را ببینند.
ابیر مومنان علی (ع)، گزیده میزان الحکمه، حدیث ۵۵۵۹، به نقل از منبع ج۱، ص ۱۱۶

منابع

به سوی بهتر نوشتن

از این شماره، در چند بخش یابی به نقل گزیده‌ای از ترجمه فصل ۳ کتاب مدیریت و رهبری در تشکلهای اسلامی، (بالندک تصرف) می‌پردازیم. این کتاب در اصل به زبان انگلیسی است و نام آن چنین است: Training Guide for Islamic Worker (راهنمای آموزشی فعالان اسلامی). به حدود ۲۰ زبان زنده دنیا ترجمه شده و عربی آن دلیل تدریب القابندی،(راهنمای کارآموزی رهبری) نام دارد. از نشریات مؤسسه جهانی اندیشه اسلامی است و پیش از این در ذکر فرمول هدفه (۹+۲+d) برای نوشتن، توضیحی درباره این کتاب و مؤسسه آمد.

عنوان فصل ۳ کتاب حاضر چنین است: «به سوی بهتر نوشتن». این فصل به هدف نگارش اشکالهای یک نوشته، فرایند نگارش، ایست ذهنی نویسنده و برخی راهنماییهای سودمندی پردازد.

الف هدف نوشتن

نگارش، ابزاری چند وجهی است. می‌نویسیم تا به دیگران آگاهی بخشیم، تا مقایسه‌اش سازیم تا به آنها اقتیم و در صورت لزوم، حتی به آنها هشدار دهیم.

بسیار مهم است که خوب نویسیم زیرا یک نوشته می‌تواند:
۱. اندیشه و اطلاعات را به گونه‌ای مستمر و آسان‌یاب، برای هر گونه مراجعه یا بهره‌برداری در دسترس همگان قرار دهد.

۲. دیگران را هماهنگ با محتوای پیامش به تحرک وادارد.

۳. با نثر عقلمند و دیدگاه‌های نویسنده در میان مخاطبان بیشتر، فرضیه‌ها آزادی را برای دیگر فعالینش در اختیار او قرار دهد.

۴. با عرضه و ارائه عقلمند و دیدگاه‌های نو و مغفوت، خوانندگان را به شیوه‌ای دقیق، راهنمایی و هدایت کند.

۵. با معرفی نویسنده به خواننده، اعتبار و شهرت برای نویسنده به ارمغان آورد.

۶. با نثر شیخ دقیق و مستمر راه حلها یا شیوه‌های اجرایی، احتمال موفقیتها برای دستیابی به اهداف را افزایش دهد.

۷. وسیله‌ای بسیار مؤثر برای دعوت، تبلیغ و بسط و گسترش یک آرمان و عقیده باشد.

نوشتن از آن رو که وسیله‌ای برای ارتباط است، باید در پیورهٔ آن کوشید و این پیوند جز از راه تعیین امکانپذیر نیست. چگونگی انتخاب واژه‌ها و نیز چگونگی و یک‌باره موضوع، نه تنها نقشی مهم در ایجاد وضوح و دقت در نوشته ما ایفا می‌کند، بلکه تأثیری اساسی در جدلیت متن و درک درست از آن دارد.
در شماره بعد به برخی اشکالها که ممکن است در نگارش متن پدید آید خواهیم پرداخت.

کتاب

فراسوی خیال خاکیمان

فراسوی خیال خاکیمان، اثر اثرانگاسم حسینیان، چاپ اول، طبع رهمی، ۲۲ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، نشر شاعاد، تهران، ۱۳۸۲ هـ. ۵۰۰۰ ریال.

هشیدان

به درد بخورترین موجودات خاکی اده و هر که بیشتر به درد بخورد، به او درد بیشتری می‌دهند.

این کتاب مجموعه‌ای از قطعات کوتاه و بلند درباره مفاهیم شهید، شهادت، فلسفهٔ هستی، جاگاه انسان، دین، مسئولیت، باکی، مرگ، زندگی، رنج، درد، حقیقت، عشق، ایستایی، پویایی و دیگر مفاهیمی است مرتبط با زیستن و چگونه زیستن انسان و نیازهای واقعی او، این فرضتی که در آنیم.

هیچ وقت تکرار نمی‌شود.

کتاب همین «زمان» خویشتید.»



گفت و گو با حجت‌الاسلام محمد نورعل محمدی فارغ‌التحصیل حوزه علمیه قم

فرهنگ شیعی و بازارهای شبه قاره

این دو مریز و بوم که با دگاز-رحمات گذشتگان است، به‌عنوان پایه شروع فعالیتهای مجدد خویش در عرصه‌های دینی، فرهنگی و ادبی استفاده کنند. علاوه بر یاد و ستاد فرهنگی و اندیشه‌ای، از این رهگذار از اقتصاد فرهنگی نیز بهره‌مند گردند.

همان‌طور که مستحضرید، شبه قاره هند در تولید کالا‌های فرهنگی از جمله لواجهای فرهنگی، نرم‌افزاری از صنعت پررونقی برخوردار است و یکی از بازارهای مهم در صادرات و واردات این کالاها به‌شمار می‌آید. امامت‌ساز به دلیل علم حضور فعال صاحب فرهنگ اسلامی، این بازارها آنگذ از فرهنگ و تبلیغی متنوعی را پیگیری کرده است. مؤالمت و همکاری درازمدت با طلاب خارجی مقیم قم و نیز گروه یا شخصیت‌های علمی و سیاسی جهان اسلام و زمینه آشنایی با نقاط قوت و ضعف مراکز تحقیقاتی و دینی در پنج قاره، همسویی با دغدغه‌های مسلمانان را برای محمد نورعل محمدی فراهم کرده و نگاه آسیب‌شناسانه، تزدیکی با واقعیت عینی نقاط مختلف جهان اسلام، او را در ارائه راهبردهای مؤثر توانمند ساخته است. همین ما را بر آن داشت که مصاحبه‌ای با او ترتیب دهیم تا حواله سه موضوع به گفت‌وگو پیشینیم: (۱) ظرفیت بکر و غنی شبه قاره هند؛ (۲) ارزیابی مراکز تحقیقاتی و انتشاراتی ایران به‌ویژه نشان‌راش اسلامی در استفاده و بهره‌وری از این ظرفیت؛ و (۳) راهکارهای پیشنهادی برای توسعه در بهره‌وری.

ظرفیت و توان شبه‌قاره هند را برای حضور مراکز تحقیقاتی و انتشاراتی ایران، به‌ویژه نشر و پژوهش اسلامی، چگونه ارزیابی می‌کنید؟
شبه قاره هند مجموعه‌ای از کشورهای بیگلاوش، هندوستان و پاکستان است که از نظر جمعیتی و جغرافیایی، بخش عمده‌ای از جهان را در بر می‌گیرد. این منطقه به دلیل رفور نعمت مادی و معنوی به‌ویژه در عرصه‌های بهره‌برداري نشده، همواره از میراث تا به امروز مورد قطع کلدردت‌های بزرگ جهانی، در هر دوره تاریخی بوده و این امر چنگ‌های خونینی بر مردم آن تحمیل کرده است.

لیکن در این میان، دین اسلام که از لحاظ جمعیتی اولین دین رسمی بیگلاوش و پاکستان و دومین دین رسمی کشور هند است، به‌گونه‌ای مسئولیت‌آمیز از طریق فعالیت مسلمانان درسه‌های گذشته ترویج یافته است. در این میان نقش بازار ایران‌ان در حافظه تاریخی و آثار میراث فرهنگی ملل این منطقه، خوش‌نگار بوده است. امام‌الآنبا از دوران حضور استعمار غرب به‌ویژه انگلیس، فعالیت تبلیغی و علمی علمای جهان اسلامی در این منطقه روزبه‌روز کم‌رنگتر گشت تا این‌که در این اواخر، مجدداً از سوی کشور و عربستان سعودی و علمای وهابی، کار سازمانی تشکلهائی آغاز گردید.

علمای شبه - به‌ویژه علما و مراکز تحقیقاتی و انتشاراتی ایران - می‌توانند از همپوشی فرهنگی و علقه‌های مشترک میان

و تدارک دیده شده عبادت‌اند از:

۱. محصولات رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در داکا (حدود ۹۰ جلد کتاب ترجمه‌ای از آثار شهید مطهری، شهید بهشتی، شهید باهنر، مقام رهبری، آیت‌الله نخسری، شهید محمدباقر صدر و غیر آنها با شمارگان متوسط شش هزار نسخه بدون تجدید چاپ)؛ ۳ جلد کتاب تألیفی با چاپ نفیس شامل: لغتنامه فارسی، بیگلا و انگلیسی، زندگینامه رهبر فقید انقلاب؛ و ترجمه شامه‌ای فرودسی با شمارگان متوسط هزار نسخه بدون تجدید چاپ؛ خرید آثار از مؤلفان بومی و ترویج آن با عناوینی چون ترجمه نوح الیافه، معرفی اقبال لاهوری، تأثیر فرهنگ ایران در شبه قاره هند، نیازهای پیامه اسلامی و غیر آنها.

البته غالب فعالیت نشر، در دهه اول انقلاب متمرکز بود و اکنون از حجم آن کاست شده است.

۲. محصولات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره) که شامل ترجمه و مستنامه سیاسی- الهی ایشان، برگزیده‌ای از اشعار عرفانی و برگزیده‌ای از سخنرانی امام‌درباره فلسطین است.

۳. انتشارات پارسیان (چاپ کتاب این جانب تحت عنوان: ابروی از حق) که در حوزه بحث امامت اهل بیت علیه‌السلام و بر اساس مستندات اهل سنت است.

۴. مؤسسه زهرائیس (آکادمی)

پوشش‌دهنده، بخشی از فعالیت تحقیقاتی طلاب شبه قاره است و در دوره‌های کوتاه‌مدت، جوانان تحصیل‌کرده نقاط مختلف پنج قاره و برای آشنایی فرهنگ و علوم اسلامی به ایران می‌آورد.

۵. انجمنیه انجمنهای طلاب خارجی در قم که با رضایت‌اندک اجیرآراه‌اندازی شده و حول هر منطقه، طلاب آن منطقه را به تأمل در باب مسائل فرهنگی تبلیغی و تحقیقاتی دینار خود دعوت می‌کند. از تولیدات این اتحادیه، بروشورهای خوبی به زبانهای بیگلا، اردو، انگلیسی، روس، اندونزیایی، مالایی، عربی و غیر آنهاست.

شما به‌عنوان یک کارشناس در عرصه فرهنگ منطقه، چه پیشنهادهایی برای توسعه حضور و بهره‌وری مراکز تحقیقاتی و انتشاراتی ایران از فضای شبه قاره داری؟

در این مجال اندک، این موارد را عرض می‌کنم:

۱. راهکار مهم: مؤلفه‌های محیطی در بخشهای مختلف شبه قاره هند از جهات متغیرهای روحی و روانی مردم، عناصر فرهنگی، توانمندی اقتصادی و غیر آنها باید شناسایی شود. شناسایی مؤلفه‌های محیطی دست کم دو نمره خواهد داشت:

۱. آثار علمی و دینی که برای آنجا تهیه می‌شود از جهت کیفیت محتوایی و نیز کیفیت ظاهری در بخش نشر به‌گونه‌ای خواهد بود که قوای حاضمه مردم آن خطه توانایی جذب نام و نام آن را خواهد داشت.

۲. تمام نکات فنی بازارهایی در عرصه عرضه و تقاضا تبیین عینی می‌باید تا آن‌که در بالاترین سطح، کار تولیدی از امتیاز

این دو مریز و بوم که با دگاز-رحمات گذشتگان

است، به‌عنوان پایه شروع فعالیتهای مجدد خویش در عرصه‌های دینی، فرهنگی و ادبی استفاده کنند. علاوه بر یاد و ستاد فرهنگی و اندیشه‌ای، از این رهگذار از اقتصاد فرهنگی نیز بهره‌مند گردند.

همان‌طور که مستحضرید، شبه قاره هند در تولید کالا‌های فرهنگی از جمله لواجهای فرهنگی، نرم‌افزاری از صنعت پررونقی برخوردار است و یکی از بازارهای مهم در صادرات و واردات این کالاها به‌شمار می‌آید.



علما و مراکز پژوهشی و انتشاراتی ایران می‌توانند از همپوشی فرهنگی و علقه‌های مشترک ایران و شبهه قاره به عنوان پایه فعالیت‌های فرهنگی و فکری استفاده کنند

ابتدال گردیده است و در صورت پیشرفت

این امر، ره آینده‌ای نه چندان دور، شبه قاره هند به یک سیاحتال پرچندایه در فضای فرهنگی تبدیل خواهد شد. به‌گونه‌ای که تمام سوره‌های فرهنگی اطراف خویش را به درون خواهد کشید و ناپید خواهد کرد. اما در صورت حضور فعال نظریه‌پردازان اسلامی در منطقه، ایران از نظر روزبه‌روز کمتر خواهد شد. تا آنجا نظریه‌پردازان می‌توانند ظرفیهای فرهنگی، اقتصادی خود را با نیروی کار تخصصی و ارزان در آن منطقه به سطح جهانی گسترش دهند. لذا از بازار پرجمعیت اما با کم‌حرفه منطقه در زمینه مسائل فرهنگی و دینی استفاده سرشار بیزند زیربایه دلیل بکر بودن بازار نیروهای بیشتر، مصلحت‌انحصار کار را در دست خواهد داشت.

مراکز تحقیقاتی و انتشاراتی ایران- به‌ویژه شهر قم- چه اقدام‌هایی در بهره‌وری از این ظرفیت داشته‌اند؟

در این بخش، به طور مصداقی به قسمت کوچکی از شرقی شبه‌قاره هند یعنی در بخشی که زبان بیگلا رایج است می‌پردازم. زبان بیگلا در کشور بیگلاوش با جمعیت یکصد و سی میلیون نفر (۸۶٪ مسلمان) و در بخش شرقی هندوستان با جمعیت یکصد و چهل میلیون نفر رایج است. غالب محصولات فرهنگی که برای این گستره جمعیتی پس از انقلاب اسلامی تهیه



اقتصادی بالایی برخوردار گردد. **راهکار دوم**، باید رابطه وثیق و معناداری بین مراکز تحقیقاتی و انتشاراتی ایران و مراکز تحقیقاتی و انتشاراتی شبه قاره هند، از طریق رایزنیهای فرهنگی و طلاب شبه قاره برقرار شود تا خدمات اجتماعی و اقتصادی متقابل، برای یکدیگر بسبب گردد. این امر با هدایت وزارتخانه‌های فرهنگی کشورهای مرتبط باید در قالب تششهای مشترک اقتصادی و فرهنگی فی مابین و سرمایه گذاران مادی و فکری از شبه قاره و ایران صورت گیرد. تششهای فرهنگی مشترک می تواند به طور



نورعلم محمدی: بسیاری از طرحهای تبلیغی به دلیل عدم شناخت از سرزمینهای دیگر، اثر ضدتبلیغی داشته و واکنشهایی منفی را برانگیخته است

سالانه، به نوبت در قم، تهران، اسلام‌آباد، دهل نو، داکا و غیره انجام پذیرد تا از ظرفیت کاری در هر یک از کشورهای مورد قابل شرکت، آشنایی دوسویه حاصل گردد.

راهکار سوم، استفاده بهینه از طلاب خارجی، مقیم قم توسط حوزه علمیه قم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مراجع عظام و مراکز انتشاراتی و اقتصادی، از نوصیه‌های جدی و کاربردی ندهد است. در این زمینه مرکز جهانی علوم اسلامی که متکفل طلاب خارجی است باید از چندین اثر اولیه طلاب که تازه به وادی قلمرونی روی آورده‌اند، حمایت کند تا به ترویج و تولید فکر و مطلب و به قول مقام رهبری «جانش نرم افزاری» در بین سفیران کشورهای مختلف دنیا در قم کمک کرده باشد. مراکز سرمایه گذار در تولیدات فکری و فرهنگی در این موارد می توانند از طلاب خارجی استفاده بهینه ببرند.

یکم، مطالعه جامعه‌شناسانه سرزمینهای مورد تابعیت افراد، این امر از آن جهت لازم است که بسیاری از طرحهای تبلیغی به دلیل عدم شناخت، اثر ضد تبلیغی داشته و واکنش منفی مردم را برانگیخته است، این که نیاز روز و فعلی مردم نبوده و یا در قالب مورد پسند ارائه نشده است، لذا با عدم استقبال عمومی و به تبع عدم سوددهی مواجه گشته است. دوم، استفاده از طلاب در جهت تولید آثار- اعم از تألیف، ترجمه و غیر آنها. سوم، استفاده از طلاب خارجی جهت شناسایی بازارهای خارجی. چهارم، استفاده از طلاب خارجی در جهت سیردن نمایندگی و تأسیس شعبه‌های پروغمرزی.

کتابهای موفق بوستان کتاب قم

انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

احکام بانوان، مطابق با فتاوی حضرت امام خمینی و حضرت آیات عظام خوئی، گلپایگانی، ارآکی و سیستانی، فاضل لنگرانی، مکارم شیرازی، نهبی و ندوین محمد و حیدری، ویرایش سوم؛ چاپ سی و چهارم؛ قطع رقی؛ ۲۲۲ صفحه؛ ۵۰۰۰ نسخه؛ نشر بوستان کتاب قم؛ ۱۳۸۲؛ ۹۰۰ تومان.

احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، مطابق با فتاوی مراجع تقلید، حضرت آیات عظام خمینی، گلپایگانی، ارآکی، نهبجت، تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی، لنگرانی، مکارم شیرازی، نهبی و تنظیم سیدمسعود معصومی؛ ویرایش ششم با تجدیدنظر و اضافات؛ چاپ سی ام؛ قطع رقی؛ ۲۶۴ صفحه؛ ۵۲۰۰ نسخه؛ نشر بوستان کتاب قم؛ ۱۳۸۲؛ ۹۵۰ تومان.

پرتوی از خورشید؛ داستانهایی از زندگی مقام معظم رهبری مدظله العالی، نوشته علی شیرازی، چاپ دوازدهم، قطع رقی، ۲۰۰ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، نشر بوستان کتاب قم، ۱۳۸۲، ۱۰۰۰ تومان.

مدیریت اسلامی، نوشته محمدحسن نوری، ویرایش سوم، چاپ هفتم، قطع وزیری، ۳۹۱ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، نشر بوستان کتاب قم، ۱۳۸۲، ۲۰۰۰ تومان.

راه یافته، یا، چگونه شیعه شدم؛ نوشته دکتر سیدمحمد نجفانی نسائی، ترجمه و تحقیق مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، مترجم: عباس جلالی و ویرایش دوم؛ چاپ پنجم؛ قطع رقی؛ ۲۶۴ صفحه؛ ۳۰۰۰ نسخه؛ نشر بوستان کتاب قم؛ ۱۳۸۲؛ ۱۸۵۰ تومان.

معاد در نگاه عقل و دین، نوشته محمدباقر شریعتی سبزواری، ویرایش دوم، چاپ چهارم، قطع وزیری، ۲۱۶ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه، نشر بوستان کتاب قم، ۱۳۸۲، ۲۲۰۰ تومان.

احکام جوانان، روشی نو در بیان احکام برای جوانان، نوشته محمود اکبری، چاپ چهارم، قطع رقی، ۲۲۸ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، نشر بوستان کتاب قم، ۱۳۸۲، ۱۲۵۰ تومان.

یک روز بهاری، داستانهایی از زندگی علما، نوشته مجید محبوبی ورجویی، چاپ دوم، قطع رقی، ۴۸ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، نشر بوستان کتاب قم، ۱۳۸۲، ۳۰۰ تومان.

والدین و مریمان مسئول، نوشته رضا فرهادیان، چاپ دوم، قطع وزیری، ۳۹۱ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه، نشر بوستان کتاب قم، ۱۳۸۲، ۲۷۰۰ تومان.

ازواج یا بیگانگان در فقه اسلام و سایر شرایع الهی، نوشته محمد ابراهیمی، چاپ دوم، قطع وزیری، ۲۲۲ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه، نشر بوستان کتاب قم، ۱۳۸۲، ۱۵۰۰ تومان.

الطريقة السهلة لتعلم المکالمة العربية، الجزء الاول، نوشته حسن الحکیم، چاپ دوم، قطع وزیری، ۱۹۳ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، نشر بوستان کتاب قم، ۱۳۸۲، ۱۳۰۰ تومان.

تازه‌های نشر شاهد

معرفی کتاب

ششید و شهادت در ادبیات فارسی

مضمون شہید و شهادت در ادبیات فارسی (منظوم) از مشروطیت تا سال ۱۳۹۸، به کوشش دکتر مصطفی شهب، چاپ اول، قطع وزیری، ۵۸۸ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه، نشر شاهد، تهران، ۱۳۸۲، ۲۰۰۰ تومان.

این کتاب در پنج خود اثری کامل و جامع است که در چهار بخش به مقدمه و موضوعهای مرتبط با شہید و شهادت در ادبیات منظوم فارسی و ارائه نمونه‌های متعدد، متنوع و برگزیده از آنها می‌پردازد.

عناوین بخشها و فصلهای کتاب حاضر عبارت‌اند از:

بخش اول: مضمون شہید و شهادت در ادبیات دوره مشروطیت، شامل فصلهای: تاریخ مشروطیت، اجمالی بر ادبیات در دوره مشروطیت، و شعرا و اشعار دوره مشروطیت.

بخش دوم: مضمون شہید و شهادت در ادبیات فارسی از ۱۳۱۳ تا ۱۳۵۷، شامل فصلهای: حکومت پهلوی و ویژگیهای ادبی

تازه‌های دنیای دین
آزاده رتسی

Mecca and Other Islamic Holy Places

مکه و دیگر اماکن مقدس اسلامی

نویسنده: مندی راس Mandy Ross، ناشر: Stack Vaughn Raintree، مارس ۲۰۰۳، ۲۲/۸ دلار.
استفاده از تصاویر زیبایی اماکن مقدس و توضیحات کامل در هر صفحه، ضمیمه، پانویسها و نظم و ترتیب به کار برده شده در تاریخچه جبرایی، جنگونگی و زمان برگزاری مراسم عبادی و اجرای فرایض، مجموعه کتابهای اماکن مقدس را به اثری عارفی العاده و جذاب تبدیل کرده است.

پرشنهایی نظیر این که: نخستین آیینهای مذهبی (هشاه ربانی) چه بوده است؟ نخستین مراسم قربانی کدام است؟ حج چگونه است؟ کتاب آسمانی قرآن چیست؟ و ... به طور کامل و دقیق در این کتاب پاسخ داده شده و هر جلد دارای بخشی در زمینه اعیاد، مراسم و دیگر مکانهای مقدس است. مجلدی از این مجموعه، تأکیدی بر موقعیت حساس و مهم اورشلم در این مکانی خاص برای همگی مسلمانان، مسیحیان و یهودیان دارد. مجلدی دیگر به ایشکان و پایا می‌پردازد. این مجلد که به مکه مقدس تخصیص داده شده حاوی برداشتهای گزارشهای شخصی یک زن انگلیسی از حج است.

www.Amazon.com منبع

Give Us Grace: An Anthology of Anglican Prayers

ما را شکوه بخش: گزیده‌ای از دعا‌های انگلیکان

نویسنده: کریستوفر ل. وبر Christopher L. Webber، ۵۲۸ صفحه، ناشر: Morehouse Publishing، ژوئن ۲۰۰۲، ۲۰/۷ دلار.
مسیحیان انگلیکان، از فرقه‌های کاتولیک مستقل از پاپ به شمار می‌روند که در انگلستان پدید آمدند و در نقاط دیگر نیز هوادارانی دارند. آنها وارث سنتهای غنی و کهن مسیحیت و از جمله نخستین فرقه‌هایی به شمار می‌روند که دعاهایشان از قدیم‌الایام به زبان انگلیسی و تأثیر پذیرفته از تفوق مستقیم انجیل از لحاظ وزن و محتوا بوده است.

انگلیکانها آموزه‌ای از بهترین تفکرات و باورهای اقوام سلطنت، مسیحیان ارتودوکس، سنتهای کاتولیک رومی و مهم‌ترین عقاید انگلیکان- شامل اعتقاد به علالت اجتماعی و منظر مقدس- را در ساختار دعا و نیایش خویش به کار گرفته‌اند.

این کتاب همچنین آغاز پیدایش سنتها و نوع شکرگویی آنها را عرضه کرده و مجموعه‌ای است که گستره قدمت و تنظیم زمانی دعا‌های انگلیکانها را از قرن شانزدهم میلادی تا کنون نشان می‌دهد.

www.Amazon.com منبع

سالهای ۱۳۰۴ تا ۱۳۵۷، و شعرا اشعار ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷. بخش سوم: مضمون شہید و شهادت در ادبیات فارسی (۱۳۵۷ تا ۱۳۹۸) شامل فصلهای: تاریخ سیاسی ایران سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۸، ویژگیهای ادبی ساختار زبان، و شعرا و اشعار.
بخش چهارم: موضوعهای مترقیه، شامل فصلهای: اشعار شہدا، اشعاری که در مورد شہدا سروده شده است، اشعار غیرمستقیم درباره مضمون شہید و شهادت، اشعاری که در رثای ائمه و بزرگان دین سروده شده و اشعاری که در مورد وقایع مهم سروده شده است.

دیدار در کرانه زخمی
دیدار در کرانه زخمی، نوشته اصغر فکوری، چاپ اول، قطع رقی، ۱۷۸ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، نشر شاهد، تهران، ۱۳۸۲، ۱۲۰۰ تومان.
این کتاب زندگی داستانی شہید مجید ساسانیان است.

کتاب شماره ۱۶۸، شنبه ۲ اسفند ۱۳۸۲ ۱۹



حجت‌الاسلام مطهری، عضو هیأت تحریریه مجله «دهیابی از مکتب اسلام» و نماینده حضرت آیت‌الله سبحانی در اولین جشنواره مطبوعات اسلامی است.
ما
یاز
ده
زمنه این جشنواره و خاطراتش از مجله مکتب اسلام به عنوان یکی از پاشنه‌تین مجلات اسلامی در ایران نمایشگاه گفت‌وگو کردیم.

برگزاری اولین جشنواره مطبوعات اسلامی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

این جشنواره و فعالیت ابتکار قدم نوست که برای اولین بار شکل گرفته است. در همه روزها و کشور مأمول است که از برگزیدگان و نتحکان تجلی می‌کنند و برنمه بزرگداشت برایشان ترتیب می‌دهند. این برنمه‌ها اثرات زیادی دارند. آثار ادبی، تاریخی و فرهنگی به نظر من بسیار اثرزنده هستند و شاید این جشنواره یک مقدار با تأخیر برگزار می‌شود اما لاخره آقایان آمدند و این قدم خیر را برداشتند و پایدی از پیشگوت‌های توسنندگان اسلام می‌گذرانند.
گروه تخصصی از اینها عمل مرسوم چاپ اولین سالن‌های ایرانی که من ایشان را دیده بودم. در روزنامه سلامت، طاقچه، در آن نشاء و اختصار با هزار جور مشکل، فعالیت مطوعاتی می‌کردند. همچنین تلاش وسندگان و مطوعاتی که بدو پیروزی انقلاب اسلامی که در خوق‌نقد و شعر جور حساب است. این یک قدم مبارک و ممتنع و مفید است. یک آغاز خوب است و امیدوارم ادامه هم داشته باشد.

آینده این جشنواره چگونه پیش‌بینی می‌کنید؟
محل هر کار دیگری که ممکن است در مراحل اولیه کتابتانی داشته باشد و در آن نیروی محرکی هائی دیده شود. ممکن است جشنواره تخصصی داشته باشد. اما امیدواریم داشته باشد. بر سالیان دیگر و تعداد دیگر به‌صورت بهتر و بیشتر و شاید در آینده بسیار بزرگ شود.

مجله سرمد هلی و اولین مکتب اسلام به عنوان یکی از پاشنه‌تین مجله‌های اسلامی و اولین طرح است. مختصری راجع به پیشینه این مجله توضیح دهید.

من دقیق این نشریه، ده‌سالی از مکتب اسلام است که با عنوان مکتب اسلام، از آن یاد می‌شود. این مجله از سال ۱۳۷۷ شمسی تأسیس شده یعنی تقریباً سی‌ک و نینه وارد حوزه علمیه می‌شود.
تمام آن زمان روزنامه‌ها و نشریات مختلف زیاد بود. نشریات ممتاز و بد اسلام و گسترده بسیار زیاد بود. در حالی که گروه‌های علمی و روحانیت تلاش برای زبان گویا و نشریه بود که چون‌باشند. اولاً تبلیغ کنند و دیگر اینکه چگونگی و به‌شود پایدی کنند و عنوان در برابر حیات مطبوعات دیگر ایستادی کنند. به دنبال این‌ها پیش‌بینی نیاز شد.
دهیابی از فضل و علمای برجسته آن زمان که دوربوسجستان بودند. هم‌جمع می‌شوند. همگفکی می‌کنند و نیاز را بررسی می‌کنند و این نشریه راه راه می‌گذارند.

این زمان از جهت زمان مبعوم آیت‌الله العظمی بروجردی بود. مرحوم آیت‌الله بروجردی در حوزه علمیه قم دراج فعلی تهرمت افتخار رفیع بود. از انتشار این مجله، حضرت‌جست‌الاسلام دانشمند، نویسنده این مجله، بر آمدن خدمت آیت‌الله العظمی بروجردی قرار می‌دهند. که استقبال عجیب ایشان زود بود می‌شود می‌فرماید.
مجموعه منم‌مجموع انجام چنین کاری درقدم بود. این جلب حمایت مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی بشوده قوی برای ایران می‌شود و ادامه می‌دهند.

کسانی بودند که این مجله و اعضای هیأت تحریریه آن چه بودند؟

عضوی از توسندگان اولیه از مراجع بزرگ فعلی هستند. حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی، آیت‌الله محضر سحیح‌الاسند مطهری آقای آیت‌الله سبحین تهری، علمای آینه الله عده کلیم موسوی آیدینی و آقایان واعظ‌ه بردعامام و جزاری اینها تمام این آینه الله دیگر هم‌شدند. به‌دها تمام موسس‌عده به آنها اضافه شد.
مقالاش از دکتر پدشینی و علامه طباطبائی چاپ می‌کردیم. زمانی که من مدیرداخلی بودم از استاد شهید مطهری هم مقاله چاپ می‌کردیم و من و سلسله مقاله‌ای در مکتب اسلام چاپ می‌کردیم.
محل آسیری در هیچ‌الامه و انتقال بخشی رابط ما با استاد شهید مطهری آقای شهید هادی میرشهرستانی بود. مرحوم شهید مطهری شرف‌آرا کرده بود که مقاله او در فرم مجله چاپ شود که از صفحه ۱۷ شروع می‌شد اما به دلیل کثرت اشتغالات، ایشان نخواستند مقاله رابه موقع ارسال شود. شرط منصرف شد. هر زمان که وقت می‌کردیم می‌فرستاد. تأسیس مجله در سال ۱۳۷۷ شمسی بودنده

با گروهی از دوستان که می‌توانم بگویم اینها نسل سوم هیأت تحریریه مجله مکتب اسلام بود. در سال ۱۳۹۱ شمسی عضو هیأت تحریریه شدیم اولین مقاله من در همین سال در مکتب اسلام به چاپ رسید.

روزی‌های مکتب اسلام که تا الان باعث ماندگاری آن شده است به نظر شما چیست؟

در یک کلام، هم زمانی که من به مدت ۹ یا ۱۰ سال مدیر داخلی بودم و هم امروز سیمینده منطبقه این یک نظرم درست که روزمانگاری مجله اعلاص بسیار آالی سوسنجان اولیه مجله است که در اعلاص و صداقت زیاد این مجله را تأسیس کردند. این مجله یک هیأت علمی و یک هیأت مثالی داشت. از هیأت مثالی آن یک نفر فرزند است. آنها اخبار و نتحان آن زمان بودند. ناخر و بزرگان بودند. در تهران سکونت داشتند و من به عنوان یک مقاله به اعلاص آنها غبطه می‌خوردم. اگر اعلاص بسیار بالای اینها توسندگان اولیه نبودند یعنی مجله نصف این مدت هم عصر نمی‌کرد.

روزی‌های یک مجله اسلامی که باعث برتری آن و جذب مخاطبان فراوان می‌شود چیست؟

خیلی شرایط و ویژگی‌ها باید دست به دست هم دهند تا یک



نشریه موفق شود.
مقالاش علمی قدرتمندی باید داشته باشد. و یک مدیر علمی آلی که همه مقالات را نظارت کند.
خط‌دهی هیأت علمی مجله خوب باید چهارچوب مشخصی داشته باشد. مخاطبانشانی کنند.
عضوی چگونگی دیگر نشریه موفق خیلی دور حل می‌شود.
خصوصی نشریات تخصصی که باید خیلی شرایط دست به دست هم دهند تا یک نشریه موفق شود.
کسی از خاطرات خود در مورد مکتب اسلام بگوید.
من خاطراتم را در مورد مکتب اسلام می‌گویم.
مکتب اسلام همگفکی در یک قسمت از آن جای می‌گردد.

یکی‌قسمت از خاطرات من به نوق‌در نظیر گذاری فوق‌العاده این مجله برمی‌گردد. یعنی گستره و وسعت استند آن که نونه‌علمی را عرض می‌کنم و یکی دیگر به سمت‌سیاسی مجله برمی‌گردد که باز هم مربوط به نظیر گذاری آن است که چند بار توقیف شد.

راجع به نظیر گذاری مجله باید عرض کنم که تنها نشریه مرتبط و مطوعی بود که ماهیانه از حوزه علمیه منتشر می‌شد. در واقع زبان و سخنگوی حوزه بود و چون‌هم‌هر جا که می‌رفتند برای مجله مشترک می‌گفتند.
خود بنده از پیش از سال دوازدهم انتشار مجله (۹۱) نضر هیأت تحریریه شدم. مشترک بود.

با اینکه مقاله‌های آن زمان پول برای این جور چیزها نداشتند. هر روحانی که تنها مشترک و خواننده مجله بود بلکه هر جا قدم می‌گذاشت بر برای تبلیغ می‌رفت. این مجله با هم‌تربوع و تقی می‌گردد و برای مجله مشترک می‌گردد و این عامل به‌شدت روحی خیلی قوی برای این مجله بود. بسیاری از سلماتگان پیش مجله نماینده اخباری بودند. به‌صورت طبیعی تربوع می‌گردد. مشترک جلب می‌گردد.
مجموعی می‌گردد و این باعث گسترش مجله شده.
دلی مجله همه‌جایی رفت به جز یادگان‌ها، به ما خبر می‌رسید که نمی‌گذرانند این مجله به یادگان‌ها راه پیدا می‌کند و اصناف مختلف اخبار و نشریات، مشترکان و خوانندگان مجله بودند.
غیر از ایران به کشورهای مختلف آسیایی و اروپایی هم می‌رفتند.
مختصرصا برای ایرانیان مقیم خارج و محافل و نشریات تخصصی در مکتب اسلام دانشجوین‌ها با فرج ناکو، غیر نشست‌هایشان با برای ما می‌فرستادند.
عمداً این جور اخبار را استند خبرسوسنجان می‌گردد که در مخاطبان با خروج از ایران خیلی بود.
خی‌بود.
خی زمانی که لایم‌بود کشور‌های دور اخباری

داشته باشیم، دانشجویان ایرانی مقیم آن کشور برای ما می‌فرستادند.
برعصی از سال‌ها سلماتگان مجله به افراد ناسخه درامه می‌رسید.

وجه دیگر نظیر گذاری این مجله این بود که علاوه بر مقاله‌ها، تمام باشدهی سر مقاله‌ها در واقع حرف‌های گوناگون تحریریه بود. در ماه‌بده هست که چندین سال آن را به‌طور مرتب آینه‌الله مکارم می‌نوشتم. سر مقاله‌های آینه‌الله مکارم و جواب‌های نامعوضی از آنها از نظریه‌ها شاکر بود.
یونودر خصوصاً می‌گردد.
بازآنها می‌باید که هم از نظر قدرت استدلال بسیار عالی بود.

به عنوان مثال آن زمان موسوم هم می‌شد مطبوعات دانشجوانی جمله می‌آورند.
به حج و می‌گفتند باقا چه خبر است؟
نویسندگان اروپاییه به‌جیب این عرب‌ها عورت‌های خلیج!
باین‌ها می‌نوشتم.
ماه‌بده سلماتگان به سلماتگان می‌فرستادند و این شیطنت‌ها می‌گردد.
باید می‌آیدیک سال مجله مکتب اسلام سر مقاله بسیار جالبی در دفاع از جیب‌کردن شد.
کمی گروه‌هایی اینها راه به

پانلارو‌های آخر حکومت‌دانشجوانی بود که یک‌طرفی دیدیم روزنامه اطلاعات سلسله مقالاتی چاپ می‌گردد. راجع به فریاد لنگور، تعجب کردیم که چطور شده یک روزنامه خبری، این بحث را باز کرد.
چاپ مقاله‌ها راجع به سلمات مختلف انگور

بافتد و با پیگیری کریم تا اینکه کم‌کم به آب‌انگور رسیدیم.
بناخر رسیدیم که این مطوعاتی می‌خوانند از کما‌در آوردند.
مقاله‌ها با نظیر گذارند.
درشت‌شد.
آب‌حلال اسکرم‌تونی‌آلی تونر نوشته‌بودند.
امام‌شجاع(ع) نامه‌یونعی شراب‌حلال‌اسلام را داده.
در عربی شراب پی‌نوشیدی و شربت، آنها شربت‌باز کرده بودند.
مکتب اسلام، به میان‌الله نده‌تندی نوشتند.
باز پیگیری کریم و فهمیدیم که اینها می‌خوانند یک کارخانه تولید مشروبات الکلی در اروپا به باقی‌بماند.
احداث کنند این موضوع را که فهمیدیم مکتب اسلام یک سر مقاله بسیار قوی نوشتند که موسی در جامعه ایجاد کرد.
عده خبر آوردند.
برای ما که می‌دانید چه کرده‌ا و چه کرده‌ا و با چه کسی طرف‌شدید!
سلمات‌شعاف این کارخانه‌ها سر مقاله‌ها ضابطی است.
گفتیم.
خدا می‌آید و همه را توقیف می‌کنند.

خاطرات دیگر اینکه گزارش‌های مردمی از زنده‌ای‌ها همه جا می‌بام می‌رسید.
آن زمان قرف‌صانه تبلیغاتی فعال بود.
شرکت‌های پر درآمد داشت که سود آنها را صرف تربوع این قرف‌صانه می‌گردد.
این شرکت‌ها مورد تحریم سلماتگان بود.
محصولاتشان را نمی‌خریدند.
تا اینکه روزی کارگاهی به مجله رسید که یک شرکت دارویی به نام آراگون‌کازر، این آن شرکت‌هاست و مربوط به این قرف‌صانه است.
این گزارش‌ها یکی بود.
مکتب اسلام به میان‌امدم و طرف‌های نوشته‌بودند.
عده‌جا روز از اصناف‌های آمد.
ما باز کریم مقیم شعباتی آن است و شرکت دارویی در اصناف‌ها است که فعالیت‌های کرده است و او لشهد آن له‌الله یعنی اینکه ما سلماتگان و با ما کلیه داشته باشیم ما پیگیری کریم که چطور شد آن کارخانه مجله که این سر مقاله را آن چاپ شده بود.
واقعی توضیح تربوع مردم به‌صورت خودجوش رفته‌اند.
و به‌عصبه این شرکت دارویی حمله کرده‌اند.
می‌دانید آن زمان اینکه‌تیمه حمله‌ها مطلقاً سابقه بود.

با ذکر این خاطره خواستم نظیر گذاری این مجله را بگویم.
یکی دیگر از بخش‌های پاسخ به سوالات بود اگر بخواننده‌باشد این پرسش‌ها را پاسخ‌دهد.
به‌صورت‌عمده اینها که نظر نظیر آینه‌الله سبحینی و آیت‌الله مکارم بود به کتابی به نام پرسش‌ها و پاسخ‌ها پاسخ‌های چاپ شده است.
این کتاب آینه‌سوالات و شهادت‌هاست.
شده در آن زمان است.
بخش‌های دیگر بخش مکاتبات مجله بود.

بسیاری از نامه‌ها مسائل اخلاقی و مجرمانه و مشکلات شخصی بود که نمی‌شد.
مجله جواب داد و مطرح کرد.
حجم این نامه‌ها فوق‌العاده زیاد بود.
و مجله یک بخش فعال بود که به‌صورت منگوب به این نامه‌ها جواب می‌گفت.
فاده‌های حجج‌الین نامه‌ها تقدیر زیاد بود که من آنها را برای نتحانکه به میزان می‌بردم.
مردم این مجله را با قدری مرحوم اسرار می‌دانستند که برای آینه‌نامه‌ها می‌نوشتمند.

این‌حمیوریت‌ها نظام‌شعبشانه‌ای دلیل‌شده بود.
باز این‌همیشه این مجله نه‌هدید می‌شد.
و باره‌همه از این‌شده‌شدگی از این توقیف‌ها در ۱۷ دی روز کشف جیب‌ها بود.
این مجله در سطراره

دی یک سر مقاله شد.
در تیز راجع به کشف هیأت نوشت که تا مدتی آن را توقیف کردند.

این مجله به‌طور توقیف باز آخرین بار آن چند سال

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بود که سوات‌های خیلی قدرتمند شده بودند.
نمی‌توانست این مجله از داخل کما‌جله‌ها از پیروزی انقلاب و ازیرکت.
خون‌شهبان انقلاب اسلامی این‌مجله حیات

مجدد خود را به‌صورت آورد.
برای کما‌مجموعه‌فقهی می‌نوشتم.
این‌سلمات‌پست حقوق کارگان‌خود را می‌دادولی مجله‌ها به اینها ارسال می‌کرد.
زمانی که محمدرضا پهلوی تاریخ جری‌ها را تاریخ‌شعبشانه غیر از تاریخ مطبوعات را ملاحظه کنید.
مجموعه مطوعات کشور زیغ تیع رفتند.
ما در روی جله مکتب اسلام با ازخمد آینه‌الله مکارم آینه‌الله قمی زنده‌باشم.
نامه‌ها دراز باخمد شمسی خودمان نویسد.
خی‌زمان که کاربوخته‌ها دراز گنگ‌ها مکالمه می‌کردیم.
میرا تاریخ از می‌نوشتم.

خاطره دیگری هم از مکتب اسلام به یاد دارم زمانی که هشتم حاکم عراق بود.
در بار اولی سال‌ها ما از عراق بیرون کرده‌اند.
آن‌که گروه‌های از فرقی از بیرون‌گشت حکومت‌دانشجوانی به خاطر ششینی با می‌ماند.
تلاش‌ها برای‌های رفته شده را خیلی عققد کرد.
رفتند آنها را بر و آوردند.
و جادادند و بیازمی کردند.
این بدنگان‌خدا از طرف حکومت‌شد.
نتحانگر شده بودند.
هر جور هم که حساب می‌کردی این کارقدق‌ها همیشه‌ها را ازبرودند.
خوب بود.
اما شانه می‌خواست از این فرصت بهره‌موردی و آن به نفع خود استفاده کند.
الله مکتب اسلام به ما خدام بد بود.
باید هست از فرمانداری قم برای ما نامه رسمی آمد وضمومش‌ان این بود که سید سلام و زین‌بختی عیسی‌ها را ازبرودند.
کریه‌اند.
ولت‌شعبشانه‌ای اینها پیگیری کرده است.
شده است.
این را زنده مجله نویسد.
اگر حکومت‌دانشجوانی شی‌خواست‌بهرموردی نمی‌مومی‌نوشتم.
ما رفتی فهمیدیم که می‌خوانند به‌رویداری کنند.
نوشتم اینهایی که عرض کردم گوشه‌های از خاطرات مهم‌من بود.
مکتب اسلام **این مجله عمده‌ترین مشکلات کیموده‌های چیست؟**

مکتب اسلام مشکلات مشکلات اقتصادی و سیاسی زیادی داشت اما مشکلات مجله که در شمارگان مجله نظیر گذار داشت بود و از نتحانهایی که در جریان جنگ تحمیلی پیش آمد.
در زمان جنگ تحمیلی مجله مکتب اسلام کلیه مطبوعات دیگر سهمیه کافی‌نداشتند.
برای چاپ هم‌شده‌بودند.
تلاش‌ها جیب‌هاست.
باز به نفع تهران می‌رفتند.
در جریان جنگ تحمیلی مطلق به‌عطف نبودند.
مقالاش برای مجله، مجله چاپ شده‌باشد.
اینکه جلا‌جا دروگان چاپ کردیم که خیلی نامربوط شد.
قرف‌ذوق خوانندگان خودروید.
این‌ها در برابر توقیف مجله ۱۵۰۰ مجله سه‌سزاره مجله به خاطر نبودن تقاضای بیشتر.
خامنه‌ها داشتند و این مشکلات زیاد داشت که نقل‌شده‌ها.
باشت سرگذاشتند.
راکتون در حدودیت قرف‌است در عرصه مطبوعات ذهنی حضور دارد و با گوشش‌هایی که شده و می‌شود.
حیات نوینی پیدا کرده است.

مردم برای اولین جشنواره مطبوعات اسلامی چه سوژهایی پیشنهاد می‌دهند؟

باید به درجین مذاکرات دست مردم به عرض در جلست است.
که من از کم‌بازگفت این جشنواره بی‌اطلاع بودم.
تا اینکه در استانبول بود که از طرف جاب‌جانب آسیمی رنگ‌نگار گفتند که قرف‌است جشنواره مطبوعات شروع‌گردد.
آینه‌الله سبحینی شد.
آرا معرفی کرده است.
من به خاطر کتابی که دانشم‌طرز

خواستم‌گفتم که نمی‌توانم به تهران بیایم.
فرمودند که در جلست‌گفتم که شرکت‌کنند.
عرض کردم که اگر در قم برگزار شود من می‌آیم.
آنها در تهران کارهای مطوعاتی انجام‌ده‌بودند.
تخصیص کارگاه‌های تدریسی و سازماندهی مقالات و نشریات انجام شده بود.
من بومس در جلست‌گفتم شرکت کرده که در ایران نظرات خود را ام‌هم‌ریاره نشریات هم‌دیروز اعلام‌بودند.

در یکی از جلسات آقای‌فقی‌معمرف شریف آوردند گزارش خوشان را در مورد شناسایی نشریات اسلامی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ارائه دادند.
و نشریه‌های برتر در پیشگام‌تیزر مشخص شدند.
در مورد تدریسی‌ها و مقالات و نشریات و امتیازبندی‌ها بحث‌شد.
و یک‌گفته‌شد که مباحث‌کسی ضابط‌شود

و چرا حرف آخر؟
معمرفی‌مقدم و برای آقایان آرزوی رفیق می‌کنم و از اینکه این جشنواره باعث شد و مخصوص اینکه از مکتب اسلام مطوعاتی در ماه‌بده خود و مخصوص اینکه از مکتب اسلام آسیمی به میان‌آمده‌بودند.
سلمات‌ها از سلمات‌ها از این مجله هم‌تقدیر شود.
خیلی خوشام.

پیرامون باسابقه‌ترین نشریه نمایشگاه مطبوعات اسلامی



بازخوانی ۱۰۱ سال مطبوعات اسلامی

اولین جشنواره مطبوعات اسلامی با حضور احمد مسجدجامعی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و همچنین تعداد زیادی از پژوهشگران، محققان و نویسندگان حوزه علم دینی در شهر قم برگزار شد. در این جشنواره که به بهانه یکصدسالگی فعالیت مطبوعات اسلامی برگزار شده بود، از نشریات مطرح و شاخص و نیز نویسندگان و محققان برگزیده تقدیر به عمل آمد.

نشرویات دینی و تحولات اجتماعی

در این مراسم مسجدجامعی با اشاره به این موضوع که علمای دین همیشه توجه ویژه‌ای را به دفاع از دین و بیان معارف دین داشته‌اند و همواره به نوبی با این نشریات همراهی و هم‌دلی داشته‌اند، گفت: این همراهی و هم‌دلی علما و مراجع تقلید که با مطبوعات اسلامی به عمل آمده نکته مهمی در تاریخ مطبوعات دینی و حتی در تاریخ تحولات حوزه‌های علمیه است. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در ادامه گفت: البته در این سیر شاهد تنگ‌گویی نشریات دیگری هم بودیم که با توجه به شرایط به صورت مناسبی به دفاع از اسلام و اعتقادات مسلمانی می‌پرداخت و این امر تحت تأثیر شرایط زمانه متحول بود. مسجدجامعی برای نمونه از نشریه «الاسلام» یاد کرد و گفت: این نشریه در زمان شروع فعالیت خود، مباحث مربوط به مسیحیت را محور توجه خودش قرار داده بود و بعدها با گذشتن سایر جریان‌های فکری نشریات دینی و نشریات اسلامی محور فعالیت خود را مقابله با مکتبیت که به نفع دین یا

نفعی اسلام می‌پزداخته قرار می‌داد. وی ادامه داد، از این منظر تاریخ تحولات نشریات دینی می‌تواند تاریخ تحولات اجتماعی و فرهنگی هم تلقی شود و بسیاری اسامی ارزشمند و گرفتار نیز در ذیل آن برای محققان و پژوهشگران وجود دارد.

به این ترتیب حوزه نشریات دینی به تنها زمینه تحولات دینی و فکری‌های دینی است بلکه به دلیل امتزاج عمیق دین با عرصه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی در کشور ما، بیانگر تحولات اجتماعی در ۱۰۰ سال اخیر است. جریان‌های مختلف فکری در دوران مشروطیت، در دوران بعد از مشروطیت، در دوران ملی شدن نفت و در دوران پس از پانزده خرداد همه آنها در نشریات دینی تأثیرات خودشان را داشته‌اند اما آنچه قابل توجه است این است که مجموعه حرکت‌ها در این سال‌ها عموماً در حوزه دفاع از دین و ایهام‌زدایی بوده است، نه بیان یک مجموعه از عقاید و دستورات دین به صورت پیوسته و سلسله‌وار.

انقلاب اسلامی و نشریات تخصصی

مسجدجامعی در ادامه سخنانش به جریان انقلاب اسلامی اشاره نمود و گفت: اتفاقی که در دوران انقلاب اسلامی حادث می‌شود تأثیر مهمی در همه عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی ما می‌گذارد. به صورتی که در این دوران شاهد تنگ‌گویی نشریات جدیدی به موضوعات تخصصی هستیم که مخاطبان این نشریات علوم مردم‌نستند بلکه طبقات ویژه‌ای هستند که این آثار مورد نیاز آنهاست. در این دوران عالمان برای عالمان می‌نویسند، عالمان برای مسوولانی می‌نویسند که در اجرا نیاز به راهنمایی دارند که چگونه اقتصاد، فقه، حقوق مالکیت و کلام در عرصه‌های اجتماعی و حکومتی سازی و جاری شود.

مطبوعات و حوزه‌های بین الملل

مسجدجامعی در بخش دیگری از سخنانش به جریان کتاب سال اشاره نمود و گفت: ارسال کتاب‌های تدوین‌شده در حوزه اسلام در سطح بین‌الملل به قدری افزایش یافته بود که یک کتاب معرفی‌شده بلکه کتاب‌های منتشر شده در باب اسلام را حوزه‌های کریم، حوزه آمریکا و کانادا، حوزه اروپا، حوزه جنوب شرقی آسیا، حوزه قفقاز و آسیای میانه و حوزه کشورهای عربی‌زبان، حجم تولیدات در حدی بود که از همه این حوزه‌ها کتاب‌های قابل قبولی از حیث داوران جشنواره کتاب به مرحله نهایی رسید و چنین تقابلی اتفاق می‌کند که در حوزه‌های مطبوعات هم

جدی‌تر عمل کنیم و سریع‌تر به عرصه‌های بین‌المللی وارد شویم.

مطبوعات امریه معروف و نهنی از منکر

آیت‌الله جعفر سبحانی دیگر سخنران جشنواره مطبوعات اسلامی پس از اشاره به ۴ وظیفه مؤسّسین که برگزاری نماز، دادن زکات و امر به معروف و نهی از منکر است، گفت: امروز یکی از مسائل امر به معروف و نهی از منکر قلّم است. قلّم همواره وسیله نشر خیر بوده است و هم وسیله نشر شرّ.

وی در ادامه با یکی از مرحوم شرف‌الدین املی نمود و گفت: ایشان پس از پایان تحصیلات در نجف و با ورود به لیسان احساس نمود که فساده و عقب‌ماندگی در میان شیعیان بیش از اهل سنن است و در میان اهل سنن پیش از مسیحیان است. بنابراین اولین قدمی که برمی‌دارد تأسیس یک دبیرستان جعفریه است که در آغاز کارش این جمله تاریخی را می‌گوید: «إلهمان راهی که گمراهی وارد می‌شود، از همان طریق می‌بایست هدایت وارد شود» یعنی اگر فرهنگی از طریق خدایت وارد شده است، می‌بایست از همان طریق نیز هدایت شود.

آیت‌الله سبحانی در ادامه سخنانش پس از اشاره‌ای مختصر به دوره‌های مختلف انتشار مطبوعات دینی و اسلامی از تاریخ ۱۲۸۱ هجری تا سال ۱۳۵۷ گفت: وجود همه این مطبوعات حاکی از توجه علما به موضوع امر به معروف و نهی از منکر است.

در پایان اولین جشنواره مطبوعات اسلامی پس از



قرانت بیابانه حیات داوران برترین‌های این حوزه معرفی شدند و از آنها تقدیر به عمل آمد.

بیابانه حیات داوران

در آستانه عید فرخنده غدیر و روزهای خاطره‌انگیز و شکره‌مند پیروزی انقلاب اسلامی در محضر علمایان، فضلایان، استادان، پژوهشگران، نویسندگان و دانش‌دوستان ارجح می‌نهمیم به مقام بی‌شکندمان مطبوعات اسلامی که با انگیزه دفاع از دین و دینداری زلال معرفت دینی را به جامعه اهل ایمان عرضه کردند و رنگارهای ناروا و نسبت‌های ناصواب را از چهره دین سترند.

دیرینه‌خان جشنواره مطبوعات دینی با کمال افتخار از توفیقی که به دست آمده و با سیاسی به درگاه خداوند متان نتایج داوران در خصوص یکصد سال مطبوعات دینی و نیز ارزیابی مقالات منتشرشده در سال ۱۳۸۱ را بدین شرح اعلام می‌کند.

الف- نتایج داوران در بخش نشریات

دوره اول، ۱۳۲۰ در این دوره ارزیابی صورت گرفته است ولی نام

مفت نشریه شاخص این دوره از قرار زیر است: الاسلام به مدیریت عبدالمعلی ملازندی آراجه‌ای، الاسلام به مدیریت فقیه شیرازی، آستانه رضوی، تذکرات دیناتی، ترویج اسلام، مجله دانشکده علوم معقول و منقول.

دوره دوم، ۱۳۲۱ - ۱۳۲۲

- آیین اسلام

- اتحاد مسلمین

دوره سوم، ۱۳۳۳ - ۱۳۳۷

- کتبک اسلام

- مقالات و بررسی‌ها

- الهادی

- نسل جوان

- مجله دانشکده الهیات مشهد

دوره چهارم، ۱۳۵۸ - ۱۳۶۸

رده پژوهشی

- حوزه

- تور علم

- تحقیقات اسلامی

دوره پنجم، ۱۳۶۹

رده کتاب‌شناسی

- آینه پژوهش

- زبانا

رده پژوهشی عمومی

- کتاب حدیث

رده پژوهشی تخصصی

- ترجمان‌های

- فقه و اهل‌البیت

- علوم حدیث

- کتبیات

- سبک‌های اسلامی

رده گزارشی فکری

- سبک‌های اسلامی

رده کودکان و نوجوانان

- اسلام‌چی‌ها

فهرست شمایی مقالات برگزیده

اقتصاد اسلامی

- آثار اقتصادی جایگزینی نظام مشارکت، سیدعباس موسویان، اقتصاد اسلامی

- ذخیره قانونی و سپرده‌های بانکی، سعید فراغانی فرد و اسدالله فرزین و ش، اقتصاد اسلامی، ۷

فقه و حقوق

- پیروزی‌دو یا آثار فزوم، احمدعلی بوسقی، فقه، ۳۱ و ۳۲ رتبه دوم

- فرض الحسنة و راهبردهای توسعه اقتصادی، مهدی حسین حیدریان نسبی، نامه مفید، ۳۱ رتبه دوم

تاریخ و سیره

- جنگ‌های صلیبی به نام شیطان، علی ابوالحسنی، ایران معاصر، ۱ رتبه دوم

تراجم و شخصیت‌شناسی

- جمال باره، جواد جعفری، انتظار، ۵ رتبه دوم

- بررسی زندگانی ابویوب انصاری، مهدی پیشروایی، کتبک اسلام

- بررسی زندگانی حاج میرزا ابوالفضل تهرانی، ناصرالدین انصاری قمی، مسجد، ۶۶

روانشناسی و علوم تربیتی

- روانشناسی رشد اخلاقی، ارزشی، دینی در نوجوانی و جوانی، حسین لطف‌آبادی، حوزه و دانشگاه، ۳۱ رتبه دوم

علوم اجتماعی

- اثبات شریعت و مدیریت دگرگونی‌های اجتماعی، سیدحسین میرعمری، اقتصاد اسلامی، ۸ رتبه اول

- سیاست‌های حکومت پیامبر، سیدمصطفاالدین قرایی، حکومت اسلامی، ۳۳ رتبه دوم

- نماز جمعه و افکار عمومی، سیدرضا تقوی، رسالت، ۸۷۷

- دبستر تاریخی و فکری برآمدن روشنفکران



دینی، جهان‌داری، امیری، سرشود آفتاب، ۲ و ۳

علوم حدیث

- احسانی و مصادر غیبت، سیدمحمدجواد شبیری، انقلاب، ۳ و ۴ رتبه اول

- نقش و جایگاه روایات در عصر عبث صغری، محمدرضا جباری، انتظار، ۳۰ رتبه اول

- پژوهش‌گونه‌ای درباره فاطمه (س)، محمدعلی مهدوی‌زاده، آینه پژوهش، ۷۵ رتبه دوم

- مطالعه در مورد حدیث کهن، محمدکاظم رحمتی، علوم حدیث، ۳۲

علوم سیاسی

- مقاومت و مشروطیت، محمد شروش، حکومت اسلامی، ۳۵ رتبه اول

- ایالات و اندیشه سیاسی فقهی نائینی، سیدجواد روحی، حکومت اسلامی، ۲۲ رتبه دوم

- ایوب‌نبد دین و سیاست در گفتمان عاشورا، مصطفی جعفرپنشه، حکومت اسلامی، ۳۵ رتبه دوم

- آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی در ساخت باورها و...، معصومه خبسترزی، نگاه حوزه، ۸۴ و ۸۵ رتبه دوم

فقه و حقوق

- التحیل الشرعی فی الزیاء، سیدمحسن خرازی، فقه اهل بیت، ۳۸ رتبه اول

- فرائض فی معنی القومسی فی کتاب الخلاف، عبدالعزیز زاهد، فقه اهل‌البیت، ۳۳ رتبه اول

- شاعردی، فقه اهل بیت، ۳۷ رتبه دوم

- فقدان ارتباط مغز به حکم مرتد، محمدحسین قدران قراملکی، علوم سیاسی، ۱۸ رتبه دوم

فلسفه

- امام محمد غزالی، خردورزی و دینداری، سیدحسین بزرینی، ذهن، ۱۱ و ۱۲

- پاسخ‌های محقق طوسی به شک‌گرایی، پرویز فطوریچی، ذهن، ۱۱ و ۱۲

- استیغری سنی از منطری دیگر، رضا اکبری، نامه مفید، ۳۴ رتبه دوم

علوم قرآن

- قرآن و دیگر آیین‌ها و فرهنگ‌ها، محمدهادی معرفت یا ترجمه حسن حکیم‌باشی، پژوهش‌های قرآنی، ۳۲

- زبان قرآن و یا زبان هدایت، محمدباقر سعیدی روشن، مجله تخصصی دانشگاه علوم رضوی، ۴ و ۵

- درآمدی بر تفسیر ساختاری قرآن، محمد عامر گر، پژوهش‌های قرآنی، ۳۰ و ۳۱ رتبه دوم

کلام

- تحلیل اجتماعی و پلورالیسم دینی، حمید پارسائیان، کتاب نقد، ۳۳ رتبه دوم

- ایمان، گروه دانشنامه کلام اسلامی، کلام اسلامی، ۴۱ و ۴۲

- اعتبار عقل و عرفان در برنوع‌وحی، احمد پهنشی، کلام اسلامی، ۳۴

- تجربه دینی و مسأله غیبت، علی ربانی کلپاگیان، قیاسات، ۳۶

- مفاد قرآن و انتظار بشر از دین، عبدالحسین خسرویان، قیاسات، ۳۴

- نگاه به تجربه دینی، محمد محمدرضایی، قیاسات، ۳۶

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

الگو



جواد لاریجانی

مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور با همکاری انجمن فیزیک ایران به مناسبت هفته پژوهش ۱۳۸۲ کتابی به نام «دنیای ذرات»

منتشر کرده است. این کتاب که ترجمه یکی از انتشارات سازمان تحقیقات هسته‌ای اروپاست به معرفی ساختار ماده در سطح زیراتمی و وسایل روش‌های تحقیق در این حوزه می‌پردازد.

ظاهر کتاب بیشتر به موارد هادی کودکان و نوجوانان شبیه است ولی سطح و موارد مطرح شده در آن برای دانشجویان رشته‌های علوم و بخصوص فیزیک مناسب است. انتشار این کتاب اگرچه مخاطبان اندکی را هدف قرار خواهد داد ولی یکی از اقدامات مفید در فهم بهتر اصول اولیه فیزیک ذرات نیادای برای علاقه‌مندان خواهد بود.تقدیربررسی این کتاب هدف این یادداشت نیست بلکه هدفش این است که سبب به وجود آمدن این حرکت از سوی یک سازمان دولتی شده است.تکته‌ای است که بایدبه آن توجه کرد.

حمایت از حرکت‌هایی که به نوعی باعث ترویج علوم در کشور می‌شوند و نمی‌توان آنها را در قالب فعالیت‌های دانشگاهی و رسمی‌کنجاند، همیشه با بی‌توجهی یا کم‌تلفظی نهادهای دولتی روبه‌رو شده‌است. از نظر آنها اینگونه فعالیت‌ها با در حوزه تخصصی‌شان نمی‌گنجد یا به قول معروف ماجرای سردرد و مساملت را برایشان ندانعی می‌کنند.

فعالیت‌های ترویجی عمومی علمی چون در هیچ جای دنیا نتیجه‌ای آن را به وجود نمی‌آورند و از سوی دیگر بسیار پرهزینه هستند. مهربانی قوی‌را طلب می‌کنند. در کشورهایی همچون ما یا به فراموشی سپرده می‌شوند یا فقط در حد کارهای روزمیه‌ی باقی می‌ماند.

به عنوان مثال استفاده از دستگاه آسمان‌نما در مدارس و پارک‌ها برای آموزش مفاهیم اولیه نجوم در دنیا جایگاه خاصی دارد.این دستگاهها از مدل‌های بسیار ساده رومیزی تا مدل‌های بسیار بزرگ چندده میلیون دلاری ساخته شده‌اند و هر کدام کاربردی خاص دارند.

در کشور ما نیز نزدیک به ۶۰۰ دستگاه از این وسیله در مراکز مختلف وجود دارد که متأسفانه فقط ۲ یا ۳ دستگاه از آنها در حال حاضر به پرسنل هوی مشغولند و بقیه در گوشه و کنار کشور در انبارهای مدارس یا مراکز فرهنگی در حال خاک‌خوردن هستند.

مدیان دولتی ما برای خرید وسیله، بسیار راحت پول خرج می‌کنند ولی برای راه‌اندازی و استفاده از آن از هزینه کردن وجه به شدت پرهیز می‌کنند. چون اگر روزی بخواهند پاسخگو باشند سندن هزینه‌های انجام شده برای خرید کالا همان کالای داخل انبار است ولی اثبات فعالیت‌های نرم‌افزاری چندان ساده نخواهد بود.

به همین دلیل است که هزینه‌زبایدی برای ایجاد مراکز ترویج علمی می‌شود ولی تقریباً هیچ وقت به بهره‌برداری مناسب نمی‌رسد.

حمایت از انتشارات علمی عمومی (چپه کتاب چه نشریه) نیز چون در دسته فعالیت‌های نرم‌افزاری قرار می‌گیرد چندان تمایلی برای حمایت از آن وجود ندارد.

شاید بتوان کار مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور را از معدود سنت‌کنکنی‌های این چندساله به‌حساب آورد ولی اهمیت دارد که مدیران سازمان‌های دیگر هم پیشتر به آن توجه کنند. انتشارات علمی عامه‌فهم باذری است که در زمین حاصلخیز پایشیده می‌شود و حاصلی خوب را به بار می‌آورد حتی اگر زمان کاشت تا برداشت طولانی باشد.

هنگامی که صفحه اصلی کتابخانه دیجیتال UT را باز کردم، از همان طراصی صفحه اول دریافتم که می‌توانم به اطلاعات فراوانی دسترسی یابم.

کتابخانه دیجیتال UT کتابخانه گسترده‌ای است و خدمات فراوانی به کاربران ارائه می‌دهد. از صفحه اول که شروع کنیم، به کادری برمی‌خوریم که تعدادی کلمات در آن نوشته شده‌است.

مثل *ghosts, journals, books*... با کلیک بر روی هر کلمه اطلاعات موجود در این کتابخانه را که دربارهٔ شیعی، فیزیک، ریاضی، نجوم، بیولوژی، اکولوژی، میکروبیولوژی و... در منابع اطلاعاتی مختلف مثل کتاب، ژورنال و مقاله تنظیم شده، مشاهده می‌کنیم. اگر می‌خواهید بدانید تا چه اندازه منابع علمی مختلف موجود در این کتابخانه به روز هستند، به شما می‌گویم که در صفحه اول این سایت خبرنامه‌ای موجود است که از جدیدترین اطلاعات موجود در کتابخانه با شما صحبت می‌کند.

موضوعات و منابع اطلاعاتی جدید مهم به ترتیب، محتوای این خبرنامه هستند که به نمایش در آمده‌اند. به عبارت ساده‌تر، کلی است روی هر یک از موضوع‌ها یا کتاب‌ها با کلیک کنید تا اطلاعات کاملتری در مورد آنها بیابید.

اماد کار این خبرنامه بخش نشریات که با عنوان *New Newspaper* مشخص شده است. جای تأمل دارد تعداد فراوانی از خبرگزاری‌ها مثل *Times*، *BBC News*، *Google News*، *Los Angeles* و... در این قسمت گنجانده شده‌اند که شما علاوه بر اخبار و اطلاعات از کلیه وبسادهای علمی و غیرعلمی سراسر جهان مطلع می‌شوید.

خبرگزاری‌ها و روزنامه‌های الکترونیکی در سایت کتابخانه الکترونیکی UT از آن جهت مورد توجه است که معمولاً تصوری می‌شود فقط دانشجویان و محققان

کتابخانه‌های دیجیتال

آزاده سین

aseyidine @ Yahoo. com

کتابخانه الکترونیکی UT دانشگاه تگزاس

شما می‌دانید؟!

تخصصی بیشتر از کتابخانه‌های علمی استفاده می‌کنند و این جایگاه عظیم فقط به درد دانشمندان و کارشناسان می‌خورد.اما با یک نگاه به این بخش، حقیقت دیگری آشکار می‌شود.
ذرات و اتم و ابر و ابراق در جستجوی اینترنتی سراسر دنیا نشان داده است که از کتابخانه‌ها حتی از نوع تخصصی آنها عموم مردم استفاده می‌کنند. البته استفاده همگانی از فناوری‌های به‌روز در میان کشورهای پیشرفته، جایگاه خاصی دارد.

کتابداران UT Library online

می‌گویند: شما می‌توانید منابع علمی – الکترونیکی ما را بخوانید. اگر مقاله‌ای در ژورنال یا مننی در کتابی خاص یافتید، سفارش پرینت از آن را به ما بپردازید

بنابراین کلیه علاقه‌مندانی که با نشانی **www.lib.utexas.edu** به این کتابخانه مراجعه می‌کنند به هزاران کتاب، ژورنال و *ghosts*های رای می‌یابند که بر اساس موضوع یا نام نشر طبقه‌بندی شده‌است.
جمله **search** که در بخش‌های مختلف این کتابخانه قرار داده شده‌است با ادغام اسم کتاب، مقاله، ژورنال، شماره یا در سیرچترین زمان ممکن به اطلاعات مورد نظرشان راهنمایی می‌کند.

حالا که به میان انبوه اطلاعات آمده‌اید و می‌خواهید با دست پر باز گردید، نگارنی نیست، چرا که مشکل شما به همت پرتیرهای موجود در کتابخانه حل می‌شود.

کتابداران **UT Library online** می‌گویند: شما

یادداشت

شما نیز می‌شنوید؟

نویسنده:گانگ، مترجمان و مؤلفان در سراسر دنیا تلاش می‌کنند تا کتاب‌های علمی

متناسب با شرایط سنی کودکان و نوجوانان تنظیم کنند. چراکه بسیاری از دانشمندان معتقدند عادت به مطالعات علمی از کودکی و توجوهی در انسان شکل می‌گیرد و برای همین این نوع کتاب‌ها در میان کتاب‌های دیگر جایگاه ویژه‌ای دارند.
تشریح سبب کتاب‌های علمی ویژه این گروه‌های سنی از آثار قدما همگانی در این باره است. اما اینکه تا چه اندازه به اهداف مورد نظر دسترسی یافته‌اند، موضوعی است که نیاز به بحث و گویهای طولانی و جدی دارد.
یکی از این نوع کتاب‌ها برگ علمی در برای معرفی در صفحه هفتم به دستمان رسید عنوانش آزمایش‌های بزرگ علمی با موضوع موجودات کوچک است.
این کتاب نوشته روزی هارلو و گرابت مورگان است که توسط میترا معمارزاده به فارسی برگردانه شده است.

طبق سر فصل این آمانه در آن مشخصات ظاهری و مشخصات زیست محیطی انواع پرنده‌ها، موجودات کوچک ابری، کرم‌ها گفته شده که تصاویر رنگی و زینتی آنها تکمیل توضیحات آمده است.

در بخش از فصل اول کتاب که به پرنده‌ها اختصاص داده شده‌است آمده، پرنده‌ها، حشراتی نجم نگرددند و از این تخم‌ها، کرم‌های کوچکی خارج می‌شوند. این کرم کوچک تبدیل به حشره نالغ و بعد حشره بالغ می‌شود. پرنده‌ها بدشان سه قسمت است؛ چهار بال، شش پا و دو شاخک دارند.

و با در بخش دیگر از عنکبوت‌ها و جگونیگی تباران توسط آنها سخن به میان آمده است. با این مفهوم، «تار عنکبوت انواع مختلفی دارد، اما تمام تارها یک وجه مشترک دارند و آن این است که شکل دایره‌مانندی دارند. تار عنکبوت را می‌توان در باغ‌ها و در لابه‌لای شاخ و برگ‌ها مشاهده کرد و بخصوص در فصل پاییز بر روی گل‌های سرخ دیده می‌شوند»

از مهم‌ترین قسمت‌های این کتاب فصل «مردمان آزمایش کننده صفحه آخر آن است و مخاطبان باید حواس برونند. جملات آمده در این بخش از نظر علمی صحیح هستند یا خیر. اما در پایان جمله‌های صحیح عبارت‌های غلط ذکر شده‌اند.

آزمایش‌های بزرگ علمی به روش ساده با موضوع موجودات کوچک برای کودکان



می‌توانید منبع علمی «الکترونیکی ما را بخوانید. اگر مقاله‌ای در ژورنال یا مننی در کتابی خاص یافتید، سفارش پرینت از آن را به ما بپردازید. حتی می‌توانیم با عقد قرارداد، در ط رف و یا در نظر گرفتن شرایط خاص منبع اطلاعاتی مورد نظرشان را به شما امانت دهیم.

اما قبل از هر چیز شما می‌توانید از روز دوشنبه تا جمعه هر هفته با شماره تلفن ۰۰۱-۲۹۵-۲۱۲۲ یا با تمامی بکریه.

کتابداران این مجموعه دیجیتال می‌افزایند: نام‌های شما را نیز از طریق نشانی سنتی،

یا نشانی اینترنتی: **giving.lib.utexas.edu** دریافت می‌کنیم.

و سود مسایات‌های اطلاعاتی فراوانی سبب شده تا آگهی‌های بازرگانی و تبلیغات این نوع سایت‌ها رونق خوبی داشته باشند تا با این روند هر روزه بر تعداد *users*های آنها افزوده شود.

اما چاره نشان داده‌است که هر چند در طراحی سایت‌ها، نیازهای مخاطبان‌شان را عمیق‌تر درک کرده‌اند، موفقیت چشمگیر تری در جانب آنها داشته‌اند. اما توجه به این نکته مهم است که فناوری

مدیران کتابخانه‌های سراسر دنیا نباید کرده‌است تا اطلاعات کاملتری در این باره به دست آورند. در این میان سکوت، حاکم بر کتابخانه‌های سنتی و دستی در ایران قابل توجه است که همچنان تلاش و مدارات‌شان در این امر قابل توجیف نیست؛ سکوتی که همه کاربران اطلاعاتی را به ستوه آورده است و باعث شده از خیلی محققان‌های امروز عقب بمانند.

اگر عقیده‌مانگی از دنیای علم و فناوری امروز برای ما مهم نیست، پس چه امری اهمیت دارد؟ شما مخاطبپ گرامی می‌دانید؟!

هستی فروزان

فمن آن‌جا برای مطالب علمی قابل توجهی است و بخش‌های متنوعی دارد. اما زبان جملات موجود در آن برای رده سنی کودکان به نظر سنگین می‌آید. هر چند که ویراستاری آن نیز نتوانسته به این مهم شکی کند.
نکته قابل توجه دیگر آنکه مطالب موجود در هر کتاب هر چه قابل فهم باشند مخاطبان را به مطالعه آن ترغیب می‌کند. اما ساحت از مشرات در این کتاب که تعداد بسیاری از آنها در ایران وجود ندارند، برای خوانندگان دور از ذهن است.
با توجه به کمیبود کتاب‌های علمی کودک در ایران، هر چند ترجمه این نوع کتاب‌ها باعث خورشیدی است. اما باید به انتخاب نوع کتاب و نحوه ویرایش آنها دقت بیشتری شود.

طبعی است که برای نگارش این نوع کتاب‌ها برنام‌ریزی دقیق و حمایت فرهیختگان علمی-فرهنگی کشور ضروری است.

چراکه افزون شدن تکنجاری کودکان هر روز، بلکه هر لحظه ضرورت این امر را در گوشمان زورمه می‌کند. شما نیز می‌شنوید؟

خبر

نمایشگاه کتاب‌های تخصصی برای دانشآمیان

مرکز نشر دانشگاهی با شروع ترم جدید دانشگاهها، نمایشگاه تخصصی کتاب در زمینه‌های فنی و مهندسی، کامپیوتر، علوم پایه (فیزیک، شیمی، ریاضی) و رشته‌های دیگر

کتابخانهی همه‌را با ۶۵۰۰ عنوان کتاب برگزار می‌کند. به گزارش این مرکز، کتاب‌های کتاب‌های فارسی موجود در این نمایشگاه با ۲۰ درصد به نازل‌ها و ۱۰ درصد تخفیف به عموم مردم عرضه می‌شود.

گفتنی است نمایشگاه تخصصی مرکز نشر دانشگاهی تا ۱۲ اسفند سال جاری در خیابان گلکدر بخش، خیابان خالد اسالمی،ر.ل.و.ن.شش خیابان نهم، شماره ۱۵۵، طبقه اول و چهارم برگزار می‌شود.

همچنین شما دانشجویان و استادان گرامی می‌توانید کتاب‌های مورد نظرشان را از ساعت ۸:۳۰ تا ۱۶ و پنجشنبه‌ها از ۱۲ تا ۱۵:۳۰ از این محل خریداری کنید.



دکتر سیدمحمد دادگران، نویسنده و مترجم

کتاب «مدریت رسانه» را در دست دارم و مشغول کار روی این کتاب هستم البته کتاب دیگری هم بهرامین مطالعات انتقادی در حوزه ارتباطات دارم که به موق دربارها اثر جوزف گوامی رود که مورد کتاب اعلامیت رسانه هم باید بگویم که بحث این است؛ چگونه مدیریت رسانه در عصر دیجیتال انجام می گیرد و مدیریت در این حرصه چه کار خطوری است و از چه ابزارهای باید سود و و چقدر باید مدیر رسانه امروزی در همه حوزه‌ها با فریند تولید پیام‌ها دسترس باشد. و وضعیت داخلی جامعه خودش را بشناسد و با اعتماد به نفس تصمیم بگیرد. چون تصمیم گیری و تصمیم‌سازی در مدیریت رسانه با دیگر تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در مدیریت رسانه در همان آبی بودن و لحظه‌ای بودن آن است. در حالی که مدیریت در دیگر نهادها و تصمیم‌گیری برای آن آفتاد از فوریت برخوردار نیست. در مدیریت رسانه است که مدیر باید بهترین تصمیم را در کوتاهترین زمان اتخاذ کند. من در این کتاب به نوعی به این مباحث می پردازم و مباحث دیگری که در زمان انتشار کتاب آن‌ها شامل خواهم خواند.

غلامرضا تهایمی، مترجم

«اندیشه‌ها بزرگ اعلام تاریخ اسلام» برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آماده و آماده می کنم. که البته «۱۹۰ صفحه اثر حرفیجینی شده و امپوزارم برای بهار سال آینده به بازار بیاید. این کتاب تقریباً بزرگترین دایرةالمعارف تاریخ اسلام است که هزینه‌اش را وزارت ارشاد متقبل شده است. کتاب دیگری هم در دست ترجمه دارم برای فرهنگستان هنر که این کتاب احتمالاً دو سه ماه دیگر منتشر می شود. این کتاب البته ترجمه است. اسم این کتاب «فرآفرینی و هنر از دیدگاه ابوحنان توحیدی» است. ابوحنان توحیدی فیلسوف بسیار بزرگ اسلام و اهل شیراز و مقروءش هم در شیراز است و کتابی نوشته درباره سانی با اصول زیست‌شناسی، البته مثل همه علمای ما مقدار زیادی از کتاب مربوط به زیبایی آن جهانی است. یعنی زیبایی‌هایی که در این دنیا می بینیم. در واقع همان نظریه نئول افلاطون است. اینها در حقیقت صورت و تصویری از زیبایی‌های واقعی هستند که در نزد خدایتبار یاد عالمی که

منتقش شد

روایت اول شخص

ما نمی‌بینیم، وجود دارد. این کتاب حدود سیصد صفحه است که رساله دکترای من بود. الان در مرحله حرفیجینی است و امپوزارم تا ایام نمایندگان بین‌المللی کتاب تهران چاپ و منتشر شود.

عبدالغنیح حقیقت نویسنده و محقق

من الان دو کتاب چندبزر چاپ دارم. یکی «عارفان بزرگ در بلندای فکر انسانی» است و دیگری جلد سوم قهرمانان ملی ایران» که از لطفعلی خان زند تا محمد مصدق را در بر می گیرد. کتاب «عارفان بزرگ ایرانی در بلندای فکر انسانی» را بعد از تاریخ عرفان نوشتم و از من خواسته شده بود، بعد از این کتاب راجع به عارفان بزرگ ایرانی و اندیشه‌های والای جهانی‌شان تحقیق و بررسی می‌کنم. به همین جهت من آخرین تحقیقاتی که از رویان و آمریکایی‌ها درباره اندیشه‌های عرفانی عارفان بزرگ ایرانی از دیدگاه انسانی بررسی کرده‌اند، مستحکم‌کنم. این کتاب را در واقع با استفاده از منابع معتبر خارجی تدوین و تألیف کرده‌ام و جمع‌بندی کنگر به‌هایی است که خودم در آنها حضور داشته‌ام. مثلاً در کنگر مولانا در آمریکا و کنگره مولانا در شرکت



دکتر سیدمحمد دادگران

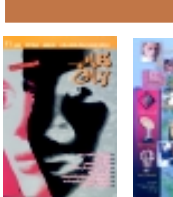


علی رامین

داشتن و جایگاه این عرفا را از دیدگاه نام مؤلفان و محققان داخلی و خارجی و ارائه اندیشه‌شان از منظر والای انسانی تبیین کرده‌ام. این کتاب از بازبید بسطی شروع شده و بعد از آن عین‌القضات همدانی، حسین بن منصور حلاج، ابوالحسن عرفانی، مولانا، حافظ، صغری‌علی‌شاه و... یعنی اندیشه‌های است که جنبه جهانی دارد و فراتر از خط و مرز و مذاهب است.

منابعی که برای نوشتن این کتاب مورد استفاده قرار گرفته مربوط به نویسندگانی چون آن‌ملای شیبلی، تاگور، ادوارد براون، هرمان هک ویساری و مسققان آمریکایی و اروپایی می‌شود. ناشران این دو کتاب انتشارات گوش‌شیر است.

دور دست کتاب قهرمانان ملی ایران هم باید



توضیح بدهم که در مجموع سه جلد بود که جلد اول آن از کاره آهنگر تا یخ‌تربا لیت صفار را در بر می‌گیرد. جلد دوم از حسن صباح تا نادر شاه افشار بود و جلد سوم هم که گفتیم از لطفعلی خان زند تا دکتر محمد مصدق است. در جلد سوم قائم مقام هست. امیرکبیر، انصام السلطنه، میرزا رضای کرمانی و... همه یعنی کسانی که اندیشه‌های قهرمانی داشتند و گفته شدند در این مجموعه آمده‌اند.

کتاب دیگری هم دارم که انتشار آن مقداری طول می‌کشد. برای اینکه حدود چهار هزار صفحه است. این کتاب فرهنگ هنرمندان ایرانی است که از آغاز تاریخ را در بر می‌گیرد. در این فرهنگ تمام خطاطان، نقاشان، معماران و... آمده‌اند. در واقع دنباله کتاب تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایرانی» است. این کتاب جامع‌ترین فرهنگی است که تمام هنرمندان امم از موسیقیدانان، خطاطان، نقاشان و... را از قدیم‌ترین ایام تا عصر حاضر در بر می‌گیرد.

عزت جلالی، نویسنده

مشغول رمان خدیجه هستم و تقریباً دستنویس آن خورش را دارم. تمام می‌کنم. فکر می‌کنم که تا آخر اسال آن را تمام کنم. اسم این رمان «دوچاهای فصل ذبیح» است و موضوع آن هم مربوط به مسائل و رویدادهای روزگار معاصر است و بعد از انقلاب اتفاق می‌افتد. در واقع این اثر به نسل خودمان می‌پردازد و داستان آن هم تم عاشقانه دارد. ضمن اینکه با نگاه به قضاة شریون و فرهاد و خسرو، مضمونی فرامشی دارد و نسل امروز را هم به کنکاش او می‌رود. مسائل راجع به جنگ، مسائل سیاسی، زنان‌ها و... امروز می‌شود. ناشران این رمان، ناشری جدید است و اسم این انتشاراتی نشر پرنده نوز است.

غیر از این یکی دو مجموعه داستان را برای چاپ تدارک می‌بینم. که فعلاً مشغول جمع‌آوری و تدوین آنها هستم. بعد از این هم مراحل چاپ کتاب با اطلسی‌ها پیر شدیم. اما تدارک می‌بینم. این کتاب مجموعه‌ای از اشعار شاعران جمهوری آذربایجان و ترکیه است. این کتاب آخرین مراحل چاپ را می‌گذراند. کلاً این کتاب گزیده عاشقانه‌های معاصر شاعران ترکیه است. حدود هجده شاعر با ۲۵ قطعه شعر که مرا خیلی درگیر کرده است.

علی رامین، مترجم

مشغول دایرةالمعارفی هستم که وقتی برای ما باقی نمی‌گذارد. امپوزارم کار این دایرةالمعارف را که جلوبردم، به کارهای نیمه تمام خودم پیروزم.

کتاب «اجامه‌شناسی هنر» الان نیمه تمام است. این کتاب مجموعه مقالاتی است که بخشی از آن را ترجمه کرده‌ام و بخشی از آن را هم نوشته‌ام. یعنی حدود ۱۰۰ درصد از کار انجام شده است. باید یکی دو سه روزی آن وقت بگذارم تا منتشر بشود.

دایرةالمعارف هم برنامه مفصلی است که آن‌شاه‌الله در یک مقطع به صورت مفصل در بارش حرف می‌زند. این دایرةالمعارف هم دایرةالمعارفی است مثل دایرةالمعارف مصاحب.

برای این دایرةالمعارف یک نییادی سرمایه‌گذاری کرده است و من مدیر پروژه‌اش هستم. و الان کار نیمه تمام است. این دایرةالمعارف را که حدود هشت جلد خواهد بود به صورت یک‌جا منتشر می‌کنیم. فکر می‌کنم چاپ و آماده‌سازی آن حدود دو سه سال طول بکشد.



ادبیات عامیانه

«ادبیات عامیانه مردم ایران» شامل مجموعه مقالاتی از دکتر محمدجعفر محبوب است که دیدگاههای این پژوهشگر را پیرامون ادبیات عامیانه ایران بیان می‌کند. دکتر حسن ذوالفقاری این مقالات را گردآوری کرده و نشر چشمه آن را در دو جلد چاپ و منتشر می‌کند.

تاریخ مذکر

«تاریخ مذکر» مجموعه‌ای از مقالات رضا برهانی است که نشر و پژوهش دادار در تدارک چاپ و انتشار آن است. همین ناشر رمان دو جلدی «ارزهای سرزمین من» از این نویسنده مقیم کانادا را که در دهه شصت چاپ و منتشر شده بود و مدت‌ها نایاب بود، زیر چاپ دارد. این رمان روایتی از روزهای انقلاب ایران و رویدادهای آن را در بر می‌گیرد.

کامران زینشت

«کامران زینشت» متن‌های نوآستانی» از جلیل دوستخواه است که از سوی نشر ققنوس چاپ و منتشر می‌شود. این کتاب در واقع رهیافتی به زینشت از هانس رایشلست است.

چه کسی از ویرجینیا وولف می‌ترسد؟

«چه کسی از ویرجینیا وولف می‌ترسد؟» عنوان رمانی از ادوارد دالی است که با ترجمه سیامک گلشیری از سوی نشر اماد پزودی چاپ و منتشر خواهد شد.

مهاجران

«مهاجران» مجموعه نمایشنامه‌های اسلاو مروژک با برگردان ابرج زهری از سوی نشر دانشستان پزودی چاپ و منتشر خواهد شد.

هزار و یک سال

«هزار و یک سال» رمانی برای نوجوانان از شهریار مدنی پور است که نشر آفرینگان در دست چاپ و انتشار دارد.

نما سلسله جویی

«اسطغان محمود غزنوی، نماد سلسله جویی و تعصب» اثری از محمداحمد باهمی سمنانی است که از سوی نشر نذا چاپ و منتشر می‌شود. همین ناشر کتاب دیگری باهمی سمنانی با عنوان «احمدشاه، واپسین سلطان قاجار» را نیز در دست چاپ دارد.

ضمایر

«ضمایر» عنوان اثر داستانی از علی فردابی نیاست که از سوی نشر سالی به زیر چاپ رفت. نشر سالی هفته گذشته مجموعه قصه «باغ علی» از کورش اسدی را به بازار فرستاده بود.

دیوان شرف جهان

«کلیات دیوان شرف جهان غزوی» با استفاده از چهار نسخه پاکستان، مجلس، کتابخانه ملی و کتابخانه ملک، توسط بقی اششاری تصحیح شده و همراه با مقدمه‌ای از سوی نشر حدیث امروز فرین پزودی چاپ و منتشر می‌شود.

مرواریدهای شهرزاد

«ارز مرواریدهای شهرزاد» عنوان کتابی به قلم عرفان نظراً آملری است که پزودی چاپ و منتشر می‌شود. کتاب دیگر این خطه که آماده انتشار است «بجای با طعم خدای» نام دارد. «نام‌های خط خطی» تازه‌ترین اثر منتشر شده وی نیز هفته گذشته از سوی مؤسسه انتشارات ضایرین به بازار آمد.

سفر به باغ مقدس

سفر به باغ مقدس جدیدترین کتابی است که از مترجم مجموعه داستان‌های خری پاتر «ویدا اسلامیه» به زبان فارسی ترجمه شده و کاتیسرای تدبیر در تدارک انتشار آن است.

عطر فرانسوی

«عطر فرانسوی» مجموعه داستان تازه‌ای از حسین مرتضاییان آبکار است که از سوی نشر آگه در دست چاپ و انتشار است. کتاب قبلی این نویسنده با عنوان «گسرت تارهای ممنوعه نیز قبلاً توسط همین ناشر به بازار آمده بود.

سپهر جانوران

«آخرین رمان ایرویل» آئنده نویسنده مشهور زیبایی‌با عنوان «نهر چاپ و انتشار است.

اکر ایل استریت

«اکر بیل استریت زبان داشت» رمانی از جیمو گالدوین با برگردان ابراهیم یوسنی است که انتشارات معین در تدارک چاپ و انتشار آن است. این رمان مضمونی عاشقانه دارد و بخشی از حوادثش در زندان‌های آمریکا شکل می‌گیرد.